

مهاجرت اقوام آریایی به فلات ایران نقطه عطفی در تاریخ میهن عزیز ما به شمار می‌رود. این اقوام با تأسیس حکومت‌های نیرومند، موجب تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای نه تنها در ایران، بلکه در بخش وسیعی از جهان آن روز شدند. شما در این درس، با استفاده از شواهد و مدارک معتبر باستان‌شناختی و تاریخی، مهم‌ترین رویدادها و موقعیت سیاسی و نظامی تاریخ ایران را از تشکیل دولت ماد تا پایان حکومت هخامنشیان، بررسی و تحلیل می‌نمایید.

۱۵۰۰ ق.م. وارد فلات ایران شدند. گروهی از آنان به سمت مرکز و غرب این فلات پیشروی کردند و در مناطق مختلف آن مستقر شدند؛ مادی‌ها، پارسی‌ها و پارتی‌ها از جمله آنان بودند. گروه دیگری نیز از شرق فلات ایران به هند رفتند.

ماد، نخستین حکومت آریایی ایران

در درس ۷ خواندید که ایرانیان از دوران باستان تا دو قرن پیش، پیشدادیان و کیانیان را به ترتیب نخستین و دومین سلسله پادشاهی می‌دانستند که پیش از اشکانیان و ساسانیان بر ایران حکومت کرده بودند، و اطلاعی از مادی‌ها و هخامنشیان نداشتند. تحقیقات جدید تاریخی که در دو قرن اخیر انجام گرفته، آگاهی و شناخت نسبت به تاریخ ایران در دوران باستان را متحول کرده است. بر پایه این تحقیقات، مادی‌ها بنیان‌گذار نخستین حکومت آریایی در ایران شناخته می‌شوند.

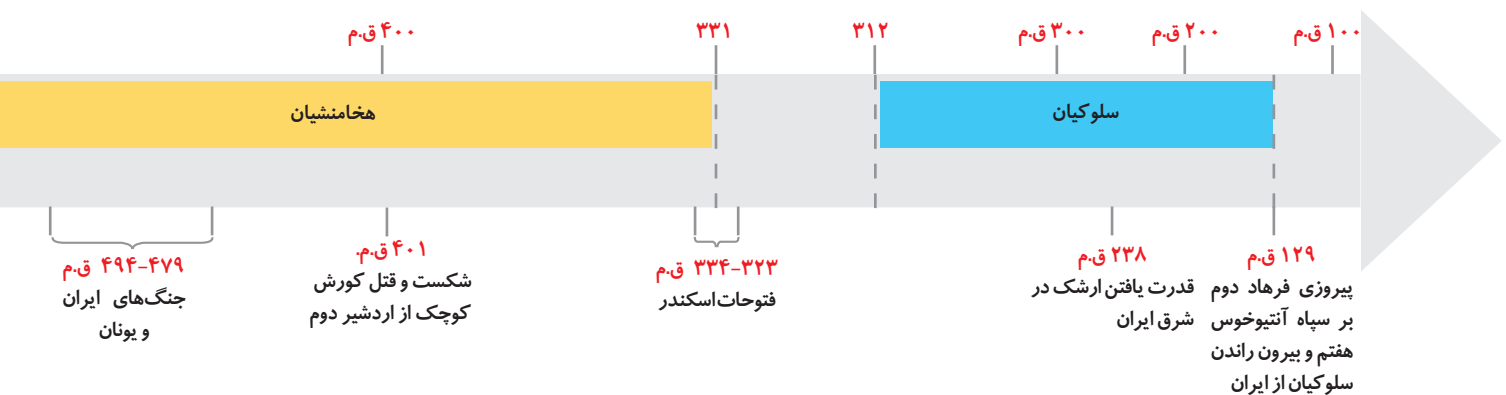
تأسیس حکومت ماد: قبایل گوناگون ماد از جمله اقوام آریایی بودند که در بخش وسیعی از مناطق غربی و مرکزی ایران استقرار یافتند و در کنار بومیان ساکن این مناطق

اقوام آریایی از مهاجرت تا تشکیل حکومت در ایران

واژه ایران از واژه آریایی گرفته شده است و به معنی سرزمین آریاییان است. واژه آریایی نیز به معنی شریف و آزاده است؛ پس واژه ایران به معنی سرزمین مردمان شریف و آزاده است.

آریاییان گروهی از اقوام هند و اروپایی بودند که از زمان‌های بسیار کهن و به تدریج در فلات ایران و شبه‌قاره هند مستقر شدند و خود را آریایی نامیدند. بنابراین، کاربرد واژه آریایی برای دیگر اقوام هند و اروپایی، به جز ایرانیان و هندیان درست نیست.

درباره سکونتگاه اولیه اقوام هند و اروپایی و زمان و مسیر مهاجرت آریاییان به ایران و هند اتفاق نظر، وجود ندارد؛ عده‌ای از مورخان احتمال می‌دهند که اقوام هند و اروپایی، نخست در علفزارهای واقع در شمال شرق فلات ایران و جنوب روسیه در حوالی دریاچه آرال می‌زیسته‌اند. بر اساس فرضیه‌ای که مورد قبول تعداد قابل توجهی از باستان‌شناسان و مورخان قرار گرفته، اقوام آریایی در حدود

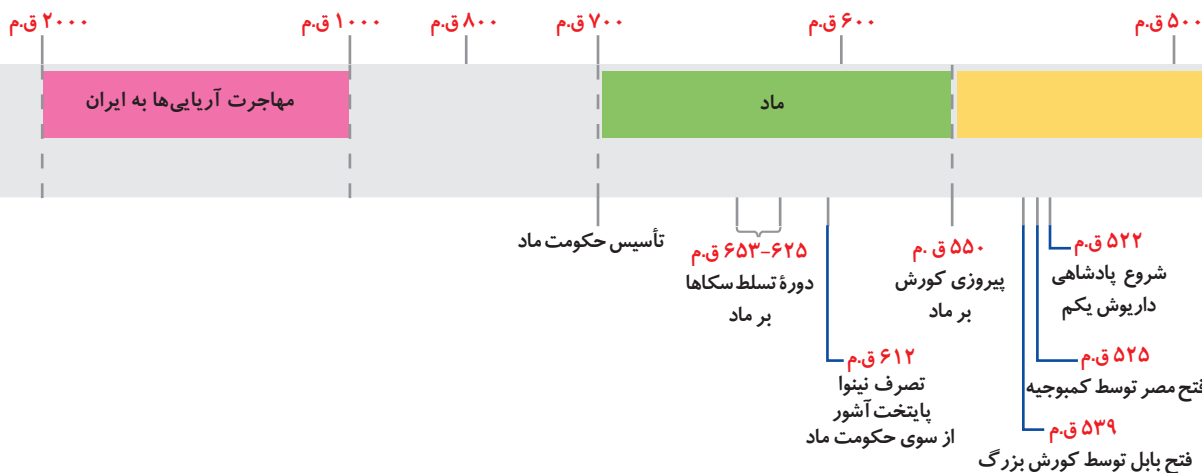


یورش‌ها و غارت‌گری‌های پیاپی آشوریان، زمینه اتحاد قبایل پراکنده ماد را فراهم آورد. از این‌رو، رؤسای این قبایل، یکی از بزرگان مادی به نام دَهیوک که به اشتباه دیاکو می‌خوانند، را به پادشاهی برگزیدند. دَهیوک شهر هگمتانه یا اکباتان (همدان امروزی) را بنا کرد و مرکز حکومت خود قرار داد.

به زندگی پرداختند. برای اولین بار در قرن ۹ ق.م. در سالنامه‌های شاهان آشوری به مادی‌ها اشاره شده است. آشور در آن زمان حکومت نسبتاً نیرومندی در شمال بین‌النهرین بود که برای به دست آوردن فلزات، سنگ‌های قیمتی و غنائم دیگر، دائماً به سرزمین‌های همسایه، از جمله نواحی غربی ایران هجوم می‌آورد.



● نقشه قلمرو حکومت ماد



فعّالیت

الف) مآخذ متن‌های شماره ۱ و ۲، جزو منابع دست اول تاریخ ایران باستان است یا منابع دست دوم؟ چرا؟
ب) با توجه به متن‌های صفحه قبل، شجره‌نامه کورش و داریوش هخامنشی را کامل کنید.

مؤسس سلسله هخامنشی پس از آن، چند سالی در مناطق شرقی فلات ایران سرگرم کشورگشایی بود و مناطق وسیعی را به قلمرو خود افزود.

یکی از انسانی‌ترین و شکوهمندترین فتوحات تاریخ جهان، فتح مسالمت‌آمیز بابل توسط کورش بزرگ در سال ۵۳۹ ق.م. است. در این سال، مؤسس سلسله هخامنشی بدون جنگ و

کورش مدتی پس از به قدرت رسیدن، به آسیای صغیر لشکرکشی کرد و حکومت لیدی و سایر دولت - شهرهای آنجا را شکست داد و شهر ثروتمند سارد، پایتخت لیدی و تمامی آسیای صغیر را به تصرف خود درآورد. در نتیجه این فتوحات، حکومت هخامنشیان به ثروت هنگفتی دست یافت و با دولت-شهرهای یونانی همسایه شد.



● منشور کورش - موزه بریتانیا - لندن

در سال ۱۸۷۹ م. / ۱۲۵۸ ش. در بابل کشف شد، هم اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود و به «منشور کورش» معروف است.

بیانیه یا منشور کورش، نماد فرهنگ انسانی و مداراجویانه ایرانیان است. بسیاری از محققان، منشور کورش را نخستین منشور حقوق بشر می‌دانند. از این‌رو، متن آن به ابتکار سازمان ملل متحد به شش زبان رسمی این نهاد جهانی ترجمه شد. نسخه بدلی از این منشور نیز در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک به نمایش گذاشته شده است.

خونریزی وارد بابل شد. بابل یکی از بزرگ‌ترین شهرهای آن‌روزگار به‌شمار می‌رفت و مردمان و اقوامی با خاستگاه اجتماعی و فرهنگی گوناگون در آنجا می‌زیستند. این شهر از نظر داشتن بناها و پرستشگاه‌های باشکوه، مراکز اقتصادی ثروتمند، نهادهای سیاسی و اداری متعدد و در اختیار داشتن راه‌های ارتباطی با سرزمین‌های دور و نزدیک، اهمیت فراوان داشت و تسلط بر آن برای هر فرمانروایی بسیار مهم و مطلوب بود.

کورش فرمان داد تا ماجرای فتح صلح‌آمیز بابل را بر لوحی استوانه‌ای از گل رُس به زبان بابلی بنویسند. این لوح که

فَعَالِیت ۲

متن‌های زیر را بخوانید و احساس و درک خود را از شخصیت و اندیشه آشوربانیپال و کورش بزرگ در چند سطر بنویسید.

بررسی شواهد و مدارک

مقایسه اندیشه و رفتار دو کشورگشا: آشوربانیپال، فرمانروای آشور و کورش بزرگ، پادشاه ایران

متن ۱: ترجمه بخشی از متن سنگ‌نوشته آشوربانیپال پس از فتح شوش، پایتخت ایلام:

«من، شوش شهر بزرگ و مقدس را به خواست خدایان آشور گشودم. من وارد کاخ‌های معبد شوش شدم و هر آنچه از سیم و زر و مال فراوان بود، همه را به غنیمت برداشتم. من همه آجرهای زیگورات شوش را که با سنگ لاجورد تزیین شده بود، شکستم. من تمامی معابد ایلام را با خاک یکسان کردم، شهر شوش را به ویرانه‌ای تبدیل کردم و بر زمینش نمک پاشیدم. من همه دختران و زنان را به اسارت گرفتم. از این پس، دیگر کسی، صدای شادی مردم و سم اسبان را در ایلام نخواهد شنید.»

متن ۲: ترجمه بخشی از متن منشور کورش:

سطر ۲۳. همه مردم گام‌های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک [خدای بزرگ بابل] دل‌های پاک مردم بابل را متوجه من کرد، زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.

سطر ۲۴. سپاه بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

سطر ۲۵. وضع داخلی بابل و جایگاه‌های مقدسش قلب مرا تکان داد ... من برای صلح کوشیدم. ننبونید [شاه بابل]، مردم در مانده بابل را به بردگی کشیده بود، کاری که در خور شأن آنان نبود.

سطر ۲۶. من برده‌داری را برانداختم. به بدبختی‌های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند. مردوک از کردار نیک من خشنود شد.



● آرامگاه کورش بزرگ، بنیان‌گذار حکومت هخامنشیان - پاسارگاد

در پی تسخیر بابل، تمامی بین‌النهرین و نیز سرزمین‌های سوریه، فلسطین و فنیقیه (لبنان امروزی)، تحت فرمان هخامنشیان درآمد.

کورش نه تنها به عنوان یک جهانگشا و یا به علت فتوحاتی که انجام داد، بلکه به خاطر شخصیت انسانیش همواره مورد تحسین و تکریم بوده است. در روزگاری که قتل و غارت و کشتار، روش معمول فرمانروایان و فاتحان بود، کورش با پرهیز از چنین رفتاری، شکل جدیدی از فرمانروایی را به جهان معرفی کرد. این رفتار مداراجویانه

با تمدنی کهن و با شکوه بود. با فتح این سرزمین، قلمرو هخامنشیان به قاره آفریقا نیز گسترش یافت و به نهایت وسعت و عظمت خود رسید.

و انسانی کورس، الگوی مناسبی شد که پس از او، برخی از شاهان هخامنشی نیز از آن پیروی کردند.

در زمان پادشاهی کمبوجیه، پسر و جانشین کورس بزرگ، مصر به تصرف هخامنشیان درآمد. مصر، کشوری بزرگ و



● نقشه قلمرو هخامنشیان

به خاطر اقدامات اساسی و کم‌نظیری بود که برای ایجاد تشکیلات نوین اداری، نظامی و اقتصادی، انجام داد. تأسیس سپاه جاویدان، احداث جاده شاهی و برپایی کاخ‌ها و بناهای مجلل، به‌ویژه در شوش و تخت جمشید، از جمله اقدام‌های مهم این پادشاه بزرگ است. در واقع داریوش، اصول و شیوه‌ای از کشورداری را بنیان نهاد که نه تنها در دوره هخامنشیان، بلکه تا قرن‌ها بعد، همچنان پا برجا بود و زمینه رونق اقتصادی و شکوفایی تمدنی ایران را فراهم آورد. در درس‌های بعدی مهم‌ترین اقدامات و ابتکارات داریوش در زمینه‌های اداری، نظامی، عمرانی و اقتصادی، بررسی خواهد شد.

تثبیت شاهنشاهی هخامنشیان: پس از مرگ مشکوک کمبوجیه، داریوش یکم که از شاخه دیگر خاندان هخامنشی بود با همراهی تعدادی از سران خاندان‌های بزرگ پارسی، گوماته مَغ و دیگر شورشیان و مدعیان قدرت را سرکوب کرد و بر تخت شاهی نشست. داریوش بزرگ پس از فرونشاندن شورش‌های داخلی و برقراری آرامش و امنیت در سرتاسر شاهنشاهی هخامنشی، به شرق لشکرکشی کرد و قسمت‌هایی از غرب و شمال غرب هند را به قلمرو خود افزود. او همچنین به منظور دفع حملات قبایل صحراگرد سکایی، به مناطق دوردستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد. اهمیت و شهرت فوق‌العاده داریوش بزرگ در تاریخ ایران

رقابت و درگیری یونان با ایران: داریوش بزرگ در اواخر

پادشاهی خود با دشواری‌هایی در غرب قلمرو خود روبه‌رو شد که در نهایت به بروز جنگ با یونانیان انجامید که تا روزگار جانشینش، خشایارشا نیز ادامه یافت. دولت-شهرهای یونانی، مخصوصاً آتن، از تسلط ایران بر آسیای صغیر و سواحل شرقی دریای اژه ناخشنود بودند. از این‌رو، آتنی‌ها یکی از شهرهای یونانی‌نشین آسیای صغیر به نام میلِتوس (مَلَطِیَه) را تشویق به شورش علیه هخامنشیان کردند و سپس به همراه شورشیان به شهر سارد هجوم آورده، آنجا را آتش زدند. داریوش تصمیم به تنبیه آتنی‌ها گرفت. ناوهای ایرانی نخست جزایر دریای اژه

را تصرف کردند و سپس سپاه ایران وارد خاک یونان شد و در جایی به نام ماراثن موضع گرفت. آتنی‌ها مدتی در اظهار اطاعت و یا جنگ تردید داشتند؛ بیشتر دولت-شهرهای یونانی از جمله اسپارت که سربازانش به جنگاوری و دلاوری مشهور بودند، نیز در پشتیبانی از آتن جدی نبودند. سرانجام، سرداران آتنی تنها راه چاره را در حملهٔ سریع و جنگ تن به تن دیدند. یورش یونانیان به قدری ناگهانی بود که کاری از تیراندازان پارسی بر نیامد و سپاه ایران عقب‌نشینی کرد. مورخان یونان باستان و تاریخ‌دانان جدید اروپایی، جنگ ماراثن را با آب و تاب فراوان نقل کرده‌اند.



تخت جمشید - دروازهٔ ملل، نماد حکومت جهانی هخامنشیان



تخت جمشید - نقش برجستهٔ داریوش بزرگ

به‌دست نیاورد. یونانیان دربارهٔ پیروزی خود در این نبرد نیز بزرگ‌نمایی بسیار کردند و حتی ارقام باور نکردنی از تعداد ناوگان و سربازان هخامنشی ارائه نمودند.

خشایارشا، پسر و جانشین داریوش، پس از فرونشاندن شورش‌های مصر و بابل، به یونان لشکر کشید و آتن را تصرف کرد، اما در نبرد دریایی در تنگهٔ سالامیس توفیقی

فعالیت ۳

با توجه به مطالبی که در درس ۶ راجع به دولت - شهرهای یونانی خواندید، درباره علل و عوامل جنگ‌های یونان و ایران در دوره هخامنشیان با هم گفت‌وگو کنید.



کشتی دوره هخامنشی

شد. اردشیر دوم به خوش گذرانی و راحت‌طلبی مشهور بود. در دوران فرمانروایی او مصر از سیطره هخامنشیان خارج شد. اردشیر سوم، پسر و جانشین اردشیر دوم در ابتدای حکومتش به قتل عام افراد خاندان سلطنتی پرداخت و کسانی را که احتمال می‌داد ادعای شاهی کنند به قتل رساند. او پادشاهی جاه‌طلب و جنگجو بود و مصر را دوباره ضمیمه قلمرو هخامنشی کرد. اردشیر سوم در آستانه حمله اسکندر مقدونی به ایران، به دست یکی از خدمتکاران کاخ شاهی به قتل رسید. داریوش سوم، آخرین فرمانروای هخامنشی که مدتی پس از قتل اردشیر سوم بر تخت شاهی نشست، دلیر و جوانمرد بود، اما تدبیر و درایت شاهان نخست هخامنشی را نداشت. در زمان او، اسکندر با سپاهی بسیار قوی، آموزش دیده و تشنه قتل و غارت به ایران تاخت.

اگرچه هخامنشیان از لشکرکشی به یونان، موفقیت نظامی چندانی به دست نیاوردند، اما دولت-شهرهای یونانی تا زمان تسلط مقدونیان بر آن کشور، همچنان حکومت ایران را به‌عنوان بزرگ‌ترین قدرت جهانی می‌شناختند و به آن احترام می‌گذاشتند. حکومت هخامنشی نیز نقش فعالی را در روابط دولت-شهرهای یونانی، به خصوص در جریان جنگ‌های پلوپونزی ایفا کرد.

انحطاط و فروپاشی هخامنشیان: خاندان هخامنشی از زمان پادشاهی اردشیر دوم که از ۴۰۴ تا ۳۵۸ ق.م. حکومت می‌کرد، دچار تفرقه درونی شد. در ابتدای زمامداری او، برادرش کوروش کوچک در آسیای صغیر سر به شورش برداشت و با سپاهی از مزدوران یونانی راهی پایتخت گردید. در جنگی که میان دو برادر رخ داد کوروش کوچک شکست خورد و کشته

بررسی شواهد و مدارک؛ اسلحه طلایی

«... در حالی که جنگ‌های پلپونزی [جنگ‌های داخلی یونان] به اوج شدت رسیده بود، اسپارت می‌کوشید تا برای از بین بردن حریف نیرومند خویش آتن، از طلای داریوش [دوم] استفاده کند. اما داریوش می‌دانست از طلاهای خویش چگونه باید همچون یک حربۀ سیاسی استفاده نماید. در عین حال می‌دانست که حفظ نوعی موازنه در بین حریفان جنگ پلپونزی ... برای ایران سودمندتر خواهد بود ... از این رو، ... طلای ایران را طوری به آنها می‌رسانید که جنگ به درازا کشد و غالب و مغلوبی معلوم نشود. حاصل این سیاست موازنه، آن شد که اشتغال حریفان در منازعات پلپونزی به ایران فرصت داد تا شهرهای یونانی آسیای صغیر را دوباره به انقیاد خویش درآورد، پادگان‌های ایرانی را در آنجاها مستقر سازد و حتی مالیات‌های معوق را بازستاند.» (تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، صص ۱۸۱-۱۸۰)

فعالیت ۴

الف - منظور نویسنده از اصطلاح اسلحه طلایی چیست؟

ب - به نظر شما چرا با وجود حمایت حکومت هخامنشی از اسپارت در جنگ‌های پلپونزی، ایرانیان نمی‌خواستند این جنگ‌ها غالب و مغلوبی داشته باشد؟

یونانی به تخت جمشید رسیدند و مشهور است که به دستور اسکندر این شهر به آتش کشیده شد. داریوش سوم که از برابر اسکندر گریخته بود در سال ۳۳۰ ق.م. نزدیک دامغان کنونی به قتل رسید.

اسکندر در سه نبرد (گرانیکوس، ایسوس و گوگمل) سپاه هخامنشی را شکست داد و پس از آن، شوش، یکی از پایتخت‌های هخامنشیان را تسخیر کرد. با وجود دلاوری و رشادت آریوبرزن، سردار شجاع ایرانی، سپاهیان مقدونی و



○ تندیس آریو برزن



○ آرامگاه داریوش سوم - تخت جمشید

فعالیت ۵

با استفاده از جدول شاهان هخامنشی که دبیر محترم در اختیار شما قرار می‌دهد، نمودار خط زمان دوران هخامنشی را ترسیم نمایید.

میراث هخامنشی در یک نگاه کلی: با مرگ داریوش سوم، سلسله هخامنشی به پایان رسید، اما میراث و یادگارهای هخامنشیان در آیین کشورداری و فنون سیاست، شیوه‌های عمرانی، اقتصادی و تجاری، ساخت بناهای باشکوه، ابداع هنرهای جهانی و مداراجویی فرهنگی و دینی در تاریخ ایران و جهان فراموش نشد. هخامنشیان، ایران را به نخستین حکومت بزرگ جهانی تبدیل کردند. به واسطه تدبیر و سیاست شاهان هخامنشی بود که ایرانیان به تأثیرگذارترین مردم در جهان متمدن و شناخته‌شده آن روزگار تبدیل شدند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ چه عاملی زمینه‌ساز اتحاد قبایل پراکنده مادی و تأسیس حکومت مادی شد؟
- ۲ اهمیت فتح بابل برای حکومت تازه تأسیس هخامنشی را شرح دهید.
- ۳ چرا مورخان و پژوهشگران، اهمیت فوق‌العاده‌ای برای نقش و عملکرد داریوش بزرگ در تاریخ ایران، قائل هستند؟
- ۴ به نظر شما، ایران در دوران حکومت هخامنشیان، به لحاظ قدرت سیاسی-نظامی چه جایگاهی در جهان آن روز داشت؟
- ۵ با مرور متن درس، منابع دست اول و دست دوم تاریخ ایران باستان را که در این درس به آنها اشاره شده است، فهرست کنید.

از سقوط هخامنشیان تا فروپاشی ساسانیان و پایان عصر باستان تاریخ ایران، نزدیک به هزار سال طول کشید. در این درس، شما با استفاده از شواهد و مدارک معتبر تاریخی و باستان‌شناختی، رویدادها و تحولات مهم سیاسی و نظامی دوران سلسله‌های سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان را تجزیه و تحلیل می‌نمایید.



○ سردیس مؤسس حکومت سلوکیان

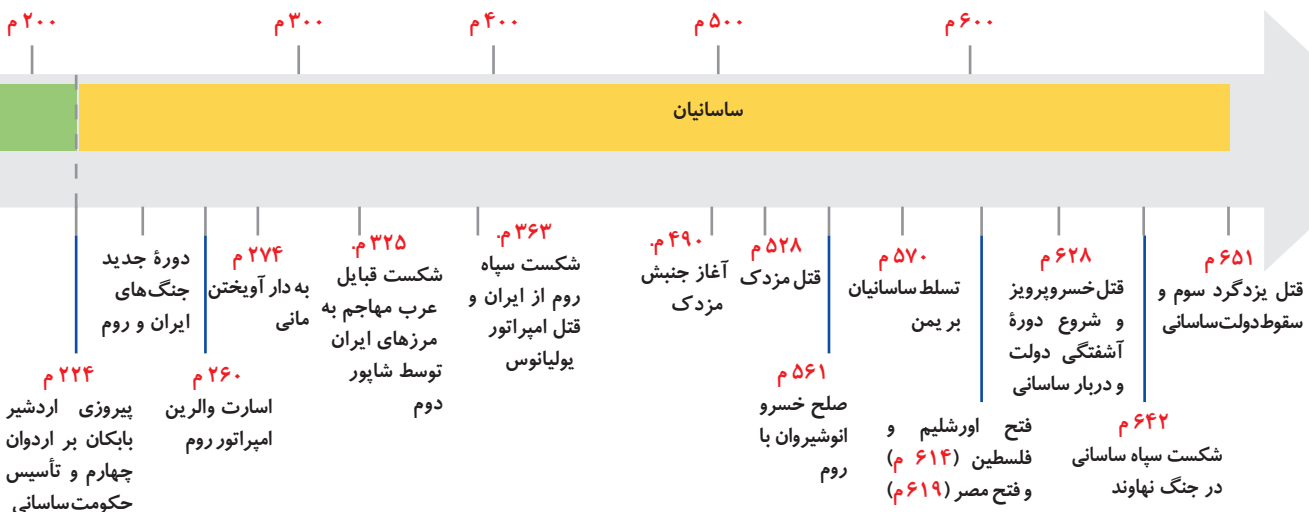
اوضاع ایران پس از سقوط هخامنشیان

اسکندر با قسوت و خشونت، ایران را تحت سلطه خود درآورد. مردم ایران نسبت به این کشورگشای بی‌رحم و سربازان مقدونی و یونانی او، به چشم بیگانه نگاه می‌کردند و از سلطه بیگانگان بر سرزمینشان ناخرسند بودند. از این‌رو، مقاومت‌هایی به شکل نافرمانی و شورش در مناطق مختلف کشور در برابر اسکندر و لشکریان او صورت گرفت. این نافرمانی‌ها و شورش‌ها به دلیل آنکه پراکنده بود و میان آنها ارتباط و هماهنگی وجود نداشت، به نتیجه مطلوب نرسید. اسکندر مقدونی در ۳۲۳ ق.م. در بابل درگذشت و قلمرو پهناور او، که با جنگ و خونریزی‌های پی‌درپی به دست آمده بود، توسط جانشینانش تجزیه شد. بلافاصله پس از مرگ وی، جنگ‌های داخلی میان سردارانش برای به دست گرفتن قدرت آغاز شد.

سلوکیان

سوریه و فلات ایران حاکم شد و سلسله پادشاهی سلوکیان را تشکیل داد. سلوکوس خود را نیکاتور، یعنی فاتح می‌خواند. سلوکوس ابتدا شهری را که به نام او سلوکیه نامیده شد و

چند سال پس از مرگ اسکندر، یکی از سرداران او به نام سلوکوس بر بین‌النهرین، بخش‌هایی از آسیای صغیر،



با اقوام ایرانی را در قلمرو خود ایجاد کنند و فرهنگ یونانی نتوانست در ایران گسترش و نفوذ عمیق پیدا کند. بنابراین پایه‌های حاکمیت سیاسی و نظامی سلوکیان بر ایران سست و لرزان بود.

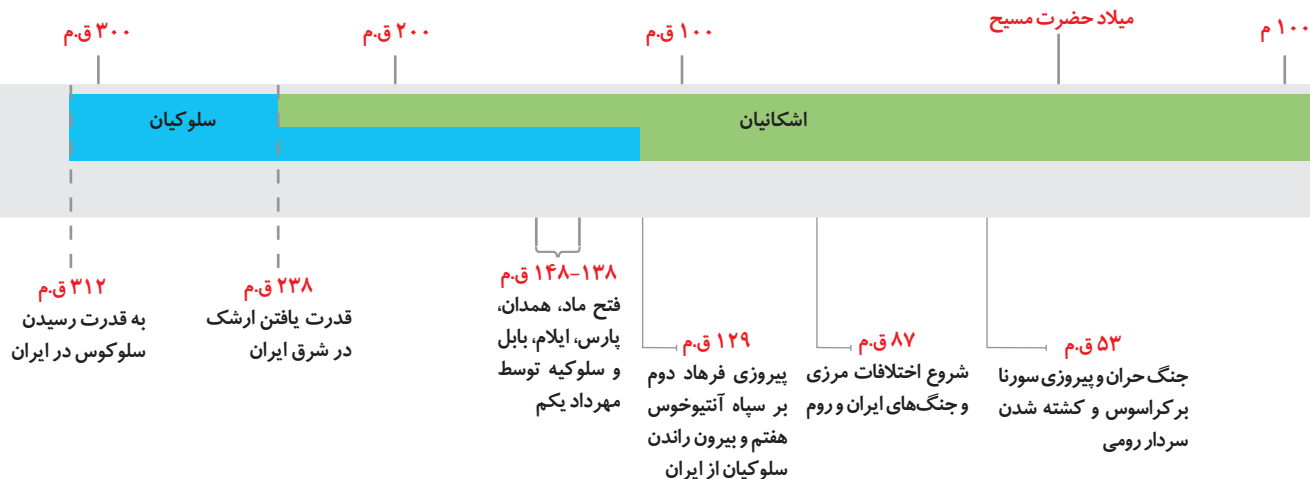
اشکانیان

تأسیس سلسله اشکانیان: بنیان‌گذار این سلسله، آرشک، از قبیله پرنی یا آپرنی در شرق ایران بود که بر فرمانروای سلوکی در ناحیه‌ای در حوالی قوچان امروزی شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کرد (۲۳۸ ق.م.). به احترام آرشک، جانشینان وی، عنوان آرشک را به نام خود افزودند و بدین ترتیب این سلسله اشکانیان و بعداً اشکانیان نامیده شد. اشکانیان با استفاده از جنگاوران قبایل شرق ایران که در سوارکاری و تیراندازی با کمان، مهارت فراوان داشتند، سپاه ورزیده‌ای را تشکیل دادند. آنان به تدریج به سمت غرب پیشروی کردند و پس از قریب صد سال جنگ و گریز موفق شدند، سلوکیان را به طور کامل از ایران بیرون کنند.

اشکانیان در طول حدود ۴۷۰ سال حکومت، چندین بار پایتخت خود را تغییر دادند. پایتخت‌های این سلسله به ترتیب عبارت‌اند از: شهر نسا در ترکمنستان امروزی، شهر صدرروازه که یونانیان به آن هکاتم‌پولس می‌گفتند در حوالی دامغان کنونی و شهر تیسفون در نزدیکی بغداد امروزی.

در ساحل غربی رود دجله قرار داشت، به عنوان پایتخت برگزید، اما چند سال بعد، پایتخت خود را به شهر انطاکیه در شمال سوریه منتقل کرد. سلوکوس و جانشینان او شهرهای زیادی را در قلمرو خود بنا کردند. آنها قصد داشتند با ایجاد شهرهای جدید و کوچاندن یونانیان به این شهرها، فرهنگ یونانی را در ایران و دیگر متصرفات اسکندر در آسیا، رواج دهند. این شهرها براساس معماری یونانی برپا شده بودند و ساکنان آنها وظیفه داشتند از وقوع شورش‌های احتمالی و هجوم طوایف کوچ‌رو جلوگیری کنند. از سوی دیگر، این شهرها، زمینه گسترش فعالیت‌های تجاری با سرزمین‌های دور و نزدیک را فراهم می‌آوردند.

سلوکیان از اوایل تشکیل حکومت خود، با جانشینان اسکندر در مصر، وارد رقابت و درگیری شدند. از این‌رو، عمده توجه شاهان سلوکی به مناطق غربی قلمرو خودشان بود و بر متصرفات شرقی خویش نظارت و سلطه کامل نداشتند. این مسئله سبب شد که به تدریج افراد یا خاندان‌هایی در نواحی شمال شرقی فلات ایران قدرت را به دست گیرند و به فکر استقلال از حکومت سلوکیان بیفتند. یکی از این خاندان‌ها، اشکانیان بودند که سرانجام پس از سال‌های طولانی مبارزه و مقاومت، به سلطه سلوکیان بیگانه بر ایران پایان دادند. سلوکیان اقوام گوناگون را تنها به زور زیر فرمان خود نگاه داشته بودند و هیچ‌گاه نتوانستند حس همزیستی و یگانگی



فعالیت ۱

با توجه به مطالب درس، توضیح دهید که تغییر پایتخت‌های اشکانی چه ارتباطی با رویدادها و تحولات سیاسی و نظامی داشته است؟

گسترش و تثبیت قدرت: نخستین فرمانروایان اشکانی، برای حفظ قلمرو خود، گاهی ناچار به اظهار اطاعت از سلوکیان بودند، اما **مهرداد یکم** با تسلط بر مناطق وسیعی در سرتاسر ایران، قدرت و قلمرو حکومت اشکانی را به طور چشمگیری افزایش داد. در دوران فرمانروایی او، سلسله اشکانیان از یک حکومت محلی در شرق فلات ایران به یک پادشاهی قدرتمند تبدیل شد. **مهرداد دوم** نیز از جمله پادشاهان لایق و با تدبیر اشکانی بود. با فتوحاتی که مهرداد دوم



○ سکه نون دوم - پادشاه اشکانی



○ نقشه قلمرو اشکانیان

فعالیت ۲

با مقایسه نقشه‌های قلمرو هخامنشیان و اشکانیان، بگویید: محدوده جغرافیایی سلسله‌های مذکور چه تفاوت‌هایی دارند؟



● سنگ نگاره سواره نظام اشکانی

مالیات و نیروی نظامی می‌دادند. این نوع حکومت را **ملوک‌طوایفی** خوانده‌اند. حکومت اشکانی بر اثر جنگ‌های پیاپی با امپراتوری روم در مرزهای غربی و نیز درگیری‌های نظامی در مرزهای شرقی، در اوایل قرن سوم میلادی به سستی گرایید. از این‌رو، برخی حاکمان محلی در صدد نافرمانی برآمدند.

آخرین پادشاه اشکانیان، آردوان چهارم بود که نیروهای مهاجم رومی را شکست داد و آنان را مجبور به پرداخت غرامت کرد، اما در برابر مشکلات داخلی موفق نبود و نتوانست خاندان ساسانی را که در فارس بر او شوریده بودند، آرام کند. سرانجام، آردوان در جنگ با اردشیر بابکان ساسانی شکست خورد و کشته شد و سلسله اشکانیان از هم پاشید.

در روزگار مهرداد دوم، سفیرانی از سوی چین به ایران آمدند و در پی این سفارت‌ها بود که روابط تجاری میان دو کشور با تکمیل جاده ابریشم توسعه پیدا کرد. در دوران همین پادشاه بود که اشکانیان تا رود فرات پیش رفتند و با امپراتوری روم همسایه شدند.

اشکانیان و روم: یکی از مسائل مهم در سیاست خارجی حکومت اشکانی، اختلافات و جنگ‌های مکرر با امپراتوری روم بود. در آن زمان، امپراتوری قدرتمند روم، در پی گسترش قلمرو خود به سمت شرق بود و گاه به‌گاه سپاه بزرگی را روانه ایران می‌کرد؛ اما اشکانیان نیز مصمم بودند که با تمام قوا از مرزهای غربی ایران دفاع کنند و اجازه ندهند که بار دیگر بیگانگان بر کشور سلطه یابند. یکی از مهم‌ترین جنگ‌های اشکانیان و روم در زمان پادشاهی اردشیر دوم اتفاق افتاد. کراسوس، سردار مشهور روم با سپاهی بزرگ و مجهز به منطقه بین‌النهرین هجوم آورد، اما در جایی به نام حرّان، از سپاه ایران به سختی شکست خورد و سردار مغرور روم کشته شد. فرماندهی سپاه ایران را در جنگ حرّان، سردار بی‌باک و شجاع ایرانی، **سورنا** بر عهده داشت که با اجرای فنون گوناگون جنگی به پیروزی بزرگی دست یافت.

پس از جنگ حرّان، اشکانیان و رومیان بارها بر سر تسلط بر ارمنستان و مرزهای سوریه، با هم جنگیدند. سپاه اشکانی اگرچه در برخی از این جنگ‌ها ناکام بود، اما در نبردهای بعدی با پایمردی و دلاوری، شکست را جبران و دشمن را عقب می‌راند.

سقوط اشکانیان: نظام حکومتی اشکانیان مجموعه‌ای از حکومت‌های نیمه مستقل بود که به حکومت مرکزی اشکانی،

اردشیر بابکان، سر دودمان آن سلسله گرفته‌اند. ساسان، موبد نیایشگاه زرتشتی آناهیتا در شهر استخر، واقع در منطقه پارس بود. او با دختر یکی از شاهان محلی پارس ازدواج کرد و بر نفوذ و قدرت خانواده خود افزود. بابک، پدر اردشیر، در پارس اعلام استقلال کرد. اردوان چهارم، آخرین شهریار اشکانی که از استقلال طلبی ساسانیان احساس خطر می‌کرد، به مقابله شتافت، اما در نهایت از اردشیر بابکان شکست خورد و سلسله ساسانیان به جای اشکانیان بر سر کار آمد. اردشیر در تیسفون تاج‌گذاری کرد و مانند اشکانیان این شهر را به پایتختی خود برگزید.

میراث اشکانیان: حکومت اشکانی با رشادت و روحیه جنگاوری، ایران را از چنگ بیگانگان بیرون آورد. اشکانیان با آسان‌گیری و مداراجویی فرهنگی و دینی، اقوام و فرقه‌های دینی گوناگون و حتی یونانی‌تباران ایران را که در سراسر قلمرو آنها پراکنده بودند، در کنار یکدیگر حفظ کردند. سلسله اشکانی با اعمال چنین سیاست‌هایی بود که در دوران پس از اسکندر، توانست به ایران استقلال و حیثیت دوباره ببخشد. اشکانیان به تدریج با پیوند دادن اجزای مختلف فرهنگ ایرانی و ترویج ایران‌گرایی، ایران را احیا کردند.

ساسانیان

شکل‌گیری حکومت: ساسانیان، نام خود را از ساسان، نیای

نقش برجسته‌های فیروزآباد

فعالیت ۳

با استفاده از نقشه‌های تاریخی و با راهنمایی دبیر محترم، درباره پایتخت‌های ایران از زمان هخامنشیان تا پایان دوره ساسانیان و تغییر مکان آنها، با هم گفت‌وگو کنید.



نقش برجسته شاپور یکم - نقش رجب، استان فارس

حکومت ساسانیان با اقدامات مهم پادشاهانی مانند شاپور یکم و شاپوردوم که موفقیت‌های سیاسی و نظامی بزرگی در داخل و خارج کسب کردند، گسترش یافت و تثبیت شد.

تثبیت قدرت: ساسانیان مصمم بودند، به جای حکومت ملوک‌طوایفی اشکانی، حکومتی متمرکز و قدرتمند ایجاد کنند که دستورات و قوانین آن در سرتاسر ایران اطاعت شود. از این‌رو، اردشیر بابکان در آغاز کار با مشکلات متعدد داخلی روبه‌رو شد. بسیاری از حاکمان محلی که نمی‌خواستند استقلال نسبی خود را از دست بدهند با حکومت جدید به مخالفت برخاستند. اردشیر بسیاری از مخالفان را با جنگ بر سر جای خود نشانده و برخی دیگر را با نامه‌نگاری و ارائه دلایل‌های گوناگون با خود همراه کرد.

حکومت ساسانی همواره در خارج از مرزهایش نیز با مسائل و مشکلات مختلفی روبه‌رو بود. یکی از این مشکلات، امپراتوری روم شرقی به شمار می‌رفت که پی‌درپی به سرزمین‌های ایرانی، حمله می‌کرد. از سوی دیگر، یورش‌های مکرر قبایل بیابان‌گرد به مرزهای ایران، ساسانیان را به زحمت می‌انداخت.



○ نقشه قلمرو ساسانیان

فعالیت ۴

نقشه‌های قلمرو ساسانیان و هخامنشیان را با یکدیگر مقایسه کنید، و بگویید از نظر وسعت چه تفاوتی با هم دارند؟

از زمان پادشاهی قباد یکم (۵۳۱ - ۴۸۷ م.)، حکومت ساسانی با جنبشی اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک مواجه شد. مزدک طرفدار برابری مردم در بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی بود. او اعتقاد داشت مردم باید در زندگی از امکانات یکسان برخوردار باشند و خواهان آن بود که زمین و دارایی طبقات بالا، میان تهیدستان تقسیم شود. با وجود آنکه مزدک پیروان خود را از ستیز با طبقات بالا منع کرده بود، اما اموال بسیاری از بزرگان غارت شد و کار به خشونت و افراط کشیده شد. قباد که در آغاز زمامداری خود قصد داشت از قدرت اشراف، نجبا و موبدان بکاهد و دست آنان را از امور کشوری کوتاه کند، به حمایت از مزدک برخاست، اما اشراف و نجبا، او را

از پادشاهی برکنار و زندانی کردند. قباد دوباره به قدرت بازگشت و برای حفظ موقعیت خود با مخالفان مزدک همراهی کرد. در پایان دوران قباد، با هدایت خسرو، پسر و جانشین او، مزدک به مناظرهای ساختگی دعوت شد که در پایان آن، به همراه تعدادی از هوادارانش به قتل رسید. خسرو انوشیروان یکی از پادشاهان مشهور ساسانی به شمار می‌رود. این پادشاه برای سامان بخشیدن به اوضاع کشور، اصلاحاتی را در زمینه اداری، نظامی و اقتصادی انجام داد که در درس‌های بعدی بیشتر با آنها آشنا خواهید شد. اصلاحات خسرو انوشیروان نتوانست مسائل و مشکلات داخلی حکومت ساسانی را برای همیشه حل کند. در زمان جانشین او، هُرمز چهارم، اختلاف و نزاع سیاسی در دربار ساسانیان

اوج گرفت و یکی از سرداران مشهور به نام بهرام چوبین، با پشتیبانی بزرگان علیه پادشاه سر به شورش برداشت و او را از قدرت برکنار نمود و خود به جای او به پادشاهی نشست.

خسرو پرویز، پسر هرمز به بیزانس (امپراتوری روم شرقی) گریخت و با حمایت امپراتوری روم، به تاج و تخت رسید.



نقش برجسته خسرو پرویز - طاق بستان، کرمانشاه



سکه خسرو انوشیروان

ساسانیان بارها ناچار به جنگ با رومیان شدند. دو مورد از این جنگ‌ها در زمان شاپور یکم اتفاق افتاد که در یکی از آنها، گردیانوس امپراتور روم کشته شد و در دیگری والریانوس، امپراتور روم به اسارت درآمد. در زمان خسرو پرویز نیز نبردهای بزرگی میان دو کشور رخ داد که در آغاز ساسانیان پیروز شدند، اما در پایان، به سختی شکست خوردند. البته بعضی اوقات نیز دو طرف، مذاکره و سازش را بر ستیز ترجیح می‌دادند و با امضای پیمان صلح، آرامش بر روابط آنها حکم فرما می‌شد.

ساسانیان و روم: رقابت، اختلاف و دشمنی میان دو قدرت بزرگ جهان آن روزگار، یعنی روم و ایران در دوران ساسانیان نیز همچنان ادامه داشت. دو کشور بر سر تسلط بر برخی سرزمین‌های سرحدی به ویژه منطقه ارمنستان، با یکدیگر اختلاف و درگیری داشتند. یکی از اهداف اصلی رومیان در لشکرکشی پی‌درپی به ایران، تسلط بر مسیرهای تجاری بود که به هند و چین می‌رسید. آنها می‌خواستند به طور مستقیم با این کشورها، رابطه تجاری داشته باشند، اما شاهان اشکانی و ساسانی با آگاهی از اهمیت و منفعتی که این مسیرهای تجاری برای ایران داشت، می‌کوشیدند تا مانع موفقیت رومیان شوند.

بررسی شواهد و مدارک؛ بخشی از سنگ‌نوشته شاپور یکم در نقش رستم درباره جنگ با رومیان

«... وقتی که من نخست بر تخت امپراتوری مستقر شدم، قیصر گردیانوس (امپراتور روم) لشکری از تمام قلمرو روم و کشور ژرمن و گوت گرد آورد و علیه ما به امپراتوری ایران حمله‌ور شد و در سر حد آشور یک نبرد سخت مرزی صورت گرفت. قیصر گردیانوس کشته شد و سپاه روم منهدم گردید و رومی‌ها فیلیپ را قیصر کردند. بعداً قیصر فیلیپ به سوی ما آمد تا به ما پیشنهاد سازش کند و با تقدیم هزار دینار به‌عنوان فدیة برای نجات جان یاران خود، باج‌گزار ما شد... بعداً دوباره قیصر دروغ گفت و به ارمنستان ظلم کرد و ما به خاک امپراتوری روم حمله کردیم و سپاه روم را که شصت هزار نفر بود، تار و مار کردیم. قلمرو آشور و آنچه در علیای آشور قرار داشت تمام به آتش سوختند و بایر و اسیر نمودیم و ما در آن جنگ از امپراتوری روم، دژها و شهرها گرفتیم.»



● بنایی در نقش رستم که به کعبه زرتشت معروف شده و سنگ‌نوشته شاپور یکم بر دیوار آن قرار گرفته است.



● نقش برجسته شاپور یکم و والرین، امپراتور اسیر روم - نقش رستم

فعالیت ۵

الف - به نظر شما، مطالب این سنگ‌نوشته چه اهمیت و ارزشی برای مورخان و پژوهشگران دارد؟
ب - محتوای این سنگ‌نوشته در کدام گروه از منابع تاریخی (دست اول یا دست دوم) طبقه‌بندی می‌شود؟ چرا؟

جست و جو و کاوش

با راهنمایی دبیر خود درباره اهداف و اهمیت لشکرکشی خسرو انوشیروان به یمن کاوش کنید.

نظامی، اعراب متجاوز را به سختی گوش‌مالی داد. بعدها حکومت ساسانی برای جلوگیری از غارتگری اعراب، حکومتی دست‌نشانده به ریاست اعراب لخمی (لخمیان) در جنوب غربی ایران به مرکزیت شهر حیره تأسیس کرد. برخی از مورخان، اقدام خسرو پرویز در برانداختن حکومت لخمیان را اشتباه بزرگی می‌شمارند که باعث شد مرزهای جنوب غربی ایران در برابر هجوم اعراب بی‌دفاع بماند.

انحطاط و فروپاشی ساسانیان: یکی از مسائل و مشکلات اساسی حکومت ساسانی، بروز اختلاف و دشمنی میان پادشاه و بزرگان کشور بود. این اختلافات گاهی چنان شدت می‌یافت که به برکناری و حتی قتل پادشاه می‌انجامید. پیش

مقابله با بیابان‌گردان: یکی از مسائلی که همواره ساسانیان را به زحمت می‌انداخت، هجوم مکرر اقوام بیابان‌گرد به شهرها و آبادی‌های ایران در مناطق سرحدی بود. قبایل صحراگرد آسیای مرکزی، مکرر به مرزهای شمال‌شرقی ایران در منطقه خراسان هجوم می‌آوردند و به تخریب و غارت می‌پرداختند. شاهان ساسانی برای مقابله با تهاجم ویرانگر این قبایل، اقدام به لشکرکشی کردند و هزینه‌های زیادی را متقبل شدند.

قبایل بیابان‌گرد عرب نیز دائماً به شهرها و آبادی‌های ایران در حاشیه جنوبی خلیج فارس و دریای عمان دستبرد می‌زدند. به همین دلیل شاپور دوم ساسانی در جریان یک عملیات

از این خواندید که اشراف و موبدان، قُباد را به سبب همراهی با مزدک، از قدرت برکنار کردند و به زندان انداختند. اقدامات خسرو انوشیروان برای حل اختلافات و نزاع بزرگان و شاه بی‌نتیجه بود و هرمز چهارم، پسر و جانشین او نیز با همدستی بهرام چوبین، سردارِ برکنار شده و بزرگان از تخت به زیر کشیده شد و به قتل رسید. خسرو پرویز، پسر و جانشین او، برای رسیدن به تاج و تخت و سرکوب سرداران و اشراف مخالف خود، از امپراتوری روم، رقیب دیرین ساسانیان کمک گرفت. سرانجام بزرگان بر خسرو پرویز شوریدند و به دستگیری پسرش شیرویه او را از بین بردند. پس از قتل خسرو پرویز رقابت و کشمکش در درون دربار ساسانی با شدت بیشتری ادامه یافت. شیرویه جانشین خسرو، بیشتر افرادِ خاندان ساسانی را که ممکن بود وارث تاج و تخت شوند، کشت. وضعیت سیاسی حکومت ساسانی در آن زمان آن‌چنان بی‌ثبات گردید که در فاصلهٔ چهار سال، ده تن بر تخت شاهی نشستند که دو تنِ آنان، از دختران خسرو پرویز بودند. سرانجام بزرگان کشور، یزدگرد سوم را به پادشاهی برگزیدند. در اوایل فرمانروایی او، اعراب مسلمان به ایران حمله و در چند جنگ بزرگ مانند

قادیسیه، جلولای و نهاوند، سپاه ساسانی را مغلوب کردند. یزدگرد که به خراسان گریخته بود، سرانجام در اطراف شهر مرو کشته شد (۶۵۱ م./ ۳۱ ق.). با مرگ او، سلسلهٔ ساسانیان به پایان آمد و ایران وارد دوران اسلامی تاریخ خود شد. برخی از عوامل مؤثر در سقوط ساسانیان عبارت‌اند از:

- ۱- ضعف قدرت سیاسی پادشاهان ساسانی به دلیل اختلاف و درگیری پیاپی با اشراف و بزرگان؛
- ۲- شورش مکرر فرماندهان نظامی و دخالت آنان در کشمکش‌های سیاسی؛
- ۳- نارضایتی تودهٔ مردم از حکومت ساسانی به سبب وجود تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و عدم مقاومت جدی آنان در برابر اعراب؛
- ۴- کاهش توان اقتصادی حکومت ساسانی به سبب طغیان رودخانه‌های دجله و فرات، شکسته شدن سدها و به زیر آب رفتن زمین‌های حاصلخیز آسورستان (بین‌النهرین)؛
- ۵- پیام جَدَّاب دین اسلام که جهانیان را به پرستش خدای یگانه و برابری و برادری فرا می‌خواند.
- ۶- انگیزه و روحیهٔ قوی اعراب مسلمان.

فعّالیت ۶

الف - با راهنمایی دبیر محترم و با توجه به مطالبی که در درس‌های ۹ و ۱۰ خوانده‌اید، دربارهٔ قدرت سیاسی-نظامی ایران در دوران ساسانیان در جهانِ آن روز، گفت‌وگو نمایید.
ب - با استفاده از جدول شاهان ساسانی که دبیر محترم در اختیار شما قرار می‌دهد، نمودار خط زمان سلسلهٔ ساسانیان را رسم کنید.

پرسش‌های نمونه

- ۱) چه عواملی به بروز حرکت‌های استقلال‌طلبی در مناطق شرقی قلمرو سلوکیان کمک کرد؟
- ۲) موقعیت حکومت اشکانیان در دوران پادشاهی مهرداد یکم و مهرداد دوم را شرح دهید.
- ۳) دلایل بروز جنگ‌های پی‌درپی میان امپراتوری روم و ایران را در دوران اشکانی و ساسانی بررسی نمایید.
- ۴) حکومت ساسانی در اواخر دوران خود با چه مسائل و مشکلات داخلی مواجه بود؟

در این درس، شما با استفاده از شواهد و مدارک معتبر تاریخی و باستان‌شناختی، نظام حکومتی ایران باستان را مطالعه و بررسی کرده و شیوه‌های مدیریتی، تشکیلات اداری، نظامی آن دوره و کارکرد آنها را ارزیابی می‌نمایید.



● سنگ‌نگاره داریوش یکم و درباریان - تخت جمشید

نظام سیاسی و اداری

ارائه تصویری روشن و کامل از نحوه اداره کشور و تشکیلات اداری در دوران ماد، به دلیل کمبود اسناد و شواهد مکتوب، بسیار دشوار است. به نظر می‌رسد که شاهان ماد به تقلید از شاهان پیشین و معاصر خود، حکومت می‌کردند و احتمالاً دربار و تشکیلات اداری محدود و کوچکی داشته‌اند که شامل پادشاه و برخی صاحب‌منصبان درباری، فرماندهان نظامی و حاکمان محلی می‌شده است.

هخامنشیان: درباره شیوه کشورداری دوران هخامنشیان به مراتب آگاهی بیشتری داریم. سنگ‌نوشته‌ها و لوح‌های گلی هخامنشی و نیز نوشته‌های مورخان یونانی عهد باستان، حاوی اطلاعات ارزشمندی درخصوص نظام حکومتی و تشکیلات اداری آن دوران هستند. در رأس تشکیلات سیاسی و اداری هخامنشیان، پادشاه قرار داشت که از اختیارات فراوانی در اداره امور کشور برخوردار بود. پادشاهان هخامنشی و به ویژه داریوش یکم، ادعا

می‌کردند که به خواست اهوره‌مزدا به مقام پادشاهی دست یافته‌اند و به یاری او بر کشور فرمان می‌رانند. این ادعا به نوعی به حکومت آنان جنبه دینی می‌داد و مردم را تشویق و ترغیب می‌کرد که از آنان فرمان‌بری کنند.

فَعَالِیت ۱

الف - درباره اهداف و انگیزه شاهان هخامنشی از طرح چنین ادعاهایی، با یکدیگر در کلاس گفت و گو کنید.
ب - تحقیق کنید که قَرّه ایزدی یا قَرّ کیانی در ایران باستان چه مفهومی داشته و ارتباط آن با ادعای اعطای مقام شاهی از سوی اهوره‌مزدا به شاهان هخامنشی، چه بوده است.

حقوقی در کنار پادشاه حضور داشتند که وی درباره مسائل مهم حکومتی به‌ویژه جنگ و صلح با آنان مشورت می‌کرد. هخامنشیان برای اداره قلمرو پهناور حکومت خود که شامل

با این حال، شاهان هخامنشی، خود را بی‌نیاز از مشورت با بزرگان و مشاوران نمی‌دانستند. از این رو، یک گروه مشورتی شامل بلندپایگان سیاسی، نظامی، اداری و احتمالاً مذهبی و

سرزمین‌های گوناگون با اقوام، فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت می‌شد، نیازمند شیوه‌های مدیریتی تازه و تشکیلات حکومتی کارآمدی بودند. کورش، بنیان‌گذار حکومت هخامنشی، از تشکیلات و تجربه‌های اداری حکومت‌های پیشین، برای اداره امور کشور استفاده کرد و شیوه جدیدی از فرمانروایی خردمندانه را که مبتنی بر احترام به دین و فرهنگ مردم سرزمین‌های فتح شده و مشارکت آنان در حکومت بود، ارائه نمود. سیاست کورش بزرگ این بود که از طریق مشارکت دادن اقوام و ملت‌های تابعه در اداره حکومت هخامنشی، وفاداری و پشتیبانی آنان را نسبت به خود جلب کند.

در زمان داریوش اول، حکومت هخامنشی به نهایت گسترش خود رسید و این پادشاه هوشمند و لایق، برای سامان دادن امور و اداره بهتر قلمرو پهناور تحت فرمان خود، نظام اداری منظم و کارآمدی را پدید آورد. از این رو، وی به عنوان

بنیان‌گذار و طراح اصلی نظام سیاسی - اداری حکومت هخامنشیان شناخته می‌شود.

نظام سیاسی-اداری که داریوش یکم ایجاد کرد، به دو بخش تشکیلات اداری مرکزی و تشکیلات استانی یا ساتراپی تقسیم می‌شد.

تشکیلات اداری مرکزی در درون دربار هخامنشی در پایتخت، ساماندهی شده بود و اجزای اصلی آن را **خزانة شاهی**، **انبار شاهی** و **دیوان شاهی** تشکیل می‌دادند. هر یک از این اجزاء، تحت اداره یکی از نجبای بلندپایه مادی و یا پارسی قرار داشت. دیوان شاهی وظیفه مهم نگارش، تنظیم، ثبت و نگهداری نامه‌ها، اسناد و نوشته‌های دولتی را بر عهده داشت. در این دیوان، تعداد زیادی از دبیران و منشیان کار می‌کردند که به زبان‌ها و خط‌های رایج در سرزمین‌های تابعه هخامنشیان آشنا بودند.



● مَهر دوره هخامنشی؛ نامه‌های اداری هخامنشیان به خط و زبان آرامی، نگارش یافته و مهر می‌شد. منصب مَهرداری، یکی از مناصب دیوان شاهی بود.

داریوش تشکیلات استانی یا شهری و شیوه اداره آنها را نیز، از نو سامان داد و قواعد تازه‌ای را برای نظارت و تسلط بیشتر حکومت مرکزی بر شهرها به وجود آورد.

به هر حال نظام سیاسی-اداری که داریوش یکم ایجاد کرد، موجب وحدت بیشتر قلمرو هخامنشیان شد و حکومتی

متمرکز و نیرومند پدید آورد.

در زمان هخامنشیان، مسئولیت بازرسی و نظارت دقیق و کامل بر عملکرد مقام‌ها و مأموران دولتی در پایتخت و شهرها (ساتراپی‌ها) بر عهده یکی از خویشاوندان نزدیک شاه و یا یکی از درباریان مورد اعتماد و وفادار به او قرار

می‌گرفت. مسئول بازرسی و مأموران تحت فرمانش، به‌عنوان «چشم و گوش شاه» معروف بودند. آنان به‌طور منظم به بخش‌های مختلف قلمرو سر می‌کشیدند تا اطمینان پیدا کنند که صاحب‌منصبان حکومتی وظایف خود را به‌درستی انجام می‌دهند و اوضاع کشور به‌سامان است.

فعالیت ۲

با یکدیگر همفکری کنید و پاسخ دهید:

الف - چرا در دوران هخامنشیان مأموران اداره بازرسی و نظارت، به‌عنوان «چشم و گوش شاه» شناخته می‌شدند؟
ب - در زمان کنونی چه نهادها یا وزارت‌خانه‌هایی، تقریباً همان وظایفی را انجام می‌دهند که در آن زمان، مأموران برید انجام می‌دادند؟



• پیک‌های تیزپای دوران هخامنشی (ماخذ: هفت رخ فرخ ایران)

یک توضیح



داریوش یکم قلمرو وسیع هخامنشیان را به ۲۳ شهرتی تقسیم کرد که یونانیان آنها را ساتراپی و حاکم آن را ساتراپ می‌نامیدند. ساتراپی را در زبان فارسی می‌توان به شهرتی یا شهربانی و ساتراپ را شهرت یا شهربان ترجمه کرد. بعدها تعداد شهرتی‌ها افزایش یافت، به طوری که در زمان خشایارشا به حدود ۳۰ شهرتی رسید. فارس به‌عنوان سرزمین اصلی و زادبوم هخامنشیان زیر نظر مستقیم پادشاه اداره می‌شد، اما سایر شهرتی‌ها دارای شهرت یا حاکمی بودند که توسط شاه منصوب می‌شد. با تدبیر داریوش، در کنار هر شهرت، یک فرمانده نظامی و یک مدیر امور مالی و اداری نیز قرار گرفت که به‌طور مستقیم تحت فرمان شاه عمل می‌کرد. علاوه بر آن، هر شهرتی، خود به قسمت‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شد. همچنین مأموران چشم و گوش شاه در همه جا نظاره‌گر رفتار تمامی صاحب‌منصبان در شهرتی‌ها بودند.

داریوش بزرگ همچنین به‌منظور نظارت دقیق و کامل بر کار حاکمان شهرتی‌ها و اطمینان از روند درست امور، شبکه برید را پدید آورد. این شبکه شامل تعداد زیادی از پیک‌های تیزپای پیاده و سواره بود که کار خبرگیری و خبررسانی را میان پایتخت و دیگر نقاط کشور بر عهده داشتند. شبکه وسیعی از جاده‌ها، چاپارخانه‌ها و چاپارها که به فرمان داریوش به وجود آمده بود، در اختیار مأموران برید و افرادی با عنوان چشم و گوش شاه قرار داشت که کار خود را در کمترین زمان و به خوبی انجام دهند.

خاندان بزرگ؛ و در دیگری پیشوایان دینی یا مُغان حضور می‌یافتند. اعضای این دو مجلس، پادشاه اشکانی را در ادارهٔ کشور کمک می‌کردند و در تعیین جانشین پادشاه و تصمیم‌گیری برای جنگ و صلح نقش داشتند. حکومت اشکانی به شکل غیرمتمرکز اداره می‌شد و ادارهٔ برخی از سرزمین‌ها و مناطق کشور به صورت موروثی در اختیار پادشاهان کوچک و حاکمان محلی بود که تا حدودی در ادارهٔ قلمرو خویش استقلال داشتند. آنان دارای سپاهی بودند و حتی به نام خود سکه ضرب می‌کردند. این گروه از پادشاهان و حاکمان محلی برای نشان دادن اطاعت و وفاداری خویش به حکومت اشکانی، علاوه بر پرداخت باج و خراج سالانه، به هنگام جنگ، سپاه خود را در اختیار اشکانیان قرار می‌دادند. شیوهٔ غیرمتمرکز ادارهٔ حکومت اشکانیان، شیوهٔ حکومت ملوک طوایفی نامیده شده است.

سلوکیان: در دوران حکومت سلوکی، قدرت و مناصب مهم سیاسی، اداری و نظامی در اختیار یونانیان بود. سلوکیان برای تحکیم سلطهٔ خود، یونانیان زیادی را به ایران کوچاندند و آنان را در شهرهای جدیدی که بیشتر به شهرک‌ها و پادگان‌های نظامی شباهت داشتند، جای دادند. سلوکیان بخش عمده‌ای از تشکیلات دیوانی (اداری و مالی) هخامنشیان را به خدمت گرفتند. تقسیمات کشوری همانند روزگار هخامنشی بود و سلوکیان، قلمرو خود را به تعداد زیادی شهری (ساتراپی) تقسیم کردند. آنان در گرفتن مالیات‌ها به روش پیشین عمل می‌کردند. فرمانروایان سلوکی همچنین به سیاست آزادی و مدارای دینی پادشاهان هخامنشی ادامه دادند.

اشکانیان: خاندان اشکانی به اتکای جنگاوران قبایل صحراگرد شرق ایران، به قدرت رسیدند. پادشاه اشکانی بالاترین مقام سیاسی و نظامی کشور به شمار می‌رفت. علاوه بر خاندان شاهی، خاندان‌های بزرگ دیگری نیز در قدرت و حکومت سهیم بودند. معروف‌ترین این خاندان‌ها عبارت بودند از: کارن یا قارن در نهاوند، سورن در سیستان، و مهران در ری. در دوران اشکانی دو مجلس وجود داشت. در یکی از این مجالس، شاهزادگان، بزرگان درباری و نمایندگان هفت

فَعَالِیت ۳

با توجه به شیوهٔ حکومت اشکانیان، دلیل بیاورید که چرا تشکیلات اداری (دیوان‌سالاری) در دوران آنان، به گستردگی تشکیلات اداری دوران هخامنشیان و ساسانیان نبود؟



○ اردشیر بابکان (سمت چپ) هنگام دریافت حلقه شاهی از اهوره‌مزدا (سمت راست) - نقش رستم

ساسانیان: در دورهٔ ساسانی نیز همچنان پادشاه در رأس هرم قدرت سیاسی جای داشت. پادشاهان ساسانی همانند پادشاهان هخامنشی ادعای کردند که بنا به خواست اهوره‌مزدا به مقام شاهی رسیده و حکومت آنان مورد تأیید او است.

فعالیت ۴

با راهنمایی دبیر خود، سه مورد دیگر از نقش برجسته‌های دوران ساسانی با موضوع دریافت تاج و حلقه شاهی از اهوره مزدا را جست و جو کنید و تصویر آنها را در کلاس نمایش دهید.

موروثی محلی به طور محسوسی کاسته شد و مناطق مختلف کشور به ویژه نواحی جنوبی، مرکزی و غربی آن، تحت نظارت و سلطه مستقیم حکومت ساسانی قرار گرفت. تشکیلات اداری یا دیوان‌سالاری ساسانیان از اداره‌ها یا دیوان‌های مختلفی تشکیل شده بود که در رأس آنها، وزیر بزرگ قرار داشت که به او بزرگ‌فرمادار می‌گفتند. وزیر تحت نظارت مستقیم پادشاه کار می‌کرد و مجری فرامین او بود. زمانی که پادشاه در جنگ یا سفر بود، وزیر به عنوان جانشین او کشور را اداره می‌کرد. وزیر همچنین گاهی فرماندهی سپاه را نیز در جنگ به عهده می‌گرفت.

علاوه بر پادشاه ساسانی، افراد و گروه‌های دیگری از قبیل اعضای خاندان شاهی، سران خاندان‌های قدیمی، وزیران، رؤسای ادارات و رؤسای روستاها، در قدرت و اداره کشور سهیم بودند و مقامات بالای کشوری و لشکری را در اختیار خود داشتند.

پادشاهان ساسانی به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود بر مناطق مختلف کشور، از یک سو سپاهی دائمی و نیرومند تشکیل دادند و از سوی دیگر اقدام به توسعه و تقویت تشکیلات اداری (دیوان‌سالاری) منسجم و منظمی کردند. در نتیجه این اقدام‌ها، از تعداد حکومت‌های

یک توضیح



فردوسی در شاهنامه، اهمیت بالای طبقه دبیران را از زبان اردشیر بابکان این‌گونه بیان می‌کند:

به دیوانش کارآگهان داشتی	به بی دانشان کار نگذاشتی
کسی را که کمتر بدی خط و ویر	نرفتی به دیوان شاه اردشیر
سوی کارداران شدندی به کار	قلم‌زن بماندی بر شهریار
ستاینده بد شهریار اردشیر	چو دیدی به درگاه مردی دبیر
نویسنده گفתי که گنج آکند	هم از رای او رنج بپراکند
بدو باشد آباد شهر و سپاه	همان زبردستان فریادخواه
دبیران چو پیوند جان منند	همه پادشا بر نهان منند

(شاهنامه فردوسی تصحیح محمد دبیر سیاقی، جلد ۴، صص ۱۳۷۶ و ۱۳۷۵)

دبیران در بخش‌های مختلف تشکیلات اداری، مالیاتی، قضایی و نظامی کار می‌کردند و برخی از آنان به چند زبان و خط آشنا بودند. به رئیس دبیران و کاتبان، ایران دبیربد یا دبیران مهست می‌گفتند که از جمله صاحب‌منصبان عالی‌رتبه تشکیلات اداری ساسانی محسوب می‌شد.

دبیران نقش ممتاز و بسیار مهمی در تشکیلات اداری ساسانی داشتند. آنها در مرکز آموزشی به نام دبیرستان آموزش می‌دیدند. کار اصلی دبیران نگارش فرمان‌ها، نامه‌ها و اسناد و ثبت و ضبط آنها بود، ولی کارهای دیگری مانند گردآوری و تألیف خدای‌نامک هم جزو وظایف ایشان بود.

دربار شاهان ساسانی نیز، تشکیلات و تشریفات زیادی داشت و افراد و گروه‌های مختلفی به‌عنوان ندیمان، پزشکان، موسیقی‌دانان، و امثال آنها، در آنجا خدمت می‌کردند. قلمرویی که ساسانیان بر آن فرمان می‌راندند، **ایران‌شهر**

نامیده می‌شد. قلمرو ایران‌شهر به چندین کوره یا استان تقسیم شده بود که اعضای خاندان شاهی، افرادی از خاندان‌های بزرگ و یا فرماندهان نظامی بر آنها حکومت می‌کردند.

یک توضیح



در دوره ساسانی، استان‌ها یا کوره‌ها نیز به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شدند که به آنها شهر می‌گفتند و مرکز آن «شهرستان» نام داشت و حاکمی محلی با عنوان «شهریک» آن را اداره می‌کرد. در رأس هر ده و مزارع آن (روستاگ = روستاق) هم یک دیهیک بود. در این دوره، به حکام نواحی مستقل نیز «شهردار» گفته می‌شد. در زمان خسروانوشیروان، قلمرو ساسانی به چهار بخش بزرگ تقسیم شد: خوراسان (= مشرق) شامل: خراسان، سیستان و کرمان؛ خوروران یا خوربران (= مغرب) شامل: بیشتر سرزمین‌های مرکزی و غربی ایران؛ بخش شمالی شامل: آذربایجان، طبرستان، ارمنستان و گرجستان؛ نیمروز (= جنوب)، شامل: پارس و خوزستان. در رأس هر بخش، یک سپهبد یا مرزبان قرار داشت که هم‌زمان، مسئولیت امور نظامی، اداری و مالیاتی را برعهده داشت.

قضاوت و دادرسی

بر اساس باورهای کهن ایرانی، مهر یا میترا، ایزد پیمان و قانون و پشتیبان نظم اجتماعی بود. یکی از اصول مهم اندیشه ایرانی، پایبندی به عهد و پیمان بود. ایرانیان باستان همچنین به عدالت و راستی اهمیت بسیار می‌دادند و یکی از آرمان‌های آنان این بود که فرمانروایی عادل بر آنان حکومت نماید. در ایران باستان، قوانین، بیشتر از عرف و عادات و اعتقادات قومی ایرانیان و به ویژه اوستا، کتاب دینی زرتشتیان گرفته شده بود. در برخی از کتاب‌های دینی آن زمان، مطالب بسیاری درباره انواع جرم و مجازات دیده می‌شود. به‌طور کلی قضاوت به دو شکل غیررسمی و رسمی انجام می‌گرفت. شکل غیررسمی قضاوت را اغلب ریش‌سفیدان و بزرگان خانواده‌ها و قبایل برعهده داشتند. قضاوت رسمی، بیشتر بر عهده روحانیون زرتشتی و نیز قضاتی بود که از

سوی شاه و یا حاکمان مناطق مختلف منصوب می‌شدند. روحانیون عمدتاً به اختلافات حقوقی و مدنی و قضاوت شاهی به جرایم سیاسی و نظامی رسیدگی می‌کردند. قوانین مربوط به نظم عمومی، نافرمانی و خیانت به شاه و کشور حتی در مورد شاهزادگان و دیگر اعضای خاندان شاهی خیلی سخت و بدون ملاحظه اجرا می‌شد. معمولاً شاه بالاترین مرجع قضایی و قاضی‌القضاات به‌شمار می‌رفت و در محاکمه‌های مهم، اغلب، حکم نهایی را او صادر می‌کرد. همچنین برخی از پادشاهان در روزهای معینی از سال، شخصاً به شکایت و دادخواهی مردم عادی رسیدگی می‌کردند.

در سنگ‌نوشته‌هایی که از شاهان هخامنشی به ویژه داریوش یکم بر جای مانده، نکته‌ها و مطالبی درباره انصاف، عدالت و راستی و اجتناب از دروغ و بیداد به چشم می‌خورد.

بررسی شواهد و مدارک

داریوش یکم چند جا در سنگ‌نوشته بیستون از رفتار عادلانه و منصفانه خود و دودمانش سخن گفته و به آن مباحث کرده است: «... نه من و نه دودمانم دروغگو و بدقلب نبودیم. من موافق حق و عدالت رفتار کردم. نه ناتوان و نه توانا را نیازرزم. مردی که با دودمان من همکاری کرد، او را نیک نواختم و آن کسی که بدی کرد، سخت کیفر دادم... تو که پس از من شاه می‌شوی، مردی که دروغگو باشد و آن کس را که بیدادگر باشد، دوست مباش و به سختی از او پرسش کن».

فعالیت ۴

با راهنمایی دبیر خود، سنگ‌نوشته‌های داریوش یکم را بررسی نمایید و نکته‌های مربوط به عدالت و قضاوت را از آنها استخراج و فهرست کنید.



بیشتری باقی مانده است. مجموعه‌ای از قوانین و محاکمات عصر ساسانی در کتاب «مادیان هزاردادستان» به زبان پهلوی گردآوری شده و منبع ارزشمندی برای حقوق و دادرسی آن دوره محسوب می‌شود. در دوره ساسانی، تشکیلات قضایی گسترش یافت و نقش روحانیان زرتشتی در امور قضایی بیشتر از گذشته افزایش یافت. گروهی از روحانیان زرتشتی که با قوانین دینی و احکام عرفی آشنایی داشتند، عهده‌دار امور قضاوت بودند.

از اشارات نویسندگان یونانی معلوم می‌شود که در دوران هخامنشی قوانینی وجود داشته که قدرت و اختیارات پادشاه را محدود می‌کرده است. مثلاً هرودت به قانونی ایرانی اشاره می‌کند که براساس آن، شاه نباید کسی را به سبب یکبار مرتکب جرمی شدن به مرگ محکوم نماید. همچنین اطلاع داریم که برخی از پادشاهان هخامنشی مانند کمبوجیه و خشایارشا درباره قانونی بودن برخی از کارهای خود با قضات شاهی مشورت می‌کرده‌اند.

در دوره هخامنشی ترکیبی از قوانین و شیوه‌های دادرسی اقوام ایرانی و نیز اقوام و ملت‌های غیرایرانی تابع امپراتوری هخامنشیان، مبنای قضاوت بوده است. در درس ۴ خواندید که قرن‌ها پیش از هخامنشیان، به دستور حمورابی پادشاه بابل، مجموعه‌ای از قوانین در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی تدوین شده بود و اتفاقاً لوح سنگی آن قوانین در شوش، پایتخت سلسله‌های ایلام و هخامنشی کشف شده است. پادشاهان هخامنشی ملل تابع خود را در تبعیت از قوانین و آداب و رسوم خود آزاد می‌گذاشتند. درباره قضاوت و دادرسی در دوره ساسانیان اطلاعات و مدارک

یک توضیح



در محاکم قضایی عصر ساسانی معمولاً سخنان طرفین دعوا در دفترهایی به نام پرسش‌نامک ثبت می‌شد و طرفین دعوا آن را امضا می‌کردند. تشخیص درستی امضاها و هویت شاکی و متهم برعهده داور (قاضی) بود. گرفتن و کیل هم مرسوم بود. حکم دادگاه برای طرفین لازم الاجرا بود و هزینه دادگاه را کسی که محکوم شده بود باید می‌پرداخت. در محاکمه‌هایی که تشخیص حقانیت طرفین دعوا و یا گناهکاری متهم برای قاضی میسر نبود، وی طرفین دعوا و یا متهمان را مورد آزمایش یا وَر قرار می‌داد. وَر دو گونه بود: وَر گرم: گذشتن از آتش، و وَر سرد: خوردن سوگند، که همان آب آمیخته با گوگرد است.

سپاه و جنگ‌افزارها

شکل‌گیری و گسترش حکومت‌های بزرگ در ایران باستان که هر کدام به مدت چندین قرن دوام آوردند، بدون وجود ارتشی منظم، مجهز و آموزش‌دیده، امکان‌پذیر نبود.

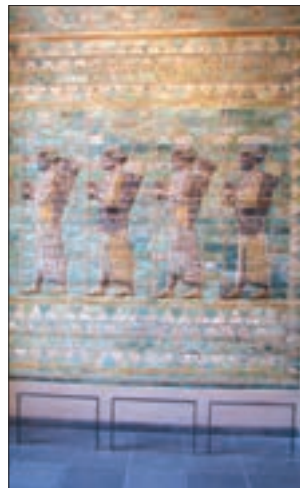
مادی‌ها: دهیوک، مؤسس حکومت ماد با گردآوری جنگاوران قبایل متحد خود، اقدام به تشکیل سپاهی کرد. او به‌منظور مقابله با هجوم آشوری‌ها، هگمتانه (همدان کنونی) را به‌صورت دژ نظامی درآورد و استحکامات و قلعه‌های متعددی بنا کرد. هُبووخستر، سومین پادشاه ماد، سپاه خود را به دسته‌های کمان‌داران، نیزه‌داران و سواران تقسیم کرد و در کنار آنان دسته‌های پشتیبانی، تدارکات و یگان‌های بارکش قرار داد.

سلاح‌های سپاه ماد شامل خنجر، سرنیزه، سپر، شمشیر، تیر و کمان و زوبین بوده است.

هخامنشیان: سپاه هخامنشی تا زمان داریوش یکم متکی

بر واحدهای مختلف پیاده نظام بود که از قبایل، اقوام و ملل تابعه، به آن پیوسته بودند. داریوش در زمینه نظامی و نوسازی سپاه نیز اقدام‌های مهمی انجام داد. او در زمینه نظامی، نیروی ویژه ده هزار نفری به نام **سپاه جاویدان** تشکیل داد. این نیروی نظامی به این سبب این اسم را گرفته بود که هیچ‌گاه از شمار آنها کم نمی‌شد. هرگاه سرباز یا فرماندهی بازنشسته یا کشته می‌شد، به‌شتاب فرد جدیدی جایگزین او می‌شد. اعضای آن، از میان جوانان برومند پارسی انتخاب می‌شدند و تحت آموزش‌های ویژه قرار می‌گرفتند.

سواره نظام در سپاه پارسیان نقش مهمی در جنگ‌ها داشتند و سلاح اصلی آنها نیزه بود. پس از سواره نظام، خیل عظیم پیاده نظام بود. در ارتش هخامنشی به جز پارسی‌ها، دیگر اقوام ایرانی و غیرایرانی نیز حضور داشتند. هر کدام از این اقوام، لباس جنگی و جنگ‌افزارهای مخصوص خود را داشتند.



● نگاره کمان‌داران هخامنشی - کاخ آپادانای شوش



● سنگ‌نگاره سربازان سپاه جاویدان - تخت جمشید

ناوهای جنگی را پارسیان و مادی‌ها بر عهده داشتند. **اشکانیان:** اشکانیان به نیروی سواره‌نظام اهمیت فراوان می‌دادند و در سپاه اشکانی، نیروی پیاده‌نظام نقش چندانی نداشت. اساس تشکیلات نظامی اشکانیان سواره‌نظام چابکی بود که در هنگام سواری تیراندازی می‌کرد و باعث از هم پاشیدن لشکر دشمن می‌شد. مهم‌ترین جنگ‌افزارهای این

یکی دیگر از اقدام‌های بزرگ داریوش یکم، تأسیس نیروی دریایی بود. به تدبیر این پادشاه، چندین پایگاه دریایی در خلیج فارس، دریای سرخ و دریای مدیترانه به وجود آمد. دریانوردان ملل مختلف تابع امپراتوری، از جمله فنیقی‌ها، سوری‌ها، مصری‌ها، قبرسی‌ها و مردمان آسیای صغیر در نیروی دریایی هخامنشیان خدمت می‌کردند، اما فرماندهی

سورنا سردار معروف اشکانی با همین روش هراس بزرگی در سپاه کراسوس رومی ایجاد کرد و در نبرد حرّان (۵۳ ق.م.) پیروز شد.

ساسانیان: با به قدرت رسیدن خاندان ساسانی، سپاه دائمی و مجهزی به وجود آمد. اصلی ترین بخش این سپاه را سواره نظام سنگین اسلحه زره پوش تشکیل می داد که به آن آسواران گفته می شد. سر تا پای آسواران با زره های فلزی پوشیده

سپاه، تیر و کمان و نیزه بود. دلیل توانمندی سواره نظام اشکانی، پیشینه صحراگردی شان بود که به آنان این توانایی را داده بود.

اشکانیان به تدریج، سواره نظام سنگین اسلحه نیز تشکیل دادند که مجهز به زره و کلاه خود بود. استفاده از صدای طبل نیز در آغاز حملات سپاه اشکانی معمولاً وحشت بسیاری در لشکر دشمن ایجاد می کرد و نظم آنها را به هم می ریخت.



● سواره نظام سنگین اسلحه اشکانی

نیروی دریایی ساسانی از ابتدای تأسیس این سلسله به وجود آمد. اردشیر بابکان و جانشینان او، از نیروی دریایی برای برقراری امنیت و تحکیم سلطه خود بر خلیج فارس و دریای عمان و سواحل جنوبی آن استفاده کردند. خسرو انوشیروان با استفاده از نیروی دریایی، یمن را از اشغال حبشیان که از سوی امپراتوری روم شرقی (رقیب ساسانیان) حمایت می شدند، نجات داد و باب المندب و خلیج عدن را تحت تسلط خود درآورد.

شده بود و حتی اسبهایشان نیز پوشش زرهی داشتند. بخش دیگری از سپاه ساسانی را سواره نظام سبک اسلحه که افراد آن مجهز به کمان بودند، تشکیل می داد. اعضای سواره نظام از میان جوانان طبقه اشراف و نجبا برگزیده می شدند.

پیاده نظام ساسانی عمدتاً شامل روستاییانی بود که اسلحه و تجهیزات مناسبی نداشتند و به لحاظ نظامی، چندان اهمیتی به آنان داده نمی شد. از جمله ابتکارات نظامی ساسانیان، استفاده از فیل در جنگها بود.



● سنگ نگاره سواره نظام ساسانی - بیشاپور، استان فارس

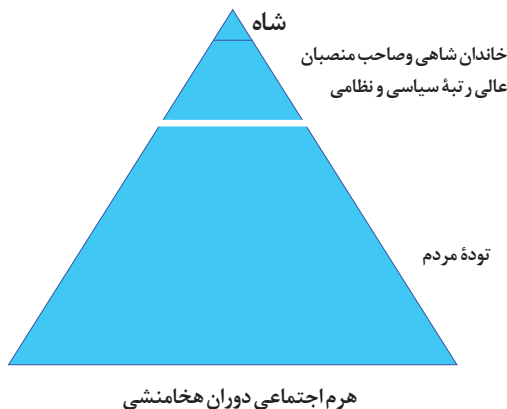
در دوران ساسانی، مداری به نام ارتشتارستان وجود داشت که افراد ارتش در آنجا آموزش می‌دیدند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در آن زمان، کتابچه‌هایی با موضوع‌های تخصصی درباره آموزش‌های نظامی از قبیل تشکیلات قشون، فنون جنگ، تیراندازی با کمان، تغذیه سپاهیان و مراقبت از اسبان وجود داشته که مریدان از آنها در آموزش سربازان استفاده می‌کرده‌اند.

پرسش‌های نمونه

- ۱ منابع دست‌اولی را که در تدوین و تألیف این درس مورد استفاده قرار گرفته‌اند، از متن درس استخراج و فهرست نمایید.
- ۲ نقش داریوش بزرگ را در طراحی و ساماندهی نظام اداری - سیاسی هخامنشیان، ارزیابی و تحلیل کنید.
- ۳ تفاوت شیوه‌های حکومت هخامنشیان و اشکانیان را به لحاظ تمرکز و یا عدم تمرکز قدرت، به طور مستدل توضیح دهید.
- ۴ مجلس‌های دوران اشکانیان چه نقشی در اداره امور کشور داشتند و اعضای آنها چه گروه‌هایی بودند؟
- ۵ علل و نتایج گسترش تشکیلات اداری (نظام دیوان‌سالاری) را در زمان ساسانیان توضیح دهید.
- ۶ وضعیت قضاوت و دادرسی را در زمان هخامنشیان در چهار سطر خلاصه کنید.
- ۷ شباهت‌ها و تفاوت‌های سپاهیان اشکانی و ساسانی را از متن درس استخراج و فهرست نمایید.

بررسی اوضاع اجتماعی گذشته، موضوعی جالب و درخور اهمیت است؛ چراکه مردم و جامعه، از ارکان اساسی هر تمدن و یا کشوری محسوب می‌شوند. در این درس، شما با بررسی وضعیت و موقعیت قشرها و طبقات جامعه در دوران باستان، شرایط نظام اجتماعی و روابط حاکم بر آن را ارزیابی می‌نمایید.

قشرها و طبقات اجتماعی



افراد و خاندان‌هایی که اداره حکومت را بر عهده داشتند، به ثروت بیشتر و منزلت بالاتری دست یافتند. تمرکز قدرت و ثروت در نزد عده‌ای خاص، موجب ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی به معنای واقعی آن شد. دوره کوتاه فرمانروایی مادها را باید سرآغاز این تحول دانست، ولی در زمان هخامنشیان با افزایش فتوحات و توسعه تشکیلات حکومتی، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان گروه حاکم و مردم عادی افزایش یافت.

اقوام آریایی مهاجر به ایران از قبیله‌های گوناگونی تشکیل می‌شدند که از نظر تبار و زبان، خویشاوند بودند و باورهای دینی مشترکی داشتند. این قبایل پس از استقرار در مناطق مختلف ایران، جامعه‌ای شبانی و روستایی را به وجود آوردند، اما همچنان پیوندهای قبیله‌ای خود را حفظ کردند. هر قبیله شامل تعدادی طایفه بود و طایفه نیز خود، به چندین خانواده بزرگ تقسیم می‌شد. در کنار این رده‌بندی قبیله‌ای، نوعی تقسیم‌بندی اجتماعی سه‌گانه بر پایه شغل و پیشه افراد نیز وجود داشت که میراث مشترک آریاییان هند و ایرانی به شمار می‌رفت. در این تقسیم‌بندی، افراد جامعه به سه قشر «روحانیان»، «جنگجویان» و «کشاورزان و شبانان» تقسیم شده بودند. وجود قشرهای سه‌گانه آریایی در آغاز، معرف نوعی تقسیم کار و دسته‌بندی حرفه‌ای به شمار می‌رفت و به نظر می‌رسد که قشری بر قشر دیگر، برتری و امتیاز خیلی خاصی نداشته است.

دوره ماد و هخامنشی: پس از آنکه اقوام آریایی حکومت تشکیل دادند، سرزمین‌های مختلف را فتح کردند و به تدریج

یک توضیح



قشرهای اجتماعی به روایت اوستا و شاهنامه در کتاب اوستا نیز به قشرهای اجتماعی سه‌گانه اشاره شده است. اینکه چرا در اوستا از سه قشر، سخن به میان آمده، گفته شده که سه پسر زرتشت به ترتیب نخستین موبد، نخستین کشاورز و نخستین رزم‌جو بوده‌اند. بنابراین، هر یک از قشرهای سه‌گانه به یکی از آنان تعلق داشته است. همچنین در اوستا از سه آتش یا آتشکده مقدس یاد شده که هر کدام متعلق به یکی از قشرهای سه‌گانه اجتماعی بوده است. موضوع قشرهای اجتماعی جامعه آریایی در شاهنامه نیز بازتاب یافته است و جمشید، پادشاه افسانه‌ای ایران، به عنوان مؤسس قشرهای اجتماعی، معرفی و تمجید شده است. البته در شاهنامه، پیشه‌وران به عنوان یک قشر جداگانه معرفی شده‌اند.



● بزرگان مادی و پارسی در سنگ نگاره‌ها - تخت جمشید

در جایگاه بالاتری قرار گرفت.

دوره اشکانیان

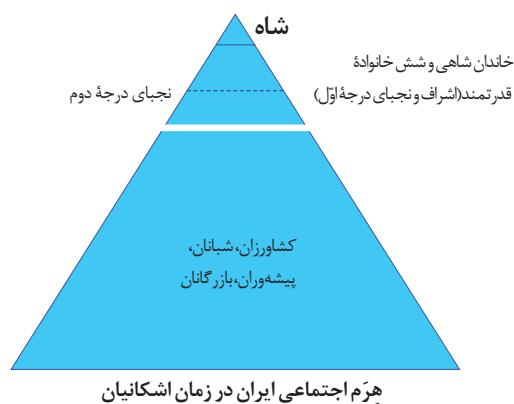
به طور کلی جامعه ایران در دوران اشکانیان شامل گروه حاکم و توده‌های مردم عادی بود. اعضای گروه حاکم، خود به دو دسته تقسیم می‌شدند. در مرتبه اول اعضای خاندان‌های شاهی و دیگر خاندان‌های قدرتمند قدیمی بودند که مهم‌ترین منصب‌های سیاسی و نظامی مانند حکومت مناطق مختلف کشور و فرماندهی سپاه و عضویت در مجلس آن زمان را در اختیار داشتند. توده مردم شامل کشاورزان، شبانان، صاحبان حرف و صنایع و بازرگانان بودند. همچنین جنگ‌های پیاپی با دشمنان خارجی موجب گردآمدن شمار چشمگیری از اسیران جنگی شده بود که در فعالیت‌های کشاورزی، ساختمان‌سازی، معادن شاهی و خدمات خانگی به کار گرفته می‌شدند.

در دوران هخامنشیان، اعضای خاندان‌های بزرگ که خانواده شاهی در رأس آنها قرار داشت، از طرف پادشاه به سمت حکومت شهری‌ها، فرماندهی ارتش و سایر مناصب مهم حکومتی منصوب گردیدند. آنان دارایی‌های هنگفتی کسب کردند و صاحب زمین‌های وسیعی، به ویژه در مناطق مفتوحه شدند. به قول هرودت، این خاندان‌ها امتیازات ویژه‌ای داشتند که دیگران از آن محروم بودند. بدین‌گونه در زمان هخامنشیان طبقه‌ای از اشراف و بزرگان شکل گرفت که علاوه بر امتیازات ویژه اقتصادی، از مقام و منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند. هرودت و دیگر مورخان یونانی به نمونه‌های گوناگونی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در میان ایرانیان در زمان هخامنشیان، مثلاً در خوراک، پوشاک، آداب معاشرت و تحصیل اشاره کرده‌اند. در این دوره به دلیل اهمیت فتوحات نظامی، قشر جنگجویان نسبت به دو قشر دیگر،

افزوده شد. عامل دوم، رسمیت یافتن دین زرتشتی و افزایش نفوذ و اختیارات موبدان بود.

نظام طبقاتی عصر ساسانی بر اصالت نسب و خون استوار بود. اشراف و بزرگان نسب و خون خود را برتر از نسب و خون مردم عادی می‌دانستند و برخورداری از امتیازات ویژه را حق خویش می‌شمردند. حکومت ساسانی، طبقات و قشرهای اجتماعی را به شدت زیر نظر داشت. در چنین جامعه‌ای، تحرک اجتماعی و رفتن از طبقه‌ای به طبقه دیگر، ممنوع و یا دست کم، بسیار دشوار بود.

در دوران ساسانیان نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان طبقه حاکم یعنی خاندان ساسانی و اشرافیت سیاسی، نظامی و دینی وابسته به آن از یک سو و توده مردم عادی از سوی دیگر افزایش یافت. طبقه فرادست و حاکم، در مقایسه با گذشته، گسترش چشمگیری یافت و در درون خود دارای مراتب و درجات متفاوت گردید. اعضای این طبقه همچون قبل، صاحب مشاغل و مناصب عالی‌رتبه کشوری و لشکری و دارای زمین‌های فراوان بودند. اشراف‌زادگان فقط به امور

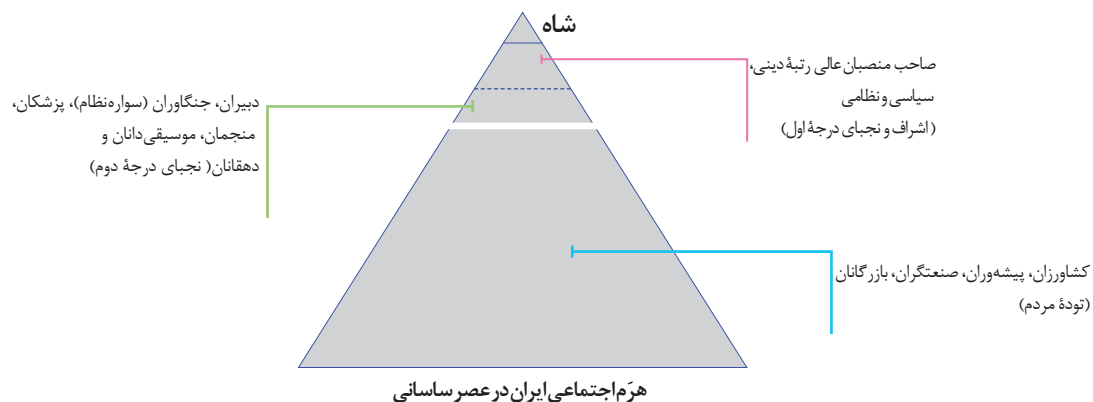


دوره ساسانیان: درباره سازمان اجتماعی ایران در زمان ساسانیان، مدارک و اطلاعات بیشتری در دست است. نظام طبقاتی جامعه ایران در عصر ساسانی تحت تأثیر دو عامل گسترش یافت و تثبیت شد. عامل اول، تأسیس حکومت مرکزی قدرتمندی بود که خاندان ساسانی با توسعه تشکیلات اداری و دیوانی به وجود آوردند. از این رو، قشر جدیدی به نام «دبیران» در این دوره به طبقه حاکم



● نقش برجسته بهرام دوم ساسانی و درباریان - نقش رستم

جنگی، دیوانی، ورزش‌های رزمی، شکار و بزم می‌پرداختند و معمولاً دیگر فعالیت‌ها را دور از شأن و مقام خویش می‌دانستند. زنان این طبقه با نوع لباس و زیورآلات، از دیگر زنان متمایز بودند. در مقابل، طبقه فرودست یا عامه مردم، شامل قشرهای مختلفی می‌شد که به‌طور موروثی به فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مانند کشاورزی، دامداری، پیشه‌وری، تجارت و امثال آن مشغول بودند و بار سنگین مالیات‌های گوناگون را بر دوش می‌کشیدند.



فعالیت ۱

الف - نمودار هرم اجتماعی ایران را در دوران هخامنشیان و ساسانیان به دقت ملاحظه فرمایید و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را بیان کنید.
ب - با توجه به مطالب درس ۱۱، صاحب‌منصبان عالی‌رتبه دوران ساسانیان را ذکر نمایید.

دردوران ساسانیان، موبدان زرتشتی، مدافع نابرابری‌های اجتماعی و امتیازات طبقه حاکم بودند و چنین وانمود می‌کردند که این تفاوت‌ها و تمایزها برای حفظ نظم و ثبات کشور لازم است و رفتن از طبقه‌ای به طبقه دیگر موجب فاسد شدن جامعه می‌شود.

بررسی شواهد و مدارک

تَنَسَر، یکی از روحانیان برجسته زرتشتی است که مشاور و حامی اردشیر بابکان بود. نامه او به حاکم طبرستان، حاوی مطالب مهمی درباره قشرها و طبقات اجتماعی دوره ساسانی است و به روشنی نشان می‌دهد که چگونه موبدان برای توجیه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی تلاش می‌کرده‌اند. در این نامه از زبان اردشیر بابکان تأکید شده است که: مراتب و درجات مردم را باید دقیق نگاه داشت و از اختلاط و جابه‌جایی اشخاص، میان طبقات و قشرهای اجتماعی جلوگیری کرد؛ فقط افراد استثنایی که استعداد و توانمندی خاصی داشته‌باشند، پس از آزموده شدن توسط موبدان و تأیید شاهنشاه می‌توانند به طبقه بالاتر انتقال یابند؛ بزرگان و اشراف باید از لحاظ مَرکَب، لباس، سرای (خانه)، بستان، زن و خدمتکار با عامه متمایز باشند؛ به منظور حفظ نَسَب، بزرگان نمی‌بایست با زنانی از طبقه پایین ازدواج نمایند؛ عامه مردم نباید املاک و مستغلات بزرگان زادگان را خریداری کنند (نامه تنسر با تلخیص و بازنویسی، صص ۶۵ - ۵۷).

فَعَالِيَت ۲

الف - به نظر شما چرا موبدان از نظام طبقاتی تبعیض آمیز دوره ساسانی حمایت می کردند؟
ب - دفاع موبدان از تبعیض ها و نابرابری های اجتماعی، چه تأثیری می توانست بر روابط مردم با آنان داشته باشد؟

پسر و جانشین قباد، برای اصلاح امور اجتماعی و اقتصادی، اقداماتی انجام داد. در نتیجه این اقدامات، قدرت و نفوذ اشراف و نجبای درجه اول کاهش یافت و بر قدرت و نفوذ اشراف و نجبای درجه دوم افزوده شد.

همان طور که در درس ۱۰ خواندید، در زمان پادشاهی قباد، جنبش بزرگی علیه نابرابری ها و تبعیض های اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک پدید آمد. این جنبش، پایه های نظام طبقاتی ساسانی را به شدت لرزاند. از این رو، خسروانشیروان،

جست و جو و کاوش

ماجرای مزدک را در شاهنامه جست و جو کنید و ابیاتی از آن را در کلاس بخوانید.

خانواده

دارایی های خانواده که در اختیار پدر قرار داشت، قابل تقسیم و یا انتقال نبود و پس از مرگ او در اختیار پسر ارشد به عنوان رئیس جدید خانواده قرار می گرفت. خانواده گسترده تا عهد هخامنشی تداوم داشت؛ اما پس از آن تحت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی، به تدریج کوچک تر و محدود تر شد. همچنین با گسترش شهرها، مخصوصاً در دوره ساسانیان، بخشی از خانواده های روستایی به شهر مهاجرت کردند و در پیشه های گوناگونی اشتغال یافتند. بدین گونه خانواده بزرگ با املاک و دارایی های مشترک، به تدریج به خانواده های کوچک تر با اموال مستقل تجزیه شد. از سوی دیگر، با توسعه تشکیلات حکومتی و گسترش قشرهای اجتماعی، دامنه اختیارات و قدرت پدر در خانواده کاهش یافت. برای نمونه، تشکیلات قضایی و قشر روحانیان، بخشی از اختیارات پدر مانند قضاوت و اجرای مراسم و تشریفات دینی را بر عهده گرفتند.

در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم درباره خانواده، ارزش و اهمیت آن در ایران باستان مطالبی خواندید. در این درس جنبه های دیگری از آن را مورد بررسی و کاوش قرار می دهیم. خانواده، هسته اصلی جامعه آریایی نخستین به شمار می رفت. خانواده در آغاز، بسیار گسترده بود و شامل پدر و مادر، فرزندان و نوادگان، برادران و خواهران، عروسان و دامادان، عموزادگان و عمه زادگان، دایی زادگان و خاله زادگان و بستگان دیگر می شد. در این خانواده، سلطه پدر بر اعضای آن، نامحدود بود. پدر هم قاضی و هم مجری آداب و رسوم دینی و نگهبان آتش خانه به حساب می آمد. مادر اگرچه اختیاراتی در حد و اندازه پدر نداشت، اما بانوی خانه محسوب می شد و مورد احترام همه بود.

در خانواده کهن ایرانی، ازدواج درون گروهی بود و اعضای خانواده تحت نظارت پدر، با یکدیگر پیمان ازدواج می بستند. اقتصاد خانواده هم به صورت معیشتی بود و دسترنج تمام افراد خانواده برای رفع نیازمندی های مشترک مصرف می شد.

زنان

که در زمان هخامنشیان، زن و مرد در کنار هم و با حقوقی برابر کار می‌کردند. تعدادی از کارکنان کارگاه‌های شاهی را زنان تشکیل می‌دادند و حتی مدیریت برخی از این کارگاه‌ها را بر عهده داشته‌اند و مردان، زیر دست آنان کار می‌کردند.



● لوح گلی به زبان ایلامی دربارهٔ جیرهٔ مادران شاغل در کارگاه شاهی هخامنشیان

دربارهٔ زنان و موقعیت و حقوق آنان در ایران باستان، مدارک و اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد که بیشتر مربوط به زنان طبقهٔ اشراف و مقام‌های حکومتی است. جایگاه و حقوق زنان به عنوان نیمی از جامعه در دوران باستان، تحت تأثیر آموزه‌های دین زرتشتی و فرهنگ عمومی قرار داشت. در قسمت‌هایی از کتاب اوستا که منسوب به زرتشت است، تفاوت چندانی میان مرد و زن وجود ندارد و شعار اصلی زرتشت یعنی گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک به یکسان برای زنان و مردان توصیه شده است. تنها در بخش‌هایی از اوستا که احتمالاً در زمان ساسانیان توسط موبدان تدوین شده، موقعیت اجتماعی زن پایین‌تر از مرد قرار می‌گیرد. در آیین زرتشتی، پارسایی و عفت به عنوان دو خصلت و ویژگی زن خوب برشمرده شده است. به‌طور کلی در ایران باستان، زن به عنوان مادر و کدبانوی خانه همواره از عزت و احترام والایی برخوردار بوده است. همچنین شواهد و مدارک متعددی وجود دارد که بر حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی در بیرون از منزل دلالت دارد. لوح‌های گلی کشف شده از تخت جمشید بیانگر آن است



● نمونه‌ای از زیورآلات زنان دورهٔ اشکانی



● نمونه‌ای از زیورآلات زنان دورهٔ هخامنشی

و قرون نخستین اسلامی، مطالب و گزارش‌هایی وجود دارد که دلالت بر حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان در آن دوران می‌نماید. از جمله اینکه، زن حق مالکیت و فعالیت اقتصادی داشت و می‌توانست درآمد کسب کند و در اموال همسر خود شریک باشد. همچنین زن می‌توانست در دادگاه به سود خود اقامه دعوا کند.

درباره موقعیت اجتماعی و حقوقی زنان در عصر ساسانی، اطلاعات مکتوب و غیرمکتوب بیشتری به جای مانده است. تنی چند از زنان خاندان شاهی مانند همسر یزگرد دوم و دو دختر خسرو پرویز به نام‌های بوران (پوران) و آزرمی دُخت بر تخت سلطنت نشستند. اینان از جمله نخستین شاهان زن یکی از بزرگ‌ترین حکومت‌های جهان باستان هستند. در آثار و متون دینی و حقوقی مربوط به دوره ساسانی



○ بازسازی چهره بوران از روی سکه اش



○ سکه بوران یا پوران دختر خسرو پرویز،
ملکه ساسانی که حدود یک سال و چند ماه
بر تخت شاهی نشست.

یک توضیح



خورد و خوراک

از آنجا که ایرانیان عصر باستان، خوردن و نوشیدن را امری مقدس می‌شمردند، حد اعتدال را در آن رعایت می‌کردند. به‌نوشته هرودت، آنها کمتر غذاهای سنگین می‌خوردند و بیشتر به غذاهای سبک رغبت داشتند.

به نوشته استرابون، که لوح‌های گلی تخت جمشید هم نوشته او را تأیید می‌کنند، غذای اصلی پارسیان جو بود که آن را به‌صورت آرد درمی‌آوردند و از آن نان می‌پختند. ایرانیان اصولاً گندم و جو را مقدس می‌دانستند. آنها با اینکه گوشت را دارای طعم بهشتی می‌دانستند کمتر از آن استفاده می‌کردند.

براساس لوح‌های گلی تخت جمشید، میوه‌ها و دیگر رُستنی‌های خوراکی که مردم در این دوره مصرف می‌کردند عبارت بود از گلابی، سیب، آلو، انگور، توت، خرما، انجیر، گردو و پسته. در منابع کهن از انار و هلو و مرکبات به عنوان میوه‌های پارسی یاد شده است.

جشن و سوگواری

می‌گیرند.

برگزاری جشن‌های گوناگون، فرصتی برای مردم بود که ضمن شادی، تفریح و معاشرت با یکدیگر، وفاداری خود را به پادشاه ابراز کنند. این جشن‌ها، تأثیر بسزایی بر اتحاد و انسجام ایرانیان در طول تاریخ داشته و عامل مؤثری در تقویت هویت جمعی آنان بوده است.

ایرانیان باستان، علاوه بر گرامیداشت جشن‌ها، مراسم سوگواری برای مردگان را نیز با آداب و تشریفات ویژه‌ای برگزار می‌کردند. در مراسم سوگواری درگذشتگان، ضمن خواندن دعا، نیکی‌های شخص از دنیا رفته را یادآوری می‌کردند. ایرانیان احترام خاصی برای ارواح پدران و مادرانشان قائل بودند؛ از این‌رو، در برخی از جشن‌ها، مراسم ویژه‌ای را برای آرامش ارواح آنان انجام می‌دادند.

گاه‌شماری ایران باستان، مملو از جشن‌هایی بود که در طول سال برگزار می‌گردید. این جشن‌ها پیوند تنگاتنگی با باورهای دینی و زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم ایران، به‌ویژه فعالیت‌های کشاورزی داشت. ویژگی برجسته جشن‌های باستانی، عبادت و شکرگزاری به درگاه خداوند بزرگ بود.

گاهنبارها، نوروز، مهرگان و سده، از مشهورترین جشن‌های ایران باستان به‌شمار می‌روند.

گاهنبارها عبارت بودند از شش جشن که به شکرانه آفریده شدن عناصر اصلی خلقت: آسمان، آب، زمین، گیاه، جانوران و انسان، در شش وقت معین از ماه‌های سال برگزار می‌شد. جشن نوروز از کهن‌ترین جشن‌های ایرانی است که به جمشید، نخستین پادشاه افسانه‌ای ایران نسبت داده می‌شود. ایرانیان و ملت‌های هم‌فرهنگ با آنان، همچنان نوروز را گرامی‌داشته و با آداب و رسوم ویژه‌ای جشن



● هفت سین ایرانی

فعالیت ۳

به چند گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، درباره‌ی زمان برگزاری و آداب و رسوم جشن‌های زیر، تحقیق کنید و گزارش آن را به صورت روزنامه‌دیواری در کلاس ارائه نمایید.

گاهنبارهای شش‌گانه؛ مهرگان؛ سده



بازی‌ها

آگاهی ما درباره بازی‌ها و چگونگی انجام دادن آنها در ایران باستان ناچیز است. در برخی از نوشته‌های بازمانده از دوران ساسانی، نام تعدادی از بازی‌های رایج در آن زمان آمده است. از آن جمله است: چترنگ (شطرنج)، نرد (تخته‌نرد)، چوگان، رَسَن‌بازی (بندبازی)، شمشیربازی، آندروال‌بازی (پشتک و وارو زدن) و گوی‌بازی. تاب‌بازی - که امروزه هم در ایران رایج است - از جمله بازی‌هایی بوده است که ایرانیان باستان در مراسم جشن نوروز اجرا می‌کردند. ابوریحان بیرونی سابقه این بازی را به زمان جمشید رسانده است. ورزش زورخانه‌ای نیز ریشه در آیین‌های پهلوانی و اساطیری دوران اشکانی و ساسانی دارد.



○ زورخانه

پرسش‌های نمونه

- ۱) نظام اجتماعی جامعه نخستین آریایی چگونه بود؟
- ۲) در نظام اجتماعی جامعه ایرانی در دوره هخامنشیان، چه تغییر و تحولاتی ایجاد شد؟
- ۳) جامعه ایران در دوره اشکانیان شامل چه گروه‌ها و قشرهایی بود؟
- ۴) نظام اجتماعی ایران در دوره ساسانیان چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۵) جنبش مزدک چه پیامدهایی در جامعه ساسانی برجای گذاشت؟

در این درس، شما با بررسی منابع و فعالیت‌های اقتصادی در ایران باستان، ابتکارات و پیشرفت‌های اقتصادی ایرانیان را در آن دوران تجزیه و تحلیل می‌نمایید.

ایران و همسایگان خود در بین‌النهرین، کم‌کم با شیوه زندگی روستایی و شهری آشنا شدند و به یک‌جانشینی و کشاورزی روی آوردند. آموزه‌های زرتشت با تشویق مردم به کشت‌وکار، تأثیر بسزایی بر انتقال تدریجی آریاییان از زندگی شبانی به زندگی مبتنی بر کشاورزی داشت.

رونق و پیشرفت کشاورزی: در عصر باستان، کشاورزی اساس زندگی اقتصادی ایرانیان به شمار می‌رفت. بیشتر مردم کشاورز بودند و روستاییان عمده جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. مهم‌ترین محصولات کشاورزی عبارت بودند از جو، گندم، برنج، میوه و سبزی که به صورت دیم و آبی کشت می‌شدند. کشاورزان با استفاده از آب رودخانه‌ها، چشمه‌ها و قنات‌ها، زمین‌ها و باغ‌ها را آبیاری می‌کردند. روستاییان در کنار فعالیت‌های کشاورزی، معمولاً تعدادی دام، شامل گوسفند، بز، گاو، اسب و شتر پرورش می‌دادند. در سطحی وسیع‌تر کوچ‌نشینان به دامداری اشتغال داشتند. بیشتر زمین‌های کشاورزی و حتی گله‌های دام، متعلق به شاه، خاندان شاهی، مقام‌های حکومتی، اشراف، روحانیان بزرگ و متولیان معبدها و یا آتشکده‌ها بود. آنان غالباً در شهرها زندگی می‌کردند و از طریق نمایندگان خود، املاکشان را اداره می‌کردند و یا اجاره می‌دادند. البته شمار معدودی از کشاورزان قطعه زمین کوچکی داشتند، اما بیشترشان فاقد زمین بودند. آنان بر روی زمین‌های متعلق به بزرگان، کار می‌کردند و سهمی از محصول را دریافت می‌کردند.



● مهری منقش به تصویر گاو آهن از دوره هخامنشی

کشاورزی و دامداری

در درس ۸ خواندید که بومیان ایران پیش از ورود آریایی‌ها، از جمله نخستین مردمانی بودند که از حدود ۱۰ هزار سال پیش شروع به کشاورزی و اهلی کردن حیوانات کردند. پس از آن، کشاورزی همواره نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تأمین نیازهای مادی ساکنان این مرز و بوم داشته و مالیات‌های بخش کشاورزی یکی از منابع مهم درآمد سلسله‌های حکومتی بوده است.

اقوام و طایفه‌های صحراگرد و دامدار آریایی هنگام ورود به ایران، اطلاع چندانی از روش‌ها و فنون کشاورزی و صنعت نداشتند. آنان در نتیجه تماس و همزیستی با بومیان

درآمد هنگفتی برای ساسانیان به حساب می‌آمد. طغیان رودخانه‌های دجله و فرات و خراب شدن آب‌بندها و سدها در اواخر دوره ساسانیان یکی از عوامل ضعف و انحطاط آنان شد و ضربه سنگینی بر اقتصاد آنان وارد آورد. در عصر باستان بر اثر گسترش راه‌ها و توسعه تجارت، کشت گونه‌های جدیدی از گیاهان و درختان در سرتاسر قلمرو پهناور سلسله‌های ایران، معمول گردید. همچنین در آن عصر، گونه‌هایی از گیاهان و درختان از ایران به اروپا و چین رفت، و یا از آنجاها به ایران آمد.

به‌شمار می‌رفت. او علاوه بر مسئولیت گردآوری مالیات‌های بخش کشاورزی، برای توسعه و ترویج آبادانی و کشت و کار نیز کوشش می‌کرد. در دوره ساسانیان، سدها و آب‌بندهای متعددی بر رودها به خصوص رودهای دجله، فرات و کارون، بسته و آبراهه‌های (نهرهای) متعددی با هدف آبیاری زمین‌های کشاورزی ایجاد شد. در آن دوره، کشاورزی به خصوص در زمین‌های حاصلخیز بین‌النهرین (آسورستان / سواد)، خوزستان و سیستان توسعه زیادی پیدا کرد. مالیات و اجاره‌بهای کشتزارهای آسورستان منبع

یک توضیح



دوره سلوکیان	از ایران به اروپا	پنبه، لیموترش، خربزه، کنجد، گردو، زیتون، خرما، انجیر، اردک و گاو
دوره اشکانیان	از ایران به چین	خیار، پیاز، زعفران و یاسمن
دوره اشکانیان و ساسانیان	از چین به ایران	کرم ابریشم
دوره اشکانیان	از هند به ایران	نیشکر

(مأخذ: ایران از آغاز تا اسلام، گیرشمن)

راه و حمل و نقل

یکی از پایتخت‌های هخامنشی را به شهر سارد در آسیای صغیر متصل می‌کرد. به گفته هرودت در طول جاده شاهی، به فاصله هر ۲۵ یا ۳۰ کیلومتر، ایستگاه‌هایی با امکانات فراوان برای مسافران و کاروان‌ها ایجاد شده بود. در دوره هخامنشی فنون و مهارت‌های جاده‌سازی پیشرفت کرد. در جاهایی که زمین سست یا باتلاقی بود، جاده را سنگ‌فرش می‌کردند. جاده‌ها در آن زمان به گونه‌ای ساخته می‌شدند که از آب‌ها به آسانی بتوانند در آنها حرکت کنند.

راه‌ها و وسایل حمل و نقل، نه فقط از نظر سیاسی و نظامی، بلکه از جنبه اقتصادی و مخصوصاً تجاری نیز دارای ارزش و اهمیت فوق‌العاده بودند. در دوره هخامنشیان شبکه وسیعی از جاده‌ها ساخته شد که مراکز اصلی حکومت را به یکدیگر و همچنین به کشورهای همسایه وصل می‌کرد. مهم‌ترین آنها **جاده شاهی** بود که به فرمان داریوش بزرگ احداث گردید. این جاده به طول بیش از ۲۴۰۰ کیلومتر، شوش،

اسب، الاغ و شتر، چارپایانی بودند که در حمل و نقل، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ایرانیان باستان همچنین از اژابه و گاری‌های دو چرخ و چهار چرخ که توسط اسب کشیده می‌شدند، بهره‌ فراوان می‌بردند.



○ نقش برجسته اژابه چرخ‌دار - تخت جمشید

کشف راه‌های دریایی: داریوش بزرگ، پادشاه هخامنشی

در جریان لشکرکشی به هندوستان، وقتی که به رود سند رسید، یکی از اهالی آسیای صغیر به نام اسکیلاکس^۱ را مأمور کشف مسیرهای آبی کرد. وی مسیر رود سند را تا اقیانوس هند ادامه داد و سپس با عبور از دریای سرخ به مصر رسید. در نتیجه این سفر، برای نخستین بار مسیر دریایی میان هند و مصر شناسایی شد. یکی دیگر از اقدامات مهم و مدبرانه داریوش در زمینه توسعه راه‌های دریایی، اتصال دریای سرخ به رود نیل بود. او هنگام سفر به مصر دستور داد با حفر آبراهه‌ای (کانالی)، دریای سرخ به رود نیل متصل گردد تا امکان تردد کشتی‌ها میان این رود و دریا فراهم آید.

در دوران فرمانروایی هخامنشیان، دریانوردی و حمل و نقل



○ سکه دوره هخامنشی با نقش کشتی

دریایی به طور چشمگیری رونق گرفت. بنادر، توسعه پیدا کردند و بندرهای جدیدی بنا گردید. همچنین در آن زمان، کشتی‌هایی با ظرفیت حمل چند صد تن کالا، ساخته شد.



● نقشهٔ آبراهه‌ای که به دستور داریوش هخامنشی در مصر کنده شد.



● سنگ نوشتهٔ داریوش یکم در کنار آبراهه‌ای که به دستور او در مصر کنده شد.

بررسی شواهد و مدارک

سنگ‌نوشته‌هایی از داریوش به خط میخی فارسی باستان، ایلامی و بابلی و خط هیروگلیف مصری به جا مانده است. در یکی از این سنگ‌نوشته‌ها، داریوش پس از ستایش آهوره مزدا و معرفی خود، می‌گوید: «... من پارسی هستم. مصر را از پارس گرفتم. فرمان‌کننده این آبراهه را دادم، از رودی به نام نیل که در مصر جاری است تا دریایی که از پارس می‌آید [منظور خلیج فارس]؛ پس از آنکه این آبراهه به همان گونه‌ای که فرمان داده بودم، کنده شد و کشتی‌ها در این آبراهه از مصر به سوی پارس رفتند، چنان که خواست من بود».

دایر بودند؛ کاروان‌سراهای جدیدی در مسیر راه‌ها ساخته شد و چاه‌ها و قنات‌هایی برای تأمین آب آنها، حفر گردید.

در دوران فرمانروایی اشکانیان و ساسانیان نیز، راه‌ها و وسایل ارتباطی، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بودند و توجه زیادی به نگهداری و امنیت جاده‌ها صورت می‌گرفت. در این دوران، همانند زمان هخامنشیان، چاپارخانه‌ها همچنان

جست و جو و کاوش

با راهنمایی دبیر خود، در باره جاده ابریشم و نقش آن در بازرگانی دوران اشکانیان تحقیق کنید و یافته‌های خود را به همراه نقشه این جاده، در کلاس ارائه نمایید.



● بنای تاریخی پل دزفول متعلق به دوره ساسانی

با اجازه پادشاه می‌توانستند سکه نقره ضرب کنند. نظام پولی که داریوش هخامنشی ایجاد کرد، معیاری برای ارزش‌گذاری کالاها و خدمات در نواحی مختلف پادشاهی هخامنشی شد و عامل مهمی در بسط و گسترش تجارت داخلی و خارجی بود. در دوران اشکانیان و به‌ویژه ساسانیان کاربرد پول به‌خصوص در شهرها گسترش یافت و سکه‌های نقره‌ای و مسی در مبادلات تجاری در منطقه وسیعی به جریان افتاد. تعداد



● دریک، سکه طلای هخامنشی

بقیای کاروان‌سراها و پل‌های برج مانده از دوره ساسانی نشان می‌دهد که در آن زمان، توجه خاصی به بازسازی و توسعه جاده‌ها می‌شده است. در دوران ساسانیان، دریانوردی و کشتی‌رانی نیز، پیشرفت‌هایی کرد. به‌دستور پادشاهان ساسانی، بنادر و اسکله‌های متعددی به‌خصوص در خلیج فارس و دریای عمان ساخته شد و کشتی‌ها و دریانوردان ایرانی حضور چشمگیری در دریاها و اقیانوس‌ها داشتند. سیراف از جمله بندرهای مهم خلیج فارس بود که به گفته مورخان، اهالی آنجا در دریانوردی و صیادی مهارت زیادی داشتند.

راه‌ها در عصر باستان علاوه بر آنکه امکان جابه‌جایی کالاها و مسافران را فراهم می‌آوردند، در انتقال اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها نیز نقش مهمی داشتند. از طریق مسیرهای ارتباطی زمینی و دریایی بود که فرهنگ، هنر و معماری اقوام و جوامع عهد باستان در بخش‌های وسیعی از جهان آن روزگار بر یکدیگر تأثیر گذاشتند. بسیاری از آیین‌ها و دین‌های باستانی، از طریق جاده‌ها، از شرق به غرب عالم و یا بالعکس راه یافتند.

پول، اوزان و مقیاس‌ها

پول: تا زمان داریوش بزرگ در بیشتر نواحی تحت فرمان حکومت هخامنشی، سکه (پول) رواج چندانی نداشت و مبادله کالا به صورت پایاپای انجام می‌گرفت. حقوق و دستمزدها نیز به صورت کالا پرداخت می‌شد. سکه‌های طلا و نقره بیشتر در مناطقی مثل بابل، لیدی و شهرهای فنیقی‌نشین سواحل شرقی دریای مدیترانه رایج بود. داریوش سکه‌هایی با وزن و عیار مشخص ضرب کرد که در سراسر قلمرو هخامنشیان و حتی فراتر از آن اعتبار داشت. سکه طلایی داریوش موسوم به دریک، شهرت فراوان یافت. ضرب سکه طلا در انحصار شاهان بود و شهرها (ساتراپ‌ها)



● سنگ وزنه. از جنس سنگ آذرین با نوشته‌ای به سه زبان فارسی باستان، ایلامی و بابلی از دوره داریوش یکم

فراوانی از سکه‌های ساسانی، در ایران و سرزمین‌های هم‌جوار یافته شده است.

اوزان و مقیاس‌ها: هخامنشیان واحدهای وزن و اندازه‌گیری ایلامیان را حفظ کردند و واحدهای تازه‌ای به آن افزودند. به دستور داریوش بزرگ، واحدهای وزن و اندازه‌گیری مشخصی برای شهریار هخامنشی تعیین شد. تعدادی از وزنه‌های آن دوره بر جا مانده است. پیمانه یا کیل در زندگی اقتصادی دوران هخامنشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، چون در آن روزگار میزان و مقدار مواد خوراکی را به جای وزن کردن، با پیمانه تعیین می‌کردند.

صنایع فلزی، سفالی و بافندگی

صنعت و تجارت

صنعت: حکومت هخامنشی با یکپارچه ساختن سرزمین‌های ثروتمند و متمدنی که مردمان آنها دارای تجربیات فراوانی در تولید کالاهای مختلف بودند، کمک شایانی به رونق اقتصادی و توسعه صنعت کرد. آثار و اشیای برجای مانده از آن دوره، بیانگر پیشرفت صنایع فلزکاری، سفالگری و بافندگی است.

از محتوای لوح‌های گلی کشف شده از خزانه تخت جمشید معلوم می‌شود که در زمان هخامنشیان، کارگاه‌هایی وجود داشته که متعلق به شاه بودند و اشیای و مواد خوراکی مورد نیاز کاخ شاهی را تولید می‌کردند. استادکاران و صنعتگرانی از سرتاسر قلمرو پهناور هخامنشی در این کارگاه‌ها مشغول به کار بودند.

شواهد و مدارک تاریخی، دلالت بر رونق نسبی تولیدات صنعتی و کارگاهی در دوران سلوکیان و مخصوصاً اشکانیان دارد. در دوران فرمانروایی ساسانیان، همگام با توسعه شهرنشینی، صنعت نیز رشد کرد و کیفیت کالاهای تولیدی بهتر شد. در درس ۱۶، صنایع و هنرهای ایران در دوران باستان، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.



● قسمتی از قالی پازیرک منسوب به دوره هخامنشی

صنعت بافندگی به خصوص بافت پارچه‌های ابریشمی در آن زمان، ترقی شایانی کرد. حکومت ساسانی با در اختیار گرفتن واردات ابریشم خام از چین و کوچاندن بافندگان ماهر از قلمرو روم در شام (سوریه) به ایران، کارگاه‌های بافندگی متعددی را در شوش، جندی شاپور (گندی شاپور) و شوشتر ایجاد کرد. این کارگاه‌ها نوعی از پارچه‌های زربافت و ابریشمی را تولید می‌کردند که در جهان آن روز شهرت و مشتریان فراوان داشتند. حتی چین که خود

پایه‌گذار صنعت ابریشم بود، پارچه‌های ابریشمی ایرانی را می‌خرید. چینیان تا قرن‌ها، فنون تولید ابریشم را از مردم دیگر کشورها مخفی نگه داشتند، اما سرانجام ایرانیان و رومیان توانستند به این فنون پی ببرند. در دوره ساسانی نیز کارگاه‌های متعددی وجود داشت که متعلق به حکومت بود و کالاهای مورد نیاز شاه، دربار، سپاه و تشکیلات اداری را تأمین می‌کردند.

فعالیت ۱

به چهار گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه درباره تأثیر و نقش یکی از عوامل زیر بر گسترش تجارت در دوره هخامنشیان گفت‌وگو و استدلال کنید:

۱) موقعیت جغرافیایی و وسعت قلمرو (۲) راه‌ها و وسایل حمل و نقل (۳) پول و اوزان (۴) کشاورزی و صنعت

بابل در قلب پادشاهی هخامنشی، مرکز تجاری مهمی به شمار می‌رفت. بازرگانی از سرزمین‌های مختلف در آنجا مشغول داد و ستد بودند. بنادر خلیج فارس و نیز بنادر واقع در سواحل شرقی دریای مدیترانه، از مراکز اصلی تجارت دریایی آن دوره محسوب می‌شدند.

در عهد هخامنشیان تجارت مانند گذشته، محدود و منحصر به اشیای تجملی و گران‌قیمت نبود، بلکه شامل انواع مختلفی از مواد اولیه مانند فلزات و چوب، محصولات کشاورزی و دامی و تولیدات صنعتی می‌شد. بخش قابل توجهی از کالاهای تجاری را اجناس مورد نیاز مردم مانند اثاث منزل، ظروف آشپزخانه و مواد خوراکی تشکیل می‌داد.

تجارت: پس از شکل‌گیری حکومتی قدرتمند توسط اقوام آریایی در ایران، به خصوص در پی روی کار آمدن شهریار هخامنشیان، تجارت داخلی و خارجی ایران توسعه پیدا کرد.

شواهد باستان‌شناسی، لوح‌های گلی و گزارش‌های مورخان یونانی، مخصوصاً هرودت، اطلاعات ارزشمندی درباره اوضاع تجاری در دوران سلسله هخامنشیان ارائه می‌دهند. این منابع، از رشد بازرگانی میان شهرها و مناطق تحت فرمانروایی این سلسله خبر می‌دهند. پیدا شدن سکه‌های هخامنشی و مصنوعات نواحی تابعه این سلسله در سواحل رودهای دانوب و زُن در مرکز اروپا و سیلان در جنوب آسیا، نشانه‌ای از برقراری روابط بازرگانی با سرزمین‌های دور است. در آن زمان، شهر



اقلام عمده واردات و صادرات ایران در عصر باستان

صادرات به چین، مصر، سوریه، اروپا و هند	واردات از هند، چین، یونان، مصر، سوریه و فنیقیه
پارچه‌های زربافت و ابریشمی، قالی، ظروف نقره، مفرغ، فیروزه، لاجورد، میوه خشک شده، پسته، زعفران، برنج، داروها و عطریات	ادویه، عاج، طلا، چوب، ابریشم، فولاد، زیتون، جواهرات، ظروف شیشه‌ای و پایروس

و اروپا از سوی دیگر عمل می‌کرد. در زمان اشکانیان، ابریشم چین و ادویه هندوستان مشتریان زیادی در قلمرو روم داشت. بنابراین درآمد هنگفتی از حقوق گمرکی، عوارض حمل و نقل و راهداری، نصیب حکومت اشکانی می‌شد. امپراتوری روم، نخست در دوره اشکانی و سپس در عهد ساسانی، تلاش کرد که به طور مستقیم با هند و چین ارتباط تجاری برقرار نماید، اما اشکانیان و ساسانیان هوشمندانه مانع موفقیت رومیان شدند.



● پیکرک سفالی از کاروانیان جاده ابریشم

در دوران حکومت سلوکیان، تجارت رونق گذشته را نداشت، از حجم مبادله کالاهای ارزان قیمت کاسته شد و در عوض اشیای تجملی، جای آنها را گرفت. با به قدرت رسیدن اشکانیان، بار دیگر جریان داد و ستد به خصوص بازرگانی خارجی رونق اساسی گرفت. یکی از عوامل مهم این رونق، برقراری روابط سیاسی و تجاری میان ایران و چین، و در پی آن گشایش جاده معروف ابریشم بود. ایران در آن دوره به عنوان واسطه تجاری بزرگ، میان چین و هند از یک سو،

و در واقع اقتدار و استواری حکومت‌ها بستگی به منابع مالی و موجودی خزانه آنها داشت. در درس ۱۱ مطالعه کردید که یکی از اهداف اصلی شکل‌گیری تشکیلات اداری (نظام‌دیوان‌سالاری) در ایران باستان، رسیدگی به وضعیت دخل و خرج کشور و سامان دادن منابع درآمد و مخارج عمومی بود.

به طور کلی عمده‌ترین منابع درآمد حکومت در ایران باستان عبارت بود از: انواع مالیات‌ها، شامل مالیات کشاورزی و دام، مالیات پیشه‌وران و مالیات سرانه؛ عوارض گمرکی، حمل و نقل و راهداری و حق بهره‌برداری از معادن و جنگل‌ها.

در دوران فرمانروایی ساسانیان، تجارت در مسیرهای زمینی و دریایی گسترش چشمگیری پیدا کرد و بازرگانان ایرانی در مناطق وسیعی از جهان آن روزگار، از چین تا شرق آفریقا و مرکز اروپا، مشغول داد و ستد بودند. سکه‌های نقره ساسانی در بیشتر این مناطق، رایج و معتبر بود. ساسانیان به مراتب بیشتر از حکومت‌های پیشین بر کار تجارت نظارت می‌نمودند و قوانین و مقررات مربوط به خرید و فروش را اجرا می‌کردند.

درآمدها و مخارج

حکومت‌ها برای اداره قلمرو، حفظ قدرت و تأمین هزینه‌های گوناگون، همواره نیازمند منابع درآمد پایدار و مطمئنی بودند

جست و جو و کاوش

با راهنمایی دبیر خود، درباره شیوه محاسبه و گردآوری مالیات بخش کشاورزی در دوره ساسانیان و اهمیت آن در تأمین درآمدهای حکومت ساسانی تحقیق، و گزارش آن را به کلاس ارائه کنید.

فعالیت ۲

با توجه به محتوای این درس و درس‌های ۹ و ۱۰، چهار مورد از مخارج اساسی حکومت‌ها را در ایران باستان فهرست کنید.

می‌آوردند، اوضاع و شرایط اقتصادی به هم می‌ریخت و رونق و آبادانی رخت بر می‌بست. عوامل طبیعی و اقلیمی به خصوص خشکسالی، سیل و طغیان رودخانه‌ها و تخریب سدها نیز گاهی بر وضعیت اقتصادی تأثیر منفی می‌گذاشت. گاهی نیز بروز بیماری‌های فراگیر و کشنده‌ای چون طاعون و وبا موجب مرگ و میر گسترده نیروی کار و در نتیجه، رکود و افت تولید می‌شد.

وضعیت اقتصاد و معیشت ایران در دوران باستان همواره تحت تأثیر عوامل سیاسی، مدیریتی و اقلیمی قرار داشت. در زمان‌هایی که صلح، آرامش و امنیت حکم فرما بود و زمامدارانی لایق و کاردان حکومت می‌کردند، فعالیت‌های اقتصادی، شرایط مطلوبی داشت و مردم با خیال آسوده به کسب و کار می‌پرداختند و از حداقل امکانات رفاهی و معیشتی برخوردار بودند؛ اما در دورانی که حکومت مرکزی ضعیف و آشوب و ناامنی فراگیر می‌شد و یا دشمنان خارجی به ایران هجوم

پرسش‌های نمونه

- ۱ عوامل مؤثر بر رونق و شکوفایی کشاورزی ایران را در عصر باستان فهرست کنید.
- ۲ چرا حکومت‌ها در ایران باستان به راه‌ها و وسایل حمل و نقل اهمیت زیادی می‌دادند؟
- ۳ سه مورد از اقدامات مهم داریوش اول هخامنشی را که بر وضعیت اقتصادی اثر گذاشت، فهرست کنید.
- ۴ به نظر شما چرا اشکانیان و ساسانیان مانع از روابط مستقیم تجاری میان روم با هند و چین می‌شدند؟
- ۵ عوامل مؤثر بر وضعیت اقتصاد و معیشت مردم ایران را در دوران باستان شرح دهید.

دین و باورهای دینی در طول تاریخ، جایگاه مهمی در زندگی اجتماعی و شکل دادن به اندیشه و رفتار انسان‌ها داشته‌اند. همچنین باورها و ارزش‌های دینی در پیدایش و فراز و فرود تمدن‌ها بسیار اثرگذار بوده‌اند. در این درس، شما با بررسی باورهای دینی ایرانیان در عصر باستان، تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها را تجزیه و تحلیل می‌نمایید.

باورهای کهن آریایی

دینی را اجرا می‌کردند. اقوام آریایی بر خلاف مردمان ایلام، بین‌النهرین، یونان و ...، برای خدایان خویش معابد باشکوه نمی‌ساختند. آنان اعتقاد داشتند که نفوذ و قدرت خدایانشان محدود به ناحیه و شهر خاصی نمی‌شود، بلکه تمام قلمرو گیتی را در برمی‌گیرد. آریاییان همچنین برخی عناصر طبیعی مانند آب، آتش و خاک را مقدس می‌شمردند.

چنان‌که از اساطیر کهن و مندرجات اوستا و سنگ‌نوشته‌ها برمی‌آید، اقوام آریایی مهاجر به ایران همچون آریایی‌های هند، خدایان متعددی را می‌پرستیدند و آنها را بَع (خدا/خدایگان)، آهوزَه (سرور) و آمَرتا (بی‌مرگ) می‌خواندند. آنان برای خشنودی خدایان، حیوانات را قربانی می‌کردند و سرودها و نیایش‌های گوناگونی می‌خواندند. افرادی با عنوان مَغ، مراسم و تشریفات

یک توضیح



مشهورترین خدایانی که اقوام کهن ایرانی می‌پرستیدند، عبارت بودند از: میترا، خداوند پیمان، خورشید و نظم و عدالت؛ بهرام (وَزهرام)، خدای مغلوب‌کننده دیوان و پیروزی‌بخش جنگجویان؛ آناهیتا، ایزدانوی آب؛ تیشتر (تیر)، خدای باران؛ زُرَوان، خدای زمان.

زرتشت و تعالیم او

زرتشت پیام‌آور دین زرتشتی در میان ایرانیان باستان ظهور کرد. اطلاع دقیقی دربارهٔ زمان و مکان تولد و مرگ این پیامبر ایران باستان در دست نیست. اخبار پراکنده‌ای که دربارهٔ زندگانی و سرنوشت او در کتاب اوستا و دیگر متون زرتشتیان آمده است، اغلب جنبهٔ افسانه‌ای دارد تا تاریخی. به هر حال، بیشتر پژوهشگران احتمال می‌دهند که زرتشت در قرن‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد می‌زیسته است.

تعالیم زرتشت: اساس تعالیم زرتشت بر یگانگی و پرستش آهوره‌مزدا قرار دارد. بر پایهٔ آموزه‌های زرتشت، آهوره‌مزدا، آفریدگار آسمان‌ها و زمین، خورشید، ماه و ستارگان، آب‌ها و گیاهان، روشنایی و تاریکی است. هیچ چیز از دایرهٔ قدرت و خواست او بیرون نیست. مطابق تعالیم زرتشتی، گروهی



○ نگارهٔ زرتشت در آتشکدهٔ یزد

از دیگر آموزه‌های مهم زرتشت، اعتقاد به جهان آخرت و روز واپسین است؛ روزی که دربارهٔ اعمال انسان در جهان، داوری خواهد شد. نیکان به گروه یاران اهوره مزدا خواهند پیوست و بدان به دوزخ افکنده و بردهٔ اهریمن خواهند شد. زرتشت با برخی از آداب نیایش رایج در جامعهٔ خود، که میراث دوران گذشته بود، مانند قربانی کردن و کشتار بی‌رویهٔ حیوانات به ویژه گاو مخالف بود و برگزارکنندگان آنها را نکوهش کرده است.

از موجودات الهی که آماشانپندان یا جاودانان مقدس خوانده می‌شوند اهوره‌مزدا را در امر آفرینش و ادارهٔ امور جهان یاری می‌کنند. بر پایهٔ تعالیم زرتشت، دو نیرو یا مینوی نیک و بد در جهان وجود دارد. آن کس که نیک و خیر را برگزیند، پیرو اهوره‌مزدا و آن کس که بد و شر را انتخاب کند، پیرو اهریمن شمرده می‌شود. زرتشت به پیروانش سفارش می‌کرد که مینوی نیک را برگزینند و «پندار نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» را سرمشق زندگی خود قرار دهند.

بررسی شواهد و مدارک

- ۱- «ای آفرینندهٔ بزرگ و دانا، از راه خرد و بینش و الهام، راز پدیدآمدن آفرینش را از روز ازل به من بیاموز تا حقیقت را به مردم جهان آشکار سازم». یسنا، فصل ۲۸، بند ۱۱
- ۲- «ای مردم، این حقیقت را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه‌ای روشن و ژرفبینی آنها را بررسی کنید. هر مرد و زن، راه نیک و بد را شخصاً برگزینید. پیش از فرا [رسیدن] روز واپسین همه به پا خیزید و در گسترش آیین راستی بکوشید». یسنا، فصل ۳۰، بند ۲
- ۳- «کسی که به سوی راستی و پاکی روی آورد، جایگاهش سرای روشنایی یا بهشت خواهد بود. ولی شخص دروغگو و بدکار زمانی در از، با شیون و افسوس در تیرگی به سر خواهد برد». یسنا، فصل ۳۱، بند ۲۰

فعالیت ۱

گزیده‌های بالا از سروده‌های زرتشت در کتاب اوستا را مطالعه کنید و پاسخ دهید که هریک از این گزیده‌ها ناظر بر کدام یک از اصول اعتقادی زرتشت است.



اوستا: کتاب مقدس ایرانیان باستان و زرتشتیان، اوستا نام دارد. بر پایهٔ داستان‌های باستانی، نسخه‌ای از اوستا که در زمان هخامنشیان بر پوست گاو نوشته شده بود، بر اثر آتش‌سوزی تخت جمشید به دست اسکندر مقدونی از بین رفت. چند قرن بعد، یکی از پادشاهان اشکانی به نام بلاش یکم اقدام به گردآوری اوستا نمود. به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که اوستا تا قرن‌ها به صورت شفاهی و سینه به سینه نقل می‌شده است، تا آنکه در قرن ۴ م. و در زمان شاپور دوم ساسانی به خط و زبان اوستایی نگارش یافت.



اوستای کنونی فقط شامل بخش کوچکی از اوستای کهن است. آنچه امروز از اوستا باقی مانده، دارای پنج بخش است: یسنا، ویسپَرَد، یَشت‌ها، وَندیداد و خُرده اوستا. سرودها و سخنان زرتشت با عنوان گاهان یا گات‌ها، قسمتی از یسنا را تشکیل می‌دهد و قسمت‌های دیگر اوستا را پیروان او تألیف کرده‌اند. موضوع‌های اصلی اوستا را ستایش و نیایش آهوره‌مَزدا، آمِشاسپندان، ایزدان و نکته‌هایی دربارهٔ اخلاق و آداب دینی و داستان‌های کهن ایران باستان تشکیل می‌دهند.

هخامنشیان: با اینکه سنگ‌نوشته‌ها، نوشته‌های یونانی به ویژه تاریخ هرودت و نیز کاوش‌های باستان‌شناسی، آگاهی‌های ارزشمندی دربارهٔ باورها، آداب و مراسم دینی پارسیان ارائه می‌کنند، اما پژوهشگران برجستهٔ ایرانی و غیرایرانی در خصوص پیروی هخامنشیان از دین زرتشتی، اختلاف نظر دارند. عده‌ای از آنان بر پایهٔ برخی از مندرجات سنگ‌نوشته‌ها و دیگر شواهد تاریخی، استدلال می‌کنند که هخامنشیان زرتشتی بوده‌اند و گروهی دیگر این نظر را قبول ندارند و می‌گویند، شاهان هخامنشی به باورهای کهن ایرانی اعتقاد داشته‌اند.

دین و عقاید ایرانیان باستان از دوران ماد تا ساسانیان
مادی‌ها: دربارهٔ دین مادی‌ها اخبار چندانی در دست نیست، اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد آنها آهوره‌مَزدا و برخی از خدایان کهن ایرانی همچون میترا را ستایش می‌کرده‌اند. روحانیون مادی که مُغ نامیده می‌شدند، برگزاری آیین‌های دینی از جمله خواندن نیایش‌ها و سرودها و رسم قربانی کردن را برعهده داشتند. مُغان، بعدها که به تدریج دین زرتشتی را پذیرفتند، به پیشوایان دینی جامعهٔ زرتشتی تبدیل شدند. آنان نقش مهمی در آمیختن باورهای دینی کهن خود با تعالیم زرتشت داشتند.

بررسی شواهد و مدارک

متن ۱: گزیده‌ای از سنگ‌نوشتهٔ داریوش بزرگ در کاخ آپادانای شوش

«خدای بزرگ است آهوره‌مَزدا که این زمین را آفرید که آن آسمان را آفرید که برای مردم شادی آفرید که داریوش را شاه کرد یک شاه از بسیاری....
... من آهوره‌مَزدا را پرستش می‌کنم. آهوره‌مَزدا مرا یاری داد. ... آنچه من کردم همه را به خواست آهوره‌مَزدا کردم.»

متن ۲: گزیده‌ای از سنگ‌نوشتهٔ اردشیر دوم هخامنشی در کاخ آپادانای همدان

«اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، شاه در این زمین ... این کاخ را به خواست آهوره‌مَزدا، آناهیتا و میترا بنا کردم. آهوره‌مَزدا، آناهیتا و میترا مرا از هر بدی بپایند و این را که بنا کرده‌ام خراب نکنند و از آسیب نگاه دارند.»

متن ۳: تاریخ هرودت، کتاب اول، بند ۱۳۱

«چنان که من میدانم ایرانیان این رسم‌ها را دارند؛ آنان برافراشتن تندیس خدایان و پرستشگاه‌ها و محراب‌ها را ناروا می‌دارند و کسانی را که چنین کنند، نادان می‌شمارند. زیرا چنان که من تصور می‌کنم آنان همانند یونانیان خدایان را به گونه و سرشت مردمان نمی‌انگارند، بلکه همهٔ گنبد آسمان را زئوس [هرودت، آهوره‌مَزدا را همان زئوس پنداشته] می‌نامند و بر فراز بلندترین قلّهٔ کوه‌ها [برای] او قربانی می‌کنند. آنان همچنین برای خورشید، ماه، زمین، آتش، آب و بادهای بیز (ستایش و نیایش) می‌کنند.»

فعالیت ۲

گزیده متن‌های صفحه قبل را به دقت مطالعه کنید و پس از همفکری با یکدیگر، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.
الف - شواهدی که دلالت بر زرتشتی بودن هخامنشیان می‌کنند، کدام‌اند؟
ب - هرودت به چه تفاوت‌هایی درباره باورهای ایرانیان عصر هخامنشیان با اعتقادات یونانیان باستان اشاره کرده است؟

خدایان آنان اهانت می‌کردند.

سلوکیان و اشکانیان: اسکندر مقدونی و شاهان سلوکی کوشش بسیار کردند تا زبان، فرهنگ و باورهای یونانی را در ایران ترویج کنند، اما بیشتر ایرانیان بر دین، سنت‌ها، آداب و رسوم نیاکان خود باقی ماندند. از این‌رو، در دوران سلوکیان و اشکانیان، علاوه بر اهوره‌مزدا، خدایان کهن ایرانی همچون مهر و آناهیتا هم ستایش می‌شدند. برخی از پادشاهان اشکانی به تقلید از یونانیان، معابدی را برای آناهیتا ساختند.

در قلمرو پهناور حکومت هخامنشیان، گروه‌ها و اقوام متعدد با فرهنگ و اعتقادات گوناگون زندگی می‌کردند. پادشاهان هخامنشی مردم را در پیروی از دین خود آزاد می‌گذاشتند و فرهنگ و عقاید اقوام تابع حکومت خود را محترم می‌شمردند. رفتار آزادمنشانه کورش بزرگ با مردمان مغلوب، و احترام او به دین و آداب و رسوم این مردمان در آن زمان پدیده جدیدی بود. سطرهایی از منشور کورش، به این مطلب اشاره دارد که او وقتی بابل را بدون خونریزی و غارت فتح کرد، به نیایش و ستایش مردوک، خدای بزرگ بابلیان پرداخت. در حالی که فرمانروایان آن زمان، معمولاً پس از تسخیر شهر یا کشوری، ساکنان آنجا را قتل‌عام، معابدشان را غارت و به



بقایای معبد آناهیتا در کنگاور

شاهان این سلسله به نام بلاش یکم (حکومت ۷۸-۵۱ م.) دستور داد متون پراکنده اوستا گردآوری شود. برخی از شاهان اشکانی تصویر آتشدانی را که نشانه گرایش آنان به

در اواسط دوره اشکانیان، دین زرتشتی نفوذ و گسترش چشمگیری یافت و برخی از پادشاهان اشکانی به این دین گرویده و یا از آن پشتیبانی کردند. گفته می‌شود یکی از

کیش زرتشتی بود، بر روی سکه‌های خود نقش کرده‌اند. آسپای صغیر راه یافت و در آنجا به کیشی مستقل تبدیل شد و سپس به اروپا رسید. در عهد اشکانی، ستایش ایزد مهر (میترا) به قلمرو روم در

جست و جو و کاوش

با راهنمایی دبیر خود، درباره مهرپرستی و رواج آن در آسپای صغیر و قلمرو امپراتوری روم در دوره اشکانیان تحقیق کنید.

می‌شمردند. پیروان دین مسیح هم که در معرض آزار و اذیت حکومت روم قرار داشتند، در قلمرو اشکانیان احساس امنیت و آزادی می‌کردند. آیین بودایی از آیین‌هایی بود که در آن دوره به ایران نفوذ کرد و مبلغان بودایی در سرزمین‌های شرقی حکومت اشکانی به تبلیغ اندیشه و آموزه‌های بودا می‌پرداختند. براساس گزارش یکی از مورخان چینی، شاهزاده‌ای از خاندان اشکانی برای نخستین بار کتاب‌های بودایی را به زبان چینی ترجمه کرد.

ساسانیان: درباره وضعیت دین در دوره ساسانی و سیاست

اشکانیان نیز همانند هخامنشیان حامی سیاست آزادی دینی بودند. ایرانیان و دیگر مردمانی که در سرزمین‌های تحت فرمانروایی حکومت اشکانی زندگی می‌کردند، در ستایش خدایان و انجام مراسم دینی خود، آزاد بودند. آزادی دینی اشکانیان زمینه مناسبی را برای همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان دین‌ها و عقاید مختلف فراهم آورد. از این رو، یونانی‌تبارانی که در ایران می‌زیستند، بدون هیچ مزاحمتی خدایان خود را می‌پرستیدند. مجسمه‌هایی از این خدایان در کاوش‌های باستان‌شناسی پیدا شده است. یهودیان نیز همچون دوره هخامنشی، حکومت ایران را پناهگاه مناسبی برای خود



● تندیس بودا در بامیان در شمال افغانستان کنونی که توسط طالبان تخریب شد.

دینی و اندرز نامه‌های زرتشتیان، برخی آثار مورخان مسلمان، یونانی و رومی و نیز شاهنامه فردوسی.

دینی ساسانیان، اخبار و آگاهی‌های بیشتری در دسترس است. منابع این اخبار و آگاهی‌ها عبارت‌اند از سنگ‌نوشته‌ها، نقش‌برجسته‌ها، شواهد باستان‌شناسی، سکه‌ها، کتاب‌های



● طاق بستان، آهوزه مزدا (سمت راست) هنگام اعطای حلقه قدرت به اردشیر دوم و یا به قولی شاپور دوم ساسانی، ایزد میترا (سمت چپ)

الهیات زرتشتی در دوره ساسانی

برای تصمیم‌گیری در مسائل مهم حکومتی، با موبدان مشورت می‌کردند. پس از موبدان موبد، سلسله مراتبی از روحانیان جای می‌گرفتند که عهده‌دار مسئولیت‌هایی مانند قضاوت و دادرسی، اداره آتشکده‌ها، اجرای مراسم و آداب مذهبی و تعلیم آموزه‌های زرتشتی بودند. تا آن زمان، موبدان ترجیح می‌دادند که مطالب کتاب اوستا را به حافظه بسپارند و به صورت شفاهی به دیگران منتقل کنند. ولی تحولات دینی این عصر، از جمله پیشرفت دین مسیح در قلمرو ساسانی و در گرفتن مباحثات اعتقادی میان پیروان ادیان مختلف، موجب شد موبدان برای اینکه در مقام بحث و جدل، سند و مدرک

دوره ساسانیان اهمیت بسزایی در تاریخ دین زرتشتی دارد؛ چرا که حکومت ساسانی، این دین را دین رسمی ایران اعلام کرد. با این اقدام، دین و سیاست به هم گره خوردند. از یک‌سو، پادشاهان ساسانی به پشتیبانی کامل از دین رسمی پرداختند و از سوی دیگر روحانیان زرتشتی، قدرت و حاکمیت پادشاهان ساسانی را تأیید کردند.

گسترش و رسمیت یافتن دین زرتشتی، نفوذ و قدرت روحانیان زرتشتی را به طرز چشمگیری افزایش داد. در رأس آنان، روحانی برجسته‌ای با عنوان موبدان موبد قرار داشت که از جایگاه بلندی در دربار برخوردار بود. پادشاهان ساسانی معمولاً

قابل استنادی در اختیار داشته باشند، اقدام به مکتوب کردن رغبت بیشتری داشتند. اوستای شفاهی کنند؛ هرچند همچنان به نقل شفاهی آن



● کرتیر موبد بزرگ در سنگ نگاره بهرام دوم - نقش رستم



● سکه ساسانی با نقش آتشدان

شکوهمندتر از دیگر آتشکده‌ها بودند. در عصر ساسانیان، اوستا به زبان پهلوی ترجمه و شرح و تفسیرهایی بر آن نوشته شد. همچنین کتاب‌های اعتقادی بر اساس تعالیم زرتشت به زبان پهلوی تألیف گردید. از جمله مهم‌ترین و مفصل‌ترین این کتاب‌ها باید از دینکرد، نام برد که دانشنامه‌ای مشتمل بر عقاید زرتشتی است. کتاب

در دین زرتشتی، آتش، عنصری مقدس بود و زرتشتیان با نیایش در برابر آتش، اهوره مزداراستایش می‌کردند. به همین دلیل در دوره ساسانیان آتشکده‌های بسیاری در شهرها و روستاهای ایران ساخته شد. سه آتشکده آذربایجان مهر در خراسان، مخصوص کشاورزان، آذرگشنسپ در آذربایجان، ویژه شاهان و آذر فرنبغ در فارس، خاص موبدان، بزرگ‌تر و



● آتشکده‌ای نزدیک مشهد متعلق به دوره ساسانی



● آتشکده یزد

بند هیش از جمله دیگر کتاب‌های آن دوره به شمار می‌آید. در آغاز دوره ساسانیان، پیروان دیگر دین‌های مختلف همچنان در آرامش زندگی می‌کردند؛ اما با رسمیت یافتن دین زرتشتی و نیرومند شدن موبدان، برخی گروه‌های غیرزرتشتی، همچون مانویان و مسیحیان با مسائل و مشکلاتی رو به رو شدند. مانویان، پیروان آیین مانی بودند. مانی (۲۷۴-۲۱۶ م.) با ترکیب آموزه‌هایی از دین‌های زرتشتی، مسیحی و بودایی، آیین جدیدی را عرضه کرد. او از شاپور یکم اجازه گرفت که عقاید خود را تبلیغ کند. مانی عقیده داشت که او پیامبران پیش از وی، آمده‌اند تا روح را که از دنیای نور است، از جهان مادی و تاریکی برهانند و انسان را به

رستگاری برسانند. مانی و پیروان او، کتاب‌های خود را به زبان‌های مختلف می‌نوشتند و گاه برای تفهیم مطالب، از نقاشی استفاده می‌کردند. مانی عقاید خود را در کتابی با عنوان شاپورگان نوشت و به شاپور هدیه کرد. اما این پادشاه ساسانی بر دین زرتشتی باقی ماند. موبدان به شدت با آیین مانوی مخالف بودند. آنان پس از شاپور، اقدامات خود را برای نابودی مانی و مانویان تشدید کردند. سرانجام در زمان بهرام یکم، مانی به زندان افتاد و اندکی بعد اعدام شد. پیروان او نیز که تحت تعقیب و شکنجه قرار گرفته بودند، به مناطق مرزی امپراتوری ساسانی و یا سرزمین‌های دیگر گریختند.

پرسش‌های نمونه

- ۱) اعتقادات و سیاست دینی شاهان هخامنشی چگونه بود؟
- ۲) سیاست دینی اشکانیان، چه آثار و نتایج فرهنگی و اجتماعی در پی داشت؟
- ۳) آثار و پیامدهای سیاسی و دینی رسمیت یافتن دین زرتشتی در دوران ساسانی را بررسی کنید.
- ۴) بررسی کنید که وجود آتشکده‌های سه‌گانه در دوران ساسانیان، با کدام یک از مباحث درس ۱۲ ارتباط دارد.
- ۵) تأثیر رقابت و دشمنی سیاسی میان امپراتوری‌های ساسانی و روم را بر وضعیت مسیحیان ایران شرح دهید.

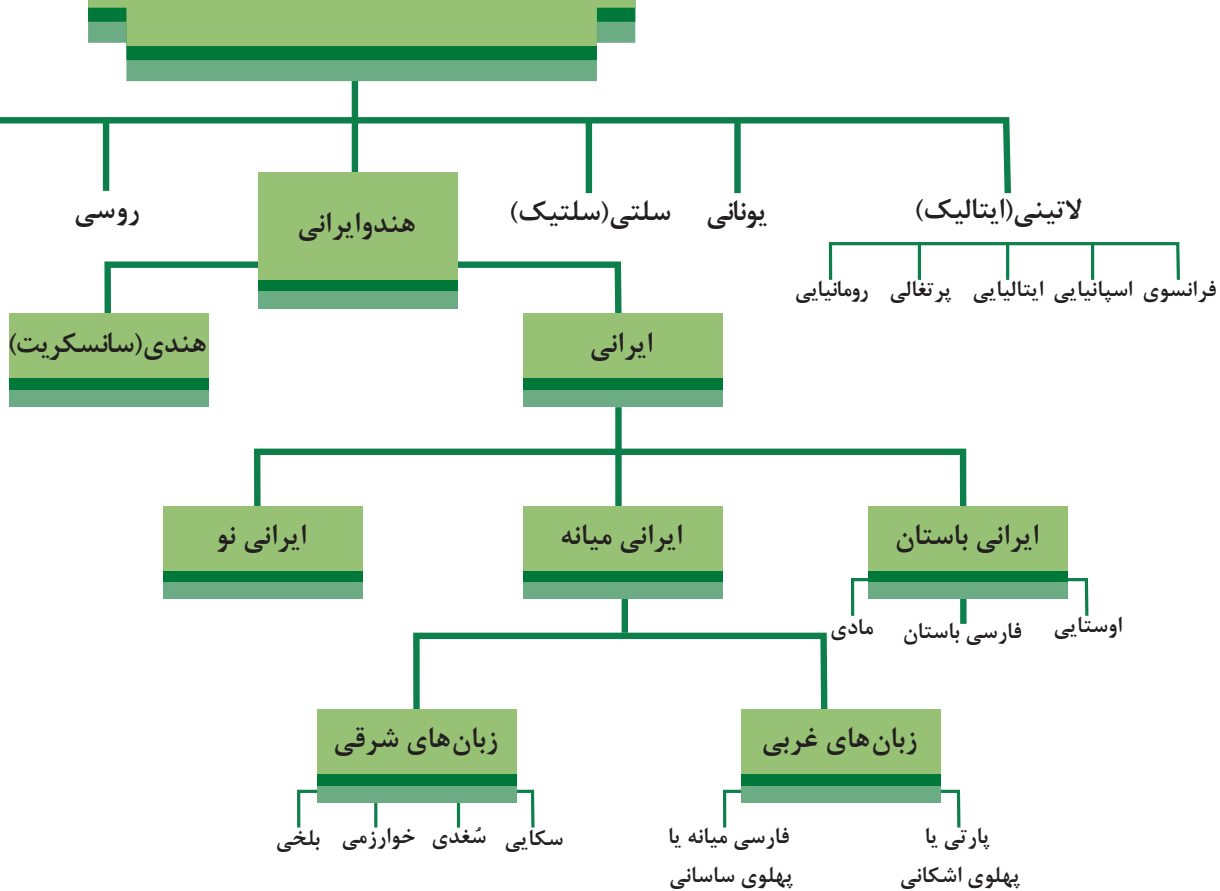
خط، زبان، علم و آموزش، ستون‌های استوار تمدن محسوب می‌شوند؛ و نقش مهمی در انتقال میراث فرهنگی و تمدنی یک جامعه به نسل‌های بعدی و ملت‌های دیگر دارند. در این درس، شما با بررسی وضعیت زبان، ادبیات و شیوه‌های تعلیم و تربیت در ایران باستان، تأثیر هر یک از این عناصر فرهنگی را بر شکوفایی تمدنی و تداوم تاریخی در آن دوره ارزیابی می‌کنید.

زبان

داشت و به‌عنوان زبان دوم نوشتاری در دوران هخامنشی از آن استفاده می‌شد. در برخی از سنگ‌نوشته‌های دوره هخامنشیان، ترجمه ایلامی نوشته‌ها نیز آمده است. علاوه بر آن، تقریباً تمامی هزاران لوح گلی کشف شده از تخت جمشید، به خط و زبان ایلامی است.

درباره زبان ساکنان اولیه ایران پیش از مهاجرت اقوام آریایی، به جز ایلامیان، اطلاعات مکتوبی وجود ندارد. زبان ایلامی، که مردمان جنوب‌غربی فلات ایران با آن سخن می‌گفتند، زبان رسمی و نوشتاری حکومت و تمدن ایلام بود. این زبان تا مدتی پس از ورود آریاییان، همچنان رواج

برخی از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی



فعالیت ۱

به نظر شما استفاده از زبان‌های ایلامی و بابلی در اسناد رسمی هخامنشیان، نشان‌دهنده کدام ویژگی حکومت هخامنشی است؟

تا کنون به سه دوره زبان‌های کهن، میانه و نو تقسیم کرده‌اند. زبان‌های کهن ایرانی از قدیمی‌ترین زمان تا پایان هخامنشیان (۳۳۰ ق.م.) در مناطق مختلف فلات ایران رواج داشته‌اند. در مآخذ باستانی به تعدادی از این زبان‌ها اشاره شده است که از میان آنها، تنها از دو زبان فارسی باستان و اوستایی آثار مکتوبی برجای مانده است.

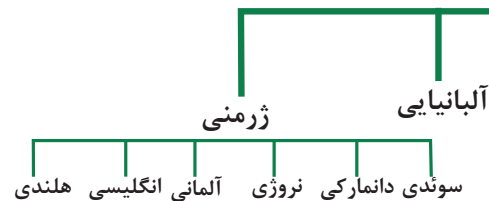
فارسی باستان، نیای زبان فارسی امروزی زبان قوم پارس بوده و در دوره هخامنشی به آن سخن می‌گفته‌اند. مهم‌ترین مدارکی که مانده، سنگ‌نوشته‌های پادشاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده‌اند. اوستایی، زبانی بوده که



• نمونه‌ای از لوح‌های گلی به خط میخی ایلامی. این خط با حدود ۱۳۰ نشانه از خط میخی اکدی اقتباس شده بود و از چپ به راست نوشته می‌شد. این خط در دوران هخامنشی همچنان رایج بود.

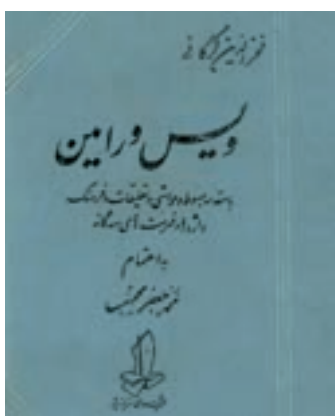


• سه سطر از سنگ‌نوشته بیستون با آوا نویسی و ترجمه.



پس از استقرار تدریجی آریایی‌ها در ایران، زبان‌ها و گویش‌های گوناگونی که شباهت‌های بسیاری به یکدیگر داشتند و زبان‌شناسان آنها را «زبان‌های ایرانی» می‌نامند، متداول شد. زبان‌های ایرانی، شاخه‌ای از گروه زبان‌های «هندوایرانی» به‌شمار می‌روند که اقوام هندی و ایرانی، پیش از جدا شدن از یکدیگر و سکونت در هند و ایران، با آن تکلم می‌کردند. شاخه هند و ایرانی نیز خود یکی از شاخه‌های گروه بزرگ «زبان‌های هند و اروپایی» به حساب می‌آید.

زبان‌های ایرانی در طول تاریخ دچار تغییر و تحول شده‌اند. زبان‌شناسان مراحل تغییر و تحول زبان‌های ایرانی را از آغاز



منظومه عاشقانه ویس و رامین، اصل و ریشه پارتی دارد.

به زبان فارسی باستان وجود داشته و مردم، آنها را از حفظ می‌خوانده‌اند. از آن جمله است، «هزار افسان» که داستان مشهور «هزار و یک شب» بر اساس آن شکل گرفته است. از دوره اشکانیان نیز تقریباً هیچ نوشته ادبی به زبان و خط پارتی بر جا نمانده است؛ اما شواهد بسیاری دلالت بر وجود ادبیات شفاهی پُرباری در آن دوره دارد. در زمان حکومت اشکانی، نقل داستان‌های ملی و پهلوانی، رواج فراوان یافت و شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گردی که به گوسان‌ها معروف بودند، با شور و هیجان بسیار، این داستان‌ها را از حفظ برای مردم می‌خواندند. در حقیقت، این گوسان‌ها بودند که داستان‌های ملی و پهلوانی را سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل کردند. این داستان‌ها بعدها در تدوین خدای‌نامه‌ها و سرودن شاهنامه توسط فردوسی مورد استفاده قرار گرفتند. سنت نقلی و قصه‌گویی حتی پس از تدوین خدای‌نامه و شاهنامه، همچنان در ایران تا دوران معاصر ادامه یافته است.

مردمان بخشی از نواحی شرقی ایران به آن سخن می‌گفته‌اند؛ کتاب دینی زرتشتیان، اوستا، به آن زبان نوشته شده است. از این زبان جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن، اثر دیگری بر جا نمانده است.

زبان‌های ایرانی دوره میانه، تقریباً از زمان سقوط هخامنشیان تا فروپاشی حکومت ساسانیان (۶۵۱ م. / ۳۱۰ ق.) و حتی قرون نخستین اسلامی در مناطق مختلف ایران متداول بودند. از این گروه زبان‌ها آثار بیشتری به جا مانده است.

زبان پارتی یا پهلوی اشکانی، در مناطق شمال و شمال‌شرق ایران متداول بود و زبان رسمی و درباری حکومت اشکانیان به شمار می‌رفت. زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی که دنباله زبان فارسی باستان به حساب می‌آید، در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران رایج بود و زبان رسمی و درباری حکومت ساسانی شمرده می‌شد. زبان‌های ایرانی نو، به زبان‌هایی گفته می‌شود که در دوران اسلامی به تدریج در مناطق مختلف ایران رواج یافتند.

ادبیات

در ایران باستان، نقل شفاهی داستان‌ها و تعالیم دینی و ادبی، بر کتابت و نوشتن ترجیح داده می‌شد. از این‌رو، نوشتن متن‌های ادبی و دینی، چندان معمول نبود و تنها اسناد مربوط به سیاست و تا حدودی اقتصاد را کتابت می‌کردند. مورتخان یونانی به داستان‌های حماسی و عاشقانه مادی و نیز برخی اشعار آن دوره اشاره کرده‌اند که به صورت شفاهی نقل می‌شده است. از گزارش‌های همین مورتخان معلوم می‌شود که در زمان هخامنشیان، قصه‌های متعددی

فعالیت ۲

به نظر شما چه ارتباطی می‌تواند میان گسترش داستان‌های حماسی و پهلوانی با شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر اوایل دوران حکومت اشکانیان، وجود داشته باشد؟

به نظر برخی از زبان‌شناسان، منظومه‌های داستانی «درخت آسوریک» و «یادگار زیران» که به خط و زبان

آموزش

ایرانیان باستان به تعلیم و تربیت و پرورش فرزندان دانا، پرهیزگار، دلیر، بردبار، فرمانبر و سخت‌کوش توجه جدی داشتند. آیین و فرهنگ ایرانی نیز، بر اهمیت تربیت و ارزش دانایی و خردورزی تأکید می‌کرد. آموزش و پرورش در ایران باستان ابعاد گسترده‌ای داشت و شامل تربیت جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، دینی، شغلی و حرفه‌ای می‌شد.

درباره وضعیت تعلیم و تربیت در دوران پیش از ساسانیان اطلاعات کامل و دقیقی در دست نداریم. گزارش و آگاهی‌های پراکنده‌ای که در آثار نویسندگان یونانی معاصر با هخامنشیان آمده است، بیشتر بازتاب دهنده شیوه تعلیم و تربیت فرزندان خاندان شاهی و درباریان است؛ ولی از دوره ساسانیان، به دلیل باقی ماندن آثار و منابع مکتوب متعدد، اطلاعات قابل توجهی درباره وضعیت و شرایط تعلیم و تربیت وجود دارد.

بررسی شواهد و مدارک

متن ۱: «ای اهوره‌مزدا، فرزندی به من ارزانی فرما که با تربیت و دانا باشد و به وظیفه خود عمل نماید. فرزند دلیری که نیاز دیگران را برآورد، فرزندی که بتواند در ترقی و سعادت خانواده، شهر و کشور خود بکوشد.» (خرده اوستا، ص ۱۳۴)

متن ۲: هرودت می‌نویسد: «سن تربیت در میان پارسیان بین پنج تا بیست و پنج است و سه چیز را به فرزندان خویش می‌آموزند: اسب‌سواری، تیراندازی و راست‌گویی.»

متن ۳: در برخی اندرزنامه‌هایی که به خط و زبان پهلوی ساسانی باقی مانده، مطالب ارزشمندی درباره آموزش و پرورش دوره باستان وجود دارد. گزیده‌ی یکی از آن اندرزنامه‌ها که حاوی پرسش‌هایی در موضوع اهداف تعلیم و تربیت است، با اندکی تلخیص نقل می‌شود:

«هر مردم که به سن پانزده رسد، پس او را این چند چیز بیاید دانستن که: کیم؟ و خویش کیم؟ و از کجا آمده‌ام؟ و باز به کجا شوم؟ و از کدام پیوند و ریشه‌ام؟ وظیفه و تکلیفم در گیتی چیست؟ از مینو آمده‌ام یا به گیتی بوده‌ام؟ انسان هستم یا دیو؟ دینم کدام است؟ سود و زیانم چیست؟ دوست و دشمنم کیست؟».

فعالیت ۴

الف - هر کدام از متن‌های شماره ۱، ۲ و ۳ به کدام یک از ابعاد تعلیم و تربیت اشاره می‌کنند؟
ب - با همفکری بگویید متن شماره ۳، شما را به یاد کدام یک از شعرهای مولانا می‌اندازد؟ دیوان غزلیات شمس را به کلاس بیاورید و آن شعر را بخوانید.

آموزش و پرورش اغلب در خارج از خانه و در مدرسه و یا آموزشگاه انجام می‌گرفت. به نظر بسیاری از محققان، در عهد باستان و مخصوصاً در زمان ساسانیان، تنها فرزندان خاندان شاهی، درباریان، اشراف و موبدان می‌توانستند به مدرسه بروند و تحصیل

تعلیم و تربیت در چندین مرحله انجام می‌گرفت. کودکان تا پنج یا هفت سالگی در درون خانواده، پرورش می‌یافتند و مادران نقش مهمی در آشنایی فرزندان خود با آداب و رسوم خانوادگی، اجتماعی، دینی و میهنی و آموختن راه و رسم پسندیده زندگی به آنان داشتند. مراحل بعدی



از عصر ساسانی، بعضی متن‌های آموزشی به زبان پهلوی باقی مانده است، مانند اثری به نام **گزارش شطرنج** که راهنمای تعلیم بازی شطرنج و نرد در قالب یک قصه خیالی است؛ **آیین نامه نویسی** که راهنمای نوشتن نامه‌های حکومتی به مقامات و افراد مختلف بوده است؛ و **سور سخن** که راهنمای سخن گفتن در جشن‌ها و مهمانی‌هاست.

صاحب منصبان حکومتی زیر نظر مرتبان، انواع ورزش‌ها از جمله سوارکاری را فرا می‌گرفتند.

علوم و مراکز آموزش عالی

اگرچه در ایران باستان با نام فیلسوفان و دانشمندان مشهوری همچون افلاطون، ارسطو و بقراط رو به رو نمی‌شویم، اما از مندرجات اوستا، شاهنامه، کتیبه‌ها و گزارش‌های تاریخ‌نویسان یونانی و رومی، می‌توان استنباط کرد که دانش و فرهنگ ایرانیان در سطح بالایی بوده است.

در کتاب اوستا مطالب گوناگونی درباره ارزش دانش و بزرگداشت دانشمندان وجود دارد. در این کتاب، فصلی به دانش، اختصاص یافته و در آن مطالبی درباره پزشکی، دامپزشکی، ستاره‌شناسی، حکمت، امور اجتماعی و حقوقی و علوم طبیعی بیان شده است.

همچنین ایران در دوران هخامنشیان، مرکز دانش‌ها و مبادلات فرهنگی بین کشورهای متمدن زمان بود و علوم و فنون بین‌النهرین، مصر، ایلام، هند و آسیای صغیر که جزو قلمرو این شاهنشاهی بودند، با دانش‌های ایرانی آمیخته شدند. مندرجات کتیبه‌ها و پاره‌ای از گزارش‌های مورخان یونانی، به روشنی نشان می‌دهد که خاندان هخامنشی، پشتیبان و مشوق جدی دانش و هنر بوده‌اند.

پیشرفت علمی و فرهنگی ایران در دوره ساسانی، به مراتب بیشتر از دوره‌های قبل بود. شهریاران ساسانی به نشر علوم و بزرگداشت دانشمندان و رفاه حال آنان، علاقه و توجه زیادی داشتند. ایرانیان همواره علاقه‌مند بودند که از دانش و دستاوردهای علمی مردم دیگر سرزمین‌ها استفاده کنند.

کنند؛ اما برای فرزندان توده مردم از قبیل کشاورزان، پیشه‌وران و صنعتگران، این امکان فراهم نبود که در مدارس و آموزشگاه‌های آن دوره درس بخوانند. اینان به‌طور معمول، حرفه پدران خود را می‌آموختند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از گروه‌های اجتماعی مانند پیشه‌وران و بازرگانان در ایران باستان، مخصوصاً در دوره ساسانیان، تلاش می‌کردند تا فرزندانشان بتوانند در مدرسه تحصیل کنند.

بنا به نوشته کریستن سن، نویسنده کتاب «ایران در زمان ساسانیان»، گروه بسیاری از بازرگانان شهرها، دست‌کم، خواندن، نوشتن و حساب می‌دانسته‌اند.

قسمتی از برنامه‌های آموزشی و مواد درسی مدارس و آموزشگاه‌ها از قبیل آموختن اصول دین زرتشتی، فراگیری آداب و رسوم دینی و میهنی و مختصری خواندن و نوشتن، همگانی بود. علاوه بر آن، برای گروه‌های مختلف، آموزش‌های ویژه‌ای نیز وجود داشت. مثلاً شاهدگان و فرزندان صاحب‌منصبان سیاسی و نظامی، به فراگیری دانش‌های سیاسی، کشورداری، فنون رزمی و گاهی زبان‌های خارجی می‌پرداختند؛ فرزندان موبدان، تعلیمات دینی و اوستایی را آموزش می‌دیدند و فرزندان دبیران نیز خط، زبان، ادبیات و حساب را می‌آموختند.

در دوران ساسانی، آموزگاری به عنوان یک شغل رسمی به موبدان اختصاص داشت. آنان بر معارف دین زرتشتی، ادبیات پهلوی و برخی دیگر از علوم زمان خود تسلط داشتند. اداره آموزشگاه‌ها و مدارس نیز، عموماً در اختیار موبدان بود. با این حال، کودکان و جوانان خاندان شاهی و

بررسی شواهد و مدارک

اندرز اردشیر به مردم در شاهنامه

دگر آنکه دانش مگیرید خوار	اگر زبردستید اگر شهریار
...	
زمانی میاسای از آموختن	اگر جان همی‌خواهی افروختن
چو فرزند باشد به فرهنگ‌دار	زمانه ز بازی بر او تنگ‌دار

کنونی، در استان خوزستان قرار داشته است. در دانشگاه جندی‌شاپور، دانش‌های مختلفی مانند پزشکی، فلسفه، نجوم و الهیات تدریس می‌شد، اما پزشکی بیش از سایر رشته‌ها رونق و پیشرفت داشت و پزشکانی از ایران، هند و یونان در آنجا مشغول به کار بودند. این دانشگاه همچون دانشگاه‌های امروزی، دارای بیمارستانی بود که دانشجویان در کنار آموزش‌های نظری، در آنجا به صورت عملی با درمان بیماران آشنا می‌شدند. دانشگاه جندی‌شاپور تا قرون نخستین اسلامی به فعالیت خود ادامه داد.

از این‌رو، در زمان فرمانروایی خسرو انوشیروان، مبادلات فرهنگی با هند و روم گسترش یافت و در نتیجه آن، جنبش علمی‌نیرومندی در ایران پدید آمد. انوشیروان علاقه زیادی به مباحث فلسفی و دینی نشان می‌داد. او ضمن پناه دادن به تعدادی از فیلسوفان یونانی که بر اثر تنگ‌نظری امپراتور روم، به ایران پناهنده شده بودند، با آنان به گفت‌وگوی علمی پرداخت.

دانشگاه جندی‌شاپور: یکی از برجسته‌ترین مراکز علمی جهان باستان، دانشگاهی بود که در عصر ساسانی در شهر جندی‌شاپور پدید آمد. این شهر در حوالی دزفول

پرسش‌های نمونه

- چهار مورد از مهم‌ترین زبان‌های ایرانی دوران باستان را فهرست کنید و دلیل اهمیت هر یک از آنها را بیان کنید.
- به نظر شما چرا آثار ادبی مکتوبی از دوران هخامنشیان و اشکانیان بر جا نمانده است؟ (دو دلیل ذکر نمایید)
- گوسان‌ها، چه نقش فرهنگی‌ای در تاریخ ایران در عصر اشکانیان داشتند؟
- مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت در ایران باستان چه بوده است؟
- با توجه به مطالبی که در درس ۱۲ در باره ویژگی‌های نظام طبقاتی عصر ساسانی خواندید، چه ارتباطی میان این نظام با آموزش و تحصیل وجود داشته است؟

هنر و معماری، نه فقط جلوه‌گاه ذوق و ظرافت و حس زیبایی‌شناسی هنرمندان است، بلکه مَعْرِفِ اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌های مورد قبول جامعه نیز هست. در این درس، شما با بررسی وضعیت هنر و معماری ایران در عصر باستان، ویژگی‌های برجسته آن و خلاقیت‌ها و ابتکارات ایرانیان در این عرصه را شناسایی و ارزیابی می‌نمایید.



● محوطه باستانی هگمتانه (همدان)

تاریخی به‌دست آمده، امروزه زینت‌بخش موزه‌های ایران و جهان است.

یکی از ویژگی‌های مهم هنر و معماری هخامنشی، تأثیرپذیری از دستاوردهای هنری اقوام و ملت‌های تابع آن حکومت بود که پیشینه تمدنی درخشانی داشتند. پادشاهان هخامنشی به‌طور گسترده از مهارت و استادی هنرمندان و معماران سرزمین‌های قلمرو تحت فرمان خود استفاده می‌کردند. در این دوره، تجربیات و سبک‌های هنری اقوام غیرایرانی با شیوه‌های بومی ترکیب شد و هنری به‌وجود آمد که کاملاً تازگی داشت و روح هنر ایرانی بر آن حاکم بود.

دیگر ویژگی شاخص هنر و معماری دوره هخامنشی، درباری بودن آن بود، به این معنی که شکوه شاهانه و تشریفات و تجملات درباری را به نمایش می‌گذاشت. در واقع، بخش عمده آثار هنری شاخص و ساختمان‌های مجلل، به‌خواست شاهان و درباریان و برای زندگی تجملاتی و تشریفات آنان به‌وجود آمد.

مادی‌ها

از دوره مادی، آثار هنری مختلفی شامل اشیای زرین و سیمین و ظروف سفالی به‌دست آمده که نشان می‌دهد هنرمندان مادی در فلزکاری، جواهرسازی و سفالگری مهارت در خور توجهی داشته‌اند. بدون شک، هنر مادی متکی بر تجربیات و دستاوردهای هنری بومیان غرب فلات ایران بوده است که قرن‌ها پیش از مادی‌ها در این منطقه می‌زیسته‌اند و صاحب تمدن درخشانی بوده‌اند. دستاوردهای حکومت مادی در عرصه معماری نیز قابل توجه است. در این دوره، قلعه‌ها، کاخ‌ها و شهرهایی ساخته شد. مادی‌ها در قلعه‌سازی تبحر زیادی داشتند و برای مقابله با دشمنان خارجی خود به ویژه آشوریان، قلعه‌های مستحکمی ساختند. پایتخت مادی‌ها شهر **هگمتانه**، همدان امروزی، بود که یونانیان به آن اکباتان می‌گفتند. این شهر از هفت قلعه تو در تو تشکیل شده بود که هر قلعه رنگ نمادین خاصی داشت. از دیگر شهرهای این دوره، می‌توان بیستون، اسپدانه (اصفهان) و کنگاور را نام برد.

هخامنشیان

در دوران هخامنشی، هنر و معماری ایران به سبب ثبات و آرامش، رونق اقتصادی و حمایت پادشاهان، به اوج شکوفایی رسید. از سرزمین‌های پهناور حکومت هخامنشی به ویژه پاسارگاد، تخت جمشید و شوش، آثار قابل توجهی از معماری، هنرهای تزئینی وابسته به معماری، نقش برجسته‌های سنگی و شاهکارهای مهم هنری دیگر برجا مانده است. نمونه‌هایی از آثار سفالین، فلزی، سنگی و مانند آنها که از این مکان‌های

در پاسارگاد، نخستین پایتخت هخامنشی برپا شدند. این مجموعه شامل کاخ شاهی و آرامگاه کوروش هخامنشی بود. به نوشته مورخان یونانی، این ساختمان‌ها در میان باغ بسیار زیبایی قرار داشته‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های هنر هخامنشی، طبیعت‌گرایی یا به عبارت دیگر، استفاده و تقلید از عناصر موجود در طبیعت مانند حیوانات و گیاهان در آثار هنری‌شان است. **معماری:** مهم‌ترین بناهای دوره هخامنشیان شامل آرامگاه‌ها، کاخ‌ها، آتشگاه‌ها و دیگر ساختمان‌های عمومی است. قدیمی‌ترین بناهای این دوره که آثاری از آنها برجا مانده،



بقایای کاخ کوروش - پاسارگاد



طرحی از کاخ کوروش - پاسارگاد (مأخذ: هفت‌رخ فرخ ایران)

مستند پاسارگاد 

یک توضیح

هنر باغ‌آرایی: باغ ایرانی، جلوه‌ای از خلاقیت و علاقه‌مندی به طبیعت هخامنشیان به درخت‌کاری و باغ‌سازی اهمیت فراوان می‌دادند. در آن زمان، باغبانان خلاق و با ذوق ایرانی، باغ‌ها یا پردیس‌های بزرگ و زیبایی ساختند که مشهورترین آنها در پاسارگاد و شوش بود. شیوه باغ‌آرایی یا پردیس‌سازی ایرانی در دنیای باستان از شهرت فراوان برخوردار بود و یونانیان و رومیان از آن تقلید می‌کردند. در دوران اسلامی، شیوه باغ‌سازی ایرانی، از شمال هندوستان در شرق تا شمال آفریقا در غرب نفوذ کرد و به اروپا راه یافت.

دوران داریوش یکم، اوج شکوه و عظمت معماری ایران است. این پادشاه در ابتدای حکومتش دستور داد کاخی بزرگ به نام آپادانا در شهر شوش به عنوان پایتخت اداری حکومت هخامنشی ساخته شود. در لوح سنگی یادبودی که در کاخ آپادانا کشف شده، داریوش بزرگ تأکید می‌کند که این بنای مجلل را با گرد آوردن بنّایان و کارگران ماهر و مصالح ساختمانی عالی، از سراسر امپراتوری ساخته است.

بررسی شواهد و مدارک

داریوش شاه گوید: «این کاخ که در شوش برپا ساختم، تزئیناتش از مسافت‌های دور آورده شد... الوار درخت سدر از لبنان حمل شد. سنگ گران‌بهای لاجورد و عقیقی که در اینجا به کار رفته، از سغدینا آورده شد. سنگ گران‌بهای فیروزه از خراسان آورده شد که اینجا تراش خورد کارگرانی که سنگ را تراش دادند، ایونیایی و ساردی (هر دو واقع در آسیای صغیر) بودند. زرگرانی که طلاکاری کردند، مادی و مصری بودند. مردانی که درودگری کردند، ساردی و مصری بودند. مردانی که آجر پخته درست کردند، بابلی بودند. مردانی که دیوار را زینت‌کاری کردند، مادی و مصری بودند... داریوش شاه گوید: در شوش کاری بسیار بزرگ شد. اهوره‌مزدا، مرا حمایت کند».

فعالیت ۱

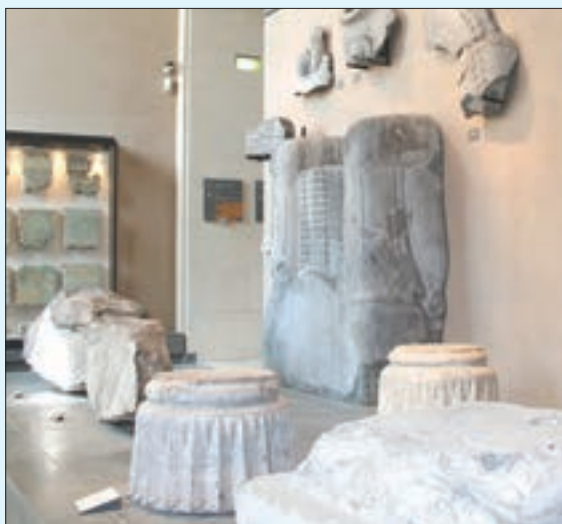
الف - محتوای این سنگ‌نوشته، کدام ویژگی هنر و معماری هخامنشی را نشان می‌دهد؟ برای پاسخ خود دلیل بیاورید.
 ب - مکان‌هایی را که در این سنگ‌نوشته ذکر شده، بر روی نقشه هخامنشیان در درس ۹، نشان دهید.
 پ - به نظر شما چرا داریوش یکم بر مشارکت معماران، هنرمندان و کارگران از سرتاسر قلمرو هخامنشی در بنای کاخ تأکید می‌نماید؟

یک توضیح



میراث تمدنی ما در زیر ضربات پتک

در سال ۱۸۸۰ م. گروهی از باستان‌شناسان فرانسوی، کاخ آپادانای شوش را از دل خاک بیرون کشیدند و ستون‌ها و سرستون‌های کاخ را بردند و به فرانسه منتقل کردند و امروزه در شوش، فقط چند پایه ستون وجود دارد. بیشتر اشیای خارج شده از این مکان تاریخی، اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شوند. ژان دیولافوا، باستان‌شناس فرانسوی در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «دیروز گاو سنگی بزرگی را که در روزهای اخیر پیدا شده با تأسف تماشا می‌کردم، در حدود دوازده هزار کیلو وزن دارد. تکان دادن چنین توده عظیمی غیرممکن بود. بالاخره نتوانستم به خشم خود مسلط شوم، پتکی به دست گرفتم و به جان حیوان سنگی افتادم. ضرباتی وحشیانه به او زدم. سر ستون در نتیجه ضربات پتک، مثل میوه رسیده از هم شکافت». (سفرنامه دیولافوا).



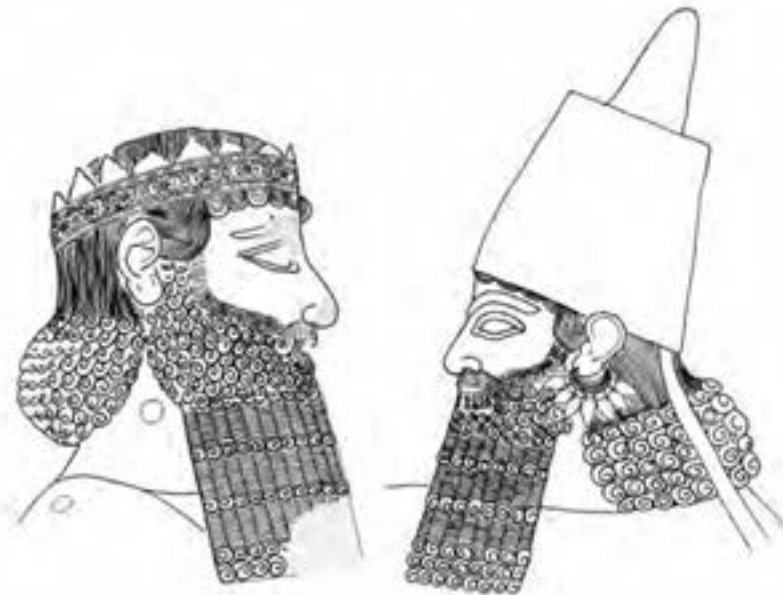
قسمت‌های باقی مانده از کاخ آپادانا - موزه لوور - پاریس

آرامگاه‌ها، به زیبایی هرچه تمام‌تر کنده‌کاری شده‌اند. نقش و نگارهای کنده‌کاری شده بر روی سنگ، اغلب عبارت‌اند از: پیکره پادشاه و ملازمان او به هنگام پیروزی بر دشمنان و یا بارعام، پیکره حیوانات واقعی و افسانه‌ای و همچنین نمادهای و نشانه‌های دینی. در نقش برجسته‌های صخره‌ای آن زمان، اهوره‌مزدا به شکل نمادین حلقه‌ای بال‌دار در حال پرواز بر بالای سر پادشاه، نمایان است.

پژوهشگران با مقایسه نقش برجسته‌های دوره هخامنشی با دوران پیش از آن، دریافته‌اند که سنگ‌تراشان هنرمندی که در خدمت هخامنشیان بوده‌اند، از نقش برجسته‌های بین‌النهرین و به‌ویژه نقش برجسته‌های آشوری، الهام و الگو گرفته‌اند.

عظیم‌ترین مجموعه ساختمانی و شاهکار معماری جهان باستان، یعنی تخت جمشید نیز به دستور داریوش یکم و جانشینانش، همچون کاخ آپادانای شوش، با مشارکت گروه کثیری از معماران، بتایان، هنرمندان و کارگران و نیز با گردآوری مصالح ساختمانی از سرتاسر قلمرو هخامنشی، برپا گردید.

سنگ‌نگاره‌ها: تصمیم بر ایجاد بناها، و به عبارت دیگر، ثبت رویدادها و اقدام‌های شاهان به وسیله کنده‌کاری نقش‌ها بر دیوارهای سنگی یا صخره‌های کوهستانی، در کشور ما پیشینه‌ای کهن دارد. از دوران هخامنشیان نقش برجسته‌های سنگی فراوانی باقی مانده که به وضوح، مهارت، ذوق و ظرافت هنرمندان سنگ‌تراش آن زمان را نشان می‌دهد. برخی از این نقش برجسته‌ها بر سینه صخره‌ای کوه‌ها و بسیاری دیگر از آنها بر روی دیوار بناهای حکومتی به ویژه کاخ‌ها و



● سمت راست سردیس آشوربانیپال که براساس نقش برجسته کاخ نینوا ترسیم شده و سمت چپ سردیس داریوش یکم که براساس نقش برجسته‌های بیستون و تخت جمشید ترسیم شده است.

فعالیت ۲

به تصویر بالا دقت نمایید، چه شباهت‌هایی در آنها می‌بینید؟ از این شباهت‌ها چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

هخامنشیان را می‌توان در فلزکاری‌های نفیس و جواهرات ممتازی یافت که اختصاصاً برای پادشاه و درباریان‌ش ساخته شده‌اند. انواع گوناگونی از تکوک (ریتون) و دیگر ظرف‌های طلایی، نقره‌ای و مفرغی مزین به نقش‌های مختلف و نیز زیورآلات، از آن دوران کشف شده است.

از دوران هخامنشیان، شماری تندیس یا مجسمهٔ جانوری در تخت جمشید و شوش یافت شده است؛ تنها تندیس انسانی باقی‌مانده که بزرگ‌تر از اندازهٔ طبیعی ساخته شده، پیکرهٔ بدون سر، متعلق به داریوش یکم است که در شوش از زیر خاک بیرون آورده شده است.

فلزکاری و جواهرسازی: ظریف‌ترین آثار هنری دوران



● مجموعه‌ای از آثار هنری ایران از دورهٔ ایلام تا ساسانی (مأخذ: هفت‌رخ فرخ ایران)

عدهٔ زیادی از یونانیان به میهن ما مهاجرت کردند و سکونتگاه‌ها و شهرهای جدیدی را بر پایهٔ اصول معماری یونانی پی افکندند. اشکانیان که در پی سلوکیان قدرت را به‌دست گرفتند، در آغاز، دنباله‌رو دستاوردهای فرهنگی و هنری یونانیان بودند، اما به تدریج از نفوذ فرهنگ، هنر و معماری یونانی در ایران کاسته شد.

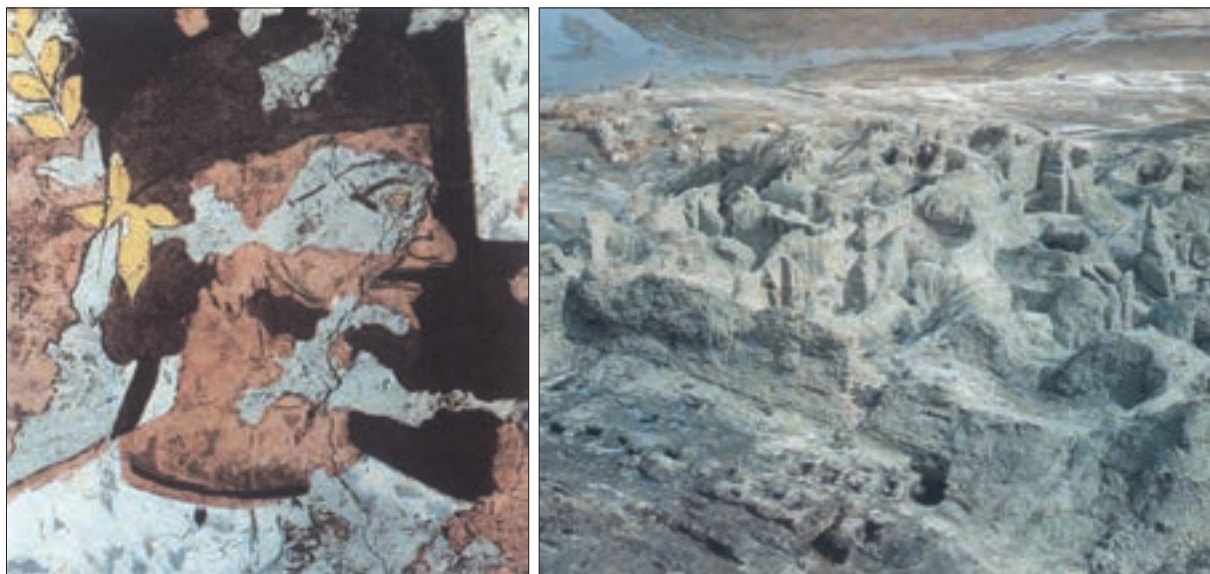
معماری و شهرسازی: در دوران اشکانیان، شهر و شهرنشینی گسترش قابل توجهی یافت.

بافندگی: از پارچه‌ها و دیگر بافته‌های عصر هخامنشی به جز قالی پازیریک چیزی باقی نمانده، اما جامه‌های پُر نقش و نگار و تزیین شدهٔ پادشاه و سپاهیان‌ش در نقش برجسته‌ها، نشان می‌دهد که هنر بافندگی در اوج قرار داشته است. بی‌شک، تالارهای بزرگ کاخ‌های پادشاهان در شوش و تخت جمشید با قالی‌ها و منسوجات نفیس و مرغوبی، مفروش بوده است.

اشکانیان

سلوکیان تمام تلاش خود را برای گسترش فرهنگ، هنر و معماری یونانی در ایران به کار گرفتند. در آن زمان،

از آثار برجسته معماری دوران اشکانیان می‌توان به بقایای شهر نسا، صد دروازه (دامغان)، معبد آناهیتا در شهر کنگاور در استان کرمانشاه، کوه خواجه سیستان و کاخ شهر هترا (الحضر) در نزدیکی موصل در کشور عراق اشاره کرد.



● بقایای بناهای کوه خواجه و نقاشی دیواری آن - سیستان - دوره اشکانی



● تزیینات معماری - دوره اشکانی

دوران اشکانیان به شمار می‌روند. در این دوره، سفال‌ها نقش و طرح متنوع و گوناگون نداشتند، اما دارای لعابی، اغلب سبز رنگ بودند.

مصالح ساختمانی در این دوره بیشتر شامل خشت، آجر، سنگ تراشیده و تراشیده است. ساخت بناهای طاق دار، گنبدی و دارای ایوان، از ویژگی‌های معماری دوران اشکانیان به‌شمار می‌رود. هنر گچ‌بری در زمان اشکانیان رواج یافت و در بناهای کوه خواجه، به نهایت ظرافت رسید. آرایه دیگری که در معماری اشکانی رواج داشته، نقاشی دیواری است.

پیکرسازی: هنر مجسمه‌سازی در دوره اشکانیان، متأثر از هنر یونانی رونق گرفت و مجسمه‌سازان آثار متعددی پدید آوردند. برجسته‌ترین این آثار، پیکره برنزی شاهزاده اشکانی است.

از دوران اشکانی، نقش برجسته‌هایی باقی مانده، اما از نظر فنی و هنری در سطح نقش برجسته‌های هخامنشی و ساسانی نیستند.

سفالگری، فلزکاری و جواهرسازی، از دیگر هنرهای رایج



• ظروف فلزی و سفالی دوره اشکانیان

ساسانیان

برابری می‌کرد و گاه بر آن برتری داشت. هنر ساسانی ریشه در هنرهای کهن ایران و نیز هنر دوران هخامنشی و اشکانی داشت و حتی از هنر یونانی و رومی نیز تأثیر پذیرفته بود. پس از سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران، هنر اسلامی، تأثیر بسزایی از هنر ساسانی پذیرفت.

حکومت ساسانی نیز همچون حکومت‌های پیشین و بلکه بیشتر از آنها، به هنر و هنرمندان اهمیت می‌داد. بر اثر توجه حکومت ساسانی به هنر و پشتیبانی آنان از هنرمندان، هنری پدید آمد که به لحاظ عظمت و شکوه، با هنر روم



• بقایای طاق کسری (کاخ تیسفون)

دوران اسلامی شد و حتی معماران اروپایی نیز آن را تقلید کردند. در دوره ساسانی برای تزیینات داخلی کاخ‌ها و بناها از روش‌های گوناگونی مانند موزاییک‌کاری، نقاشی دیواری، گچ‌بری و نقش برجسته استفاده می‌شد.

آتشکده‌های متعددی هم که در این عصر در مناطق مختلف ایران ساخته می‌شد، به شکل گنبد چهارطاقی بود و آتش مقدس در درون آن نگهداری می‌شد.

در طی حدود چهار قرن فرمانروایی سلسله ساسانیان بر ایران، شهرهای متعددی در گوشه و کنار کشور، به خصوص در فارس و خوزستان به فرمان پادشاهان این سلسله برپا گردید. طرح و نقشه شهرهای ساسانی همچون شهرهای اشکانی به شکل دایره بود.

معماری و شهرسازی: معماری و شهرسازی در دوره ساسانیان پیشرفت چشمگیری کرد. مهم‌ترین آثار معماری این دوره را کاخ‌ها، آتشکده‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، قلعه‌ها و بندها (سدها) تشکیل می‌دهند.

معماری ساسانی با بنای کاخ اردشیر در فیروزآباد فارس (گور) آغاز شد و با ساخت کاخ تیسفون به اوج رسید. کاخ تیسفون که از آن به عنوان یکی از باشکوه‌ترین و زیباترین بناهای ساسانی یاد می‌شود، در کنار رود دجله ساخته شد. طاق یا ایوان کسری، بخشی از آن کاخ بود. از جمله ویژگی‌های برجسته معماری آن دوره، کاربرد وسیع گنبد، ایوان و طاق در ساخت بناها به ویژه کاخ‌ها بود. معماران چیره‌دست ایرانی در آن زمان، فنون و مهارت‌های ساخت گنبد را چنان توسعه و ترقی دادند که سبک کار آنان، الگویی برای معماران در



● عکس هوایی از بقایای شهر فیروزآباد (گور)



● نمونه بازسازی شده تصویر سمت چپ (مأخذ: هفت‌رخ فرخ ایران)

مستند شهر گور 

باقی مانده است که اکثر آنها در فارس، زادگاه خاندان شاهی قرار دارند. محتوا و مضمون اغلب این نقش‌ها، اعطای منصب شاهی از سوی اهوره‌مزدا به شاه و صحنه‌هایی از پیروزی‌های شاهان بر دشمنانشان است.

سنگ‌نگاره‌ها: هنر کنده‌کاری بر روی دیواره‌های سنگی و صخره‌ها، بار دیگر در دوره ساسانیان اوج گرفت و هنرمندان پیکرتراش، استعداد و نبوغ خود را به نمایش گذاشتند. از دوران ساسانی نقش‌برجسته‌های فراوان و در مقیاس بزرگ

نقاشی و نگارگری: در دوران ساسانی، هنر نقاشی و نگارگری در ایران رونق و رواج چشمگیری یافت و نقاشان ایرانی در ترسیم نقوش گل و گیاه، جانوران و انسان، مهارت فراوانی از خود نشان دادند. نقش و نگارهای نقاشان ایرانی در عهد ساسانی، الهام‌بخش هنرمندان دوران بعد، به ویژه دوره اسلامی بود.

معروف‌ترین نقش برجسته دوره ساسانی، مجموعه طاق بستان است که دو طاق سنگی بزرگ و کوچک نقش‌دار و یک نقش برجسته بدون طاق را شامل می‌شود. آنچه این مجموعه را به طاق بستان معروف کرده، طاق بزرگ است که شکارگاه خسرو پرویز را در دیواره‌های داخلی طاق نشان می‌دهد.

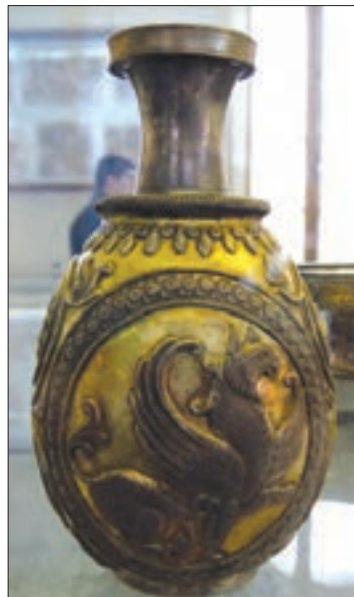
یک توضیح



مانی بنیان‌گذار آیین مانوی، نقاش ماهری بود. او با استفاده از هنرهای نقاشی آیین خود را تبلیغ می‌کرد. یکی از کتاب‌های معروف مانی، ارژنگ نام دارد و مشتمل بر نقاشی‌های اوست.

برای مصرف خاندان شاهی و خانواده‌های اشرافی تهیه می‌شدند. بعدها همین نقش‌ها در آثار هنری کشورهای مختلف، مورد تقلید قرار گرفتند. بر خلاف فلزکاری، هنر سفالگری در دوره ساسانی رونق گذشته را نداشت.

فلزکاری و قلم‌زنی: آثار نقره‌ای عهد ساسانی که با مهارت و ظرافت فوق‌العاده‌ای ساخته شده‌اند، از شهرت فراوانی برخوردارند. بیشتر آثار فلزی باقی مانده از این دوره را انواع بشقاب، سینی و کاسه تشکیل می‌دهند. این ظروف که دارای نقش و نگارهای بسیار زیبا و ظریف هستند، اغلب



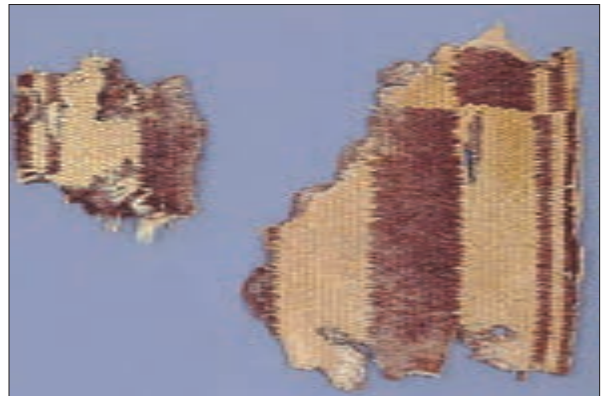
○ ظروف فلزی دوره ساسانی



● کرنا، یکی از سازهای موسیقی به جا مانده از دوره باستان

موسیقی: دوره ساسانی یکی از دوران‌های درخشان موسیقی ایران است. هنرمندان عرصه موسیقی در دوره ساسانی، بیش از پیش مورد توجه شاهان قرار گرفتند و از منزلت و امتیازات ویژه برخوردار شدند. از خوانندگان و نوازندگان آن دوره با عنوان گوسان، خُنیَاگر و رامشگر یاد شده است.

بافندگی: بافندگی اعم از بافت پارچه و قالی، عرصه دیگری بود که هنرمندان عهد ساسانی، در آن استعداد و نبوغ هنری خود را برای خلق آثار زیبا به نمایش گذاردند. منسوجات آن زمان به ویژه پارچه‌های ابریشمی، بسیار ظریف و پرنقش و نگار بودند. شواهد موجود، بیانگر رونق و شکوفایی هنر فرش‌بافی در آن دوره است. قالی بهارستان که اعراب مسلمان از کاخ تیسفون به غنیمت گرفتند، شهرت بسیار دارد.



● قطعه‌هایی از بقایای پارچه‌های ابریشمی به جا مانده از دوره ساسانیان - موزه متروپولیتن نیویورک

فَعَالِیت ۳

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه یک بخش از آثار هنری دوره ساسانی را در قالب پاورپوینت معرفی و در کلاس ارائه کنید، الف - بناها، ب - سنگ‌نگاره‌ها، پ - ظروف فلزی، ت - سکه‌ها، ث - زیورآلات

پرسش‌های نمونه

- ۱ دو مورد از ویژگی‌های مهم هنر و معماری عصر هخامنشی را توضیح دهید.
- ۲ سنگ‌نگاره‌ها و نقش برجسته‌های دوران هخامنشی و ساسانی، حاوی چه مضامین و محتوایی هستند و چه اهمیتی در شناخت تاریخ آن دوران دارند؟
- ۳ برجسته‌ترین نوآوری‌های معماری اشکانی و ساسانی را شرح دهید.
- ۴ هنر نقاشی و نگارگری در عصر ساسانی چه وضعیتی داشت؟
- ۵ سه مورد از عوامل رونق و شکوفایی هنر و معماری ایران در دوران باستان را استنباط و بیان کنید.

منابع و مآخذ

- منابع و مآخذی که در تألیف و تدوین محتوا و تصاویر این کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند:
علاوه بر قرآن کریم:
- اتینگهاوزن، ریچارد و احسان یارشاطر، اوج‌های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران، آگه، ۱۳۷۹.
- استنفورد، مایکل، درآمدی بر تاریخ پژوهشی، ترجمه دکتر مسعود صادقی، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- _____، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
- اطلس تاریخ ایران، گروه مؤلفان، تهران، سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۷۸.
- امپراطوری فراموش‌شده، جهان پارسیان باستان، گروه مؤلفان، ویراستاران انگلیسی جان کرتیس و نایجل تالیس، ترجمه فرح مستوفی و دیگران، تهران، کتاب‌آمه، ۱۳۹۲.
- آدلر، فیلیپ. جی، تمدن‌های عالم، جلد ۱، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- آمیه، پی‌یر، شوش، شهر شش‌هزار ساله، ترجمه علی موسوی، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۹.
- باستان‌شناسی در ایران، هیئت باستان‌شناسی آلمان در ایران، ترجمه سروش حبیبی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.
- بشم، آرتور لولین، هند باستان، مترجمان فریدون بدره‌ای و محمود مصاحب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
- بلوکباشی، علی، بازی‌های کهن در ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶.
- بویس، مری و هنری جورج فارمر، دو گفتار درباره خنیاگری و موسیقی ایران، ترجمه بهزاد باشی، تهران، آگه، ۱۳۶۸.
- بهار، مهرداد و نصرالله کسرائیان، تخت جمشید، تهران، چشمه، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- بهرامی، عسکر، جشن‌های ایرانیان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۹.
- بهروز، ذبیح‌الله، تقویم و تاریخ در ایران، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸.
- بیرشک، احمد، گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تهران، بنیاد بزرگ دانشنامه فارسی، ۱۳۸۰.
- بیک محمدی، حسن، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳.
- پنچیک، ریچارد، باستان‌شناسی کشف رازهای گذشته، ترجمه ساقی نخعی‌زاده، تهران، ققنوس، ۱۳۹۰.
- پوشاک در ایران، گروه مؤلفان، ترجمه پیمان متین، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.

- پیگولوسکایا، ن، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
- تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، (جلد ۱ و ۲)، گروه نویسندگان، سرویراستار راس ئی.دان، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- تاریخ جامع ایران، (جلد ۱ تا ۵)، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، سخن، چاپ ششم، ۱۳۸۹.
- تکمیل همایون، ناصر، نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۲.
- تناولی، پرویز، قالیچه‌های تصویری ایران، تهران، سروش ۱۳۶۸.
- جانسون، پل، تاریخ تمدن مصر، ترجمه منصوره وحدتی احمدزاده، تهران، پارمیس، ۱۳۹۰.
- دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، مدخل ایران، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران.
- درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران، سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۴.
- دینوری، احمد بن داوود، اخبار الطوال، ترجمه احمد مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۶۶.
- دیولا فوا، مادام ژان، سفرنامه خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش، ترجمه ایرج فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- رائین، اسماعیل، دریانوردی ایرانیان از دوران‌های افسانه‌ای تا ظهور اسلام، ج ۱، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۰.
- رجبی، پرویز، هزاره‌های گمشده، (۵ جلد)، تهران، توس، ۱۳۸۰.
- رفیعی، لیلا، سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران، یساولی، ۱۳۷۷.
- رضی، هاشم، گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران، فروهر، ۱۳۸۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۰.
- سامی، علی، تمدن ساسانی، (۲ جلد)، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- سودآور، ابولعلا، هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمدشیرانی، تهران، کارنگ، ۱۳۸۰.
- سید سجادی، سید منصور، نخستین شهرهای فلات ایران، جلد ۱ و ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- شاردن، ژان، سفرنامه، جلد ۴، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲.

شهرستان های ایران شهر، با آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت های تورج دریایی، مترجم (یادداشت ها) شهرام جلیلیان، توس، ۱۳۸۸.

شیپمان، کلاوس، مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، فرزان روز، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
علیزاده، عباس، تئوری و عمل در باستان شناسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
فرای، ریچارد نلسون، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۹۲.
فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، جلد (۱- ۳، ۵، ۶ و ۹)، شورای کتاب کودک، زیر نظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی، نشر فرهنگنامه.

فریدنی، نیکول، مجموعه تصاویر، ترجمه کیوان معتمدی، تهران، مؤلف، ۱۳۸۰.

_____، ایران، تهران، یساولی، ۱۳۷۳.

فوگل، اشپیگل، تمدن مغرب زمین، ج ۱، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.

کار، ای.اچ، تاریخ چیست؟، ترجمه حسن کامشاد، تهران، ۱۳۸۷.

کالج، مالکوم، اشکانیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، هیرمند، ۱۳۸۰.

کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱.

کمپفر، انگلبرت، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.

گات ها، سرودهای زرتشت، ترجمه و تفسیر موبد فیروز آذرگشسب، تهران، فروهر، ۱۳۵۱.

گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، آگاه، ۱۳۶۵.

گدار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۴۵.

گزیده ای از ده هزار سال هنر و تمدن ایران، تهران، موزه ملی ایران - تانیا، ۱۳۸۶.

گیرشمن، رمان، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۵۵.

_____، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.

لوکاس، هنری، تاریخ تمدن از کهن ترین روزگار تا سده ما، جلد ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.

- ماری کخ، هاید، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، کارنگ، چاپ چهاردهم، بی تا.
- ماکالا، سی بی، بنیادهای علم تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین النهرین، ۳ جلد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹، ۱۳۷۶، ۱۳۸۰.
- محمدبنده، بهنام، کهن یار، مجموعه آثار ایران باستان در موزه های بزرگ جهان، جلد، سبزان، ۱۳۸۶.
- محمدی فر، یعقوب، باستان شناسی و هنر اشکانی، تهران، سمت، ۱۳۸۷.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- مفتخری، حسین، مبانی علم تاریخ، تهران، سمت، ۱۳۹۲ ش.
- ملایی توانی، علیرضا، درآمدی بر پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
- ملکزاده (بیانی)، ملکه، تاریخ مهر در ایران، جلد ۱، انتشارات یزدان، ۱۳۷۵.
- ملک شهمیرزادی، صادق، ایران در پیش از تاریخ، باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۸.
- _____، مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین و مصر، تهران، مارلیک، ۱۳۷۵.
- ملول، غلامعلی، بهارستان، دریچه ای به قالی ایران، تهران، سیمین و زرین، ۱۳۸۴.
- موسوی گرمارودی، علی، داستان پیامبران، (۲ جلد)، تهران، قدیانی، چاپ هشتم، ۱۳۷۷.
- میراث ایران، گروه مؤلفان (سیزده تن از خاورشناسان)، زیر نظر ا.ج. آربری، ترجمه احمد بیرشک و همکاران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۶.
- نامه تنسر به گشنسب، به کوشش مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۴.
- نشانه هایی از دویست هزار سال همبودی انسان و جانوران در ایران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۹۲.
- نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران، اساطیر ۱۳۸۳.
- نگهبان، عزت الله، مروری بر پنجاه سال باستان شناسی ایران، تهران، سبحان نور، ۱۳۸۵.
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
- واندبرگ، لویی و کلاوس شیپمان، نقش برجسته های منطقه الیمایی در دوران اشکانی، ترجمه یعقوب



محمدی فر و آزاده محبت خو، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
ولز، جرج، کلیات تاریخ، دورنمایی از تاریخ زندگی آدمی از آغاز تا ۱۹۶۰ م، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۶۵.

ویسهوفر، یوزف، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
هرتسفلد، ارنست، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.

هرمان، جرجینا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

هرودت، تاریخ، ترجمه هادی هدایتی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶.

هفت رخ فرخ ایران، به کوشش فرزین رضاییان تهران، شرکت طلوع ابتکارات تصویری، ۱۳۸۶.

هنرهای ایران، گروه مؤلفان، زیر نظر ر.دبلیو.فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه، ۱۳۷۴.

هینتس، والتر، داریوش و ایرانیان، تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ماهی، ۱۳۸۷.

یارشاطر، احسان و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد ۳

قسمت اول، گردآورنده جی.آبویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۹۴.

_____، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد ۳ قسمت دوم، گردآورنده

جی.آبویل، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۹۳.

منابع لاتین

Encyclopedia WORLD MYTHOLOGY , London, first published, 1975.

Clibbom, booth, the splendor of Iran.v1(ancient times), London, 2001.

سایت‌ها و منابع الکترونیک

www.negahmedia.ir

<http://www.en.wikipedia.org>

www.iranatlas.info



